

بررسی کارکردهای اجتماعی

عجل الله تعالی فرجه الشریف

انتظار حضرت مهدی

در ایران معاصر

محمد صادق ربانی خوراسگانی



۱۱۱۱۱۱

| | |
|---------------------|--|
| سرشناسه | ربانی خوراسگانی، محمدصادق، ۱۳۴۶- |
| عنوان و نام پدیدآور | بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی (عج) در ایران معاصر / محمدصادق ربانی خوراسگانی. |
| مشخصات نشر | قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸. |
| مشخصات ظاهری | ۱۹۲ ص: جدول، نمودار. |
| فروست | موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات؛ ۶۰۱. جامعه‌شناسی؛ ۱۵. |
| شابک | ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۱-۴۲۹-۸ |
| وضعیت فهرست نویسی | فیا |
| یادداشت | کتابنامه: ص. [۱۸۸] - ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. |
| موضوع | مهدویت -- انتظار -- جنبه‌های اجتماعی |
| شناسه افزوده | موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). انتشارات |
| رده بندی کنگره | BP۲۲۴/۴ب۲ |
| رده بندی دیویی | ۲۹۷/۴۴۲ |
| شماره کتابشناسی ملی | ۱۹۵۴۶۹۳ |

بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک

در ایران معاصر

محمدصادق ربانی خوراسگانی

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره

۱۳۸۸



شماره ردیف ۶۰۱
شماره موضوعی جامعه‌شناسی ۱۵۰
۱۳۸۸-۶۷

■ بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی (عج) در ایران معاصر

● نویسنده: محمدصادق ربانی خوراسگانی

● ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

● چاپ: نگارش

● نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۸

● شمارگان: ۱۰۰۰

● قیمت: ۲۵۰۰ تومان

● دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا، کوی ممتاز، پلاک ۲۸
تلفن و نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۴۲۳۳۶

● شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۳۶۲۹

شابک ۸-۴۲۹-۴۱۱-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۱۳ | قدردانی و سپاس |
| ۱۵ | مقدمهٔ معاونت پژوهش |
| ۱۹ | مقدمه |
| ۲۳ | فصل نخست: امیدبخشی |
| ۲۵ | ۱. امید در آیات و روایات |
| ۲۷ | ۲. امید در کلام اندیشمندان |
| ۲۸ | ۳. تفاوت امید با آرزو و خیالات |
| ۲۹ | ۴. اقسام امید |
| ۳۰ | الف) پیروزی و نصرت الهی |
| ۳۰ | ب) پیروزی حق بر باطل |
| ۳۰ | ج) گسترش عدالت |
| ۳۱ | د) فراگیری رحمت و هدایت |
| ۳۱ | ۵. عوامل امیدبخشی در جامعهٔ منتظران |
| ۳۱ | الف) رشد فرهنگ، دانش و ارتباطات |

| | |
|----|------------------------------------|
| ۳۳ | (ب) گسترش امنیت در جامعه |
| ۳۴ | (ج) نزول برکت و رفاه اقتصادی |
| ۳۵ | ۶. امید و انتظار |

فصل دوم: پویایی اجتماعی و تحرک بخشی ۳۹

| | |
|----|--|
| ۴۳ | ۱. ظلم ستیزی |
| ۴۴ | اصل اول: عدم بیعت با طاغوت‌ها |
| ۴۴ | اصل دوم: بیزاری از دشمنان |
| ۴۴ | اصل سوم: عدم تسلط و سلطه کفار و ستمگران بر مسلمانان |
| ۴۶ | شیوه‌های تأثیر ایدئولوژی بر تسهیل دگرگونی اجتماعی |
| ۴۶ | الف) نقش اقتداربخشی ایدئولوژی به نظم و راه جدید |
| ۴۶ | (ب) ارائه راهکاری برای هدایت افراد جامعه |
| ۴۷ | (ج) توان و نیروی انگیزه‌مند ساختن افراد |
| ۴۹ | الف) نهضت تنباکو |
| ۵۰ | زمینه اجتماعی صدور حکم تحریم تنباکو |
| ۵۲ | (ب) مشروطیت |
| ۵۳ | شیخ فضل الله نوری |
| ۵۵ | آیت الله طباطبایی |
| ۵۶ | رهبران دینی نجف (آخوند خراسانی، حاجی میرزا حسین تهرانی، عبدالله مازندرانی) |
| ۵۶ | واکنش علمای دینی نجف به استبداد صغیر |
| ۵۹ | حکم جهاد آیت الله سید عبدالحسین لاری |
| ۶۰ | رساله‌های دوران مشروطیت |
| ۶۰ | الف) رساله احیاء الملة آقای شیخ حسین اهرمی یوشهری |
| ۶۲ | (ب) رساله انصافیه اثر مرحوم، حاج ملا عبدالرسول کاشانی |

| | |
|-----|--|
| ۶۳ | (ج) انقلاب اسلامی ایران |
| ۶۵ | نظر میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران و امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۶۷ | تأسیس انجمن و سازمان‌های متأثر از انتظار امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۶۷ | ۱. تأسیس انجمن مخفی در بهمن سال ۱۲۸۲ هجری شمسی |
| ۶۸ | ۲. تشکیل گروهی به نام مهدویون |
| ۶۹ | ۳. فدائیان اسلام |
| ۶۹ | نامه‌ها و تلگراف‌های متأثر از انتظار امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۸۲ | نظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، درباره عنایات امام زمان <small>علیه السلام</small> به این انقلاب |
| ۸۴ | ۲. حرکت برای تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۸۴ | نقد دو برداشت انحرافی از تشکیل حکومت اسلامی |
| ۸۴ | برداشت اول |
| ۸۸ | برداشت دوم |
| ۸۸ | نقد دیدگاه |
| ۸۹ | جدایی دین و سیاست و عوامل طرح آن از منظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> |
| ۹۰ | ۱. استعمار و استعمارگران |
| ۹۰ | ۲. عوامل غرب‌زده داخلی و وابسته به بیگانگان |
| ۹۱ | ۳. روحانیون فریب‌خورده و ناآگاه |
| ۹۲ | ضرورت حکومت در زمان غیبت کبرا |
| ۹۲ | الف) ادله نقلی |
| ۹۴ | ب) ادله عقلی |
| ۹۷ | فصل سوم: انسجام‌بخشی و هم‌بستگی اجتماعی |
| ۹۹ | تعریف هم‌بستگی اجتماعی |
| ۱۰۰ | دین و هم‌بستگی اجتماعی |

- عوامل هم‌بستگی از نظر دانشمندان مسلمان ۱۰۲
- الف) فارابی ۱۰۲
- ب) خواجه نصیرالدین طوسی ۱۰۳
- ج) آیت‌الله مصباح یزدی ۱۰۴
- آثار و پیامدهای هم‌بستگی در جامعه ۱۰۷
- پیامدها و آثار هم‌بستگی اجتماعی ۱۰۷
۱. کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی ۱۰۷
۲. تعاون و همکاری ۱۰۸
۳. دشمن‌ستیزی ۱۰۸
۴. استقلال و عزت کشور ۱۰۸
- ابعاد هم‌بستگی انتظار امام زمان علیه السلام ۱۰۹
- ولایت فقها (نواب عام) و هم‌بستگی اجتماعی در زمان انتظار ۱۱۰
۱. تداوم رهبری در عصر غیبت، برای رسیدن به ظهور امام زمان علیه السلام ۱۱۱
۲. وظیفه علمای شیعه در عصر غیبت تا ظهور ۱۱۳
۳. ولایت فقها در عصر صفوی ۱۱۵
- ولایت فقها در عصر قاجاریه ۱۲۰
- رهیافتی بر پارادایم‌های سیاسی شیعه در دوران معاصر ۱۲۲
۱. پارادایم میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری ۱۲۳
۲. پارادایم آخوند خراسانی و دیگر مجتهدان ۱۲۷
۳. پارادایم امام خمینی علیه السلام ۱۳۱
- فرایند تکوین پارادایم امام خمینی علیه السلام ۱۳۲
- مرحله اول: همسازی عقلی ۱۳۲
- مرحله دوم: تصدی امور در حد مقدور ۱۳۳
- مرحله سوم: اتحاد عینی مشیت و مشروعیت ۱۳۴

| | |
|-----|--|
| ۱۳۵ | دستاوردهای پارادایم امام خمینی (ره)..... |
| ۱۳۵ | الف) بازشناسی جایگاه سیاست در شریعت..... |
| ۱۳۵ | ب) تعمیم ولایت در حوزه سیاست..... |
| ۱۳۶ | دوره اول..... |
| ۱۳۷ | دوره دوم..... |
| ۱۳۷ | دوره سوم..... |
| ۱۳۸ | دوره چهارم..... |
| ۱۳۸ | بُعد مناسکی و هم‌بستگی اجتماعی..... |
| ۱۳۹ | ۱. شرکت انبوه مردم در مسجد مقدس جمکران..... |
| ۱۴۰ | ۲. برگزاری جلسات متعدد دعای ندبه در صبح‌های جمعه..... |
| ۱۴۰ | ۳. جشن‌های نیمه شعبان..... |
| ۱۴۱ | ۴. خواندن دعای امام زمان (عج) بعد از نمازهای جماعت در محافل عمومی..... |
| ۱۴۱ | ۵. توجه دل‌های شیعه در ایام و روزهای خاص به حضرت..... |

فصل چهارم: نظارت و کنترل اجتماعی..... ۱۴۳

| | |
|-----|---|
| ۱۴۷ | ۱. احساس حضور..... |
| ۱۴۹ | نمونه‌ای از اوج احساس حضور..... |
| ۱۵۰ | ۲. جامعه‌پذیر کردن انتظار امام زمان (عج)..... |
| ۱۵۰ | الف) تفاوت جامعه‌پذیری با کنترل اجتماعی..... |
| ۱۵۳ | ب) تعریف جامعه‌پذیری..... |
| ۱۵۳ | ج) عوامل جامعه‌پذیری..... |
| ۱۵۴ | ۱. جامعه‌پذیری در خانواده ایرانی..... |
| ۱۵۴ | ۲. گروه همسالان..... |
| ۱۵۵ | ۳. مساجد و نهادهای مذهبی و آموزشی..... |

۴. وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات) ۱۵۶
- د) راهکارهای کلی جامعه‌پذیری انتظار ۱۵۶
۱. گرامیداشت مراسم نیمه شعبان ۱۵۶
۲. برگزاری مراسم ادعیه خاص آن حضرت ۱۵۷
۳. توجه به اماکن ویژه حضرت (مسجد جمکران و سهله) ۱۵۷
۴. فرستادن هدیه به نیابت از آن حضرت ۱۵۸
۳. نظارت و کنترل اجتماعی ۱۵۸
- برداشت انحرافی گروهی از انتظار ۱۵۹
- نقد تفکر انحرافی از انتظار ۱۶۱
- امر به معروف و نهی از منکر، عاملی برای نظارت اجتماعی ۱۶۴
- تعریف امر به معروف و نهی از منکر از نظر علمای شیعه ۱۶۵
- پیش فرض‌های امر به معروف و نهی از منکر ۱۶۶
- سطوح امر به معروف و نهی از منکر در عصر غیبت ۱۶۷
۱. سطح فردی ۱۶۷
۲. سطح حکومتی ۱۶۷
- فرایند اعمال کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) ۱۶۹
- کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر ۱۷۲
۱. بقای جامعه ۱۷۲
۲. ضامن اجرای دستورها و هنجارهای دینی ۱۷۲
۳. حاکمیت درستکاران و عدم استیلاي بدان ۱۷۳
- انگیزه‌های ترک امر به معروف و نهی از منکر ۱۷۴
۱. ترس ۱۷۴
۲. طمع ۱۷۵
۳. تعلق ۱۷۵

| | |
|-----|--|
| ۱۷۶ | ساختار اجتماعی - فرهنگی عصر غیبت |
| ۱۷۹ | خلاصه و نتیجه گیری |
| ۱۸۳ | منابع |
| ۱۸۹ | مقالات |
| ۱۹۰ | منابع و مقالات فرعی |

قدردانی و سپاس

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وخاتم النبيين وعلى آله
الاطيبين الاخيرين صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين.

با سپاس فراوان از حکیم فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی که با درایت خویش
بستری مناسب برای تحصیل طلاب علوم دینی در زمینه علوم انسانی فراهم کرده است.
همچنین از استادان ارجمندی که طی دوره تحصیل به حقیر کمک‌های شایانی
کرده‌اند، قدردانی می‌کنم؛ به‌ویژه از استادان بزرگوار، جناب آقای دکتر ابراهیم فیاض که
از رهنمودهای راه‌گشای ایشان بهره‌های فراوان بردم، و از حجج اسلام والمسلمین آقایان
کریم خان محمدی و حسن غفاری فر که از نظرهای خود برخوردارم کردند.

مقدمه معاونت پژوهش

حقیقت اصیل ترین، جاودانه ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق چه جانها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل پرستان چه توطئه ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته اند. چه تلخ واقعی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین رفتنی و ننگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وام دار کوشش های خالصانه و پایان ناپذیر حقیقت جویانی است که در عرصه نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته اند، و در این میان، نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق و گرامی او علیه السلام، برجسته ترین است.

دانشمندان نام آور شیعه رسالت خطیر و بی نظیر خویش را بهره گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت گریز دانسته و در این راه دیده ها سوده و جانها فرسوده اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به کارگیری

انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشوارتر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی بازبندند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرز و بوم آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان رد پای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش در پیش است. از این روی، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازماندهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عج در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله العالی» از آغاز تأسیس بر اساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت

دانش پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو جامعه‌شناسی دین که با تلاش پژوهشگر ارجمند حجت‌الاسلام آقای محمدصادق ربیانی خوارسگانی نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام به منزله اعتقاد و استراتژی مهم شیعه و مورد سفارش اهل بیت علیهم السلام است، و پیامدهای اجتماعی این انتظار را می‌توان، امیدبخشی، پویایی، انسجام و کنترل اجتماعی دانست. معاونت پژوهش از مؤلف محترم و حجج‌اسلام والمسلمین آقایان علی اکبر میرسپاه و حسن غفاری فر که با ارزیابی، نظارت و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای آن افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند متعالی خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

مقدمه

پیش از پرداختن به کلیات طرح تحقیق، لازم است مفهوم انتظار امام زمان عجل الله فرجه روشن شود. از این رو، به تعریف انتظار و اقسام آن می پردازیم.

انتظار در لغت به معنای چشم به راه بودن و چشم داشتگی است؛^۱ اما مفهوم انتظار فرج در اسلام و به ویژه مذهب تشیع، عبارت است از: «ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی، و آغاز حکومت صالحان».^۲ نکته درخور توجه این است که انتظار فرج در آموزه های دینی به دو معنا به کار رفته است: یکی به معنای عام و دیگری به معنای خاص.

انتظار فرج به معنای عام، یعنی انتظار گشایش و امید به آینده و نکوهش یأس و ناامیدی. از این رو، شهید مطهری می گوید: «اصل انتظار فرج از یک اصل کلی قرآنی و اسلامی به نام حرمت یأس از روح الله استنتاج شده است».^۳ بنابراین انسان مؤمن هرگز از عنایات و الطاف الهی ناامید نمی شود. از جمله روایاتی که به فضیلت انتظار فرج اشاره

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۷.

کرده‌اند، عبارت‌اند از: انتظار الفرج عبادة؛^۱ «انتظار فرج عبادت است»؛ افضل اعمال امتی انتظار فرج الله عزوجل؛^۲ «برترین اعمال امت من (پیامبر اعظم) انتظار و گشایش از جانب خداوند است»؛ و انتظروا الفرج ولا تياسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله عزوجل انتظار الفرج؛^۳ «در انتظار گشایش باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ زیرا دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند، انتظار گشایش است».

اما انتظار به معنای خاص، همان چشم‌به‌راه و منتظر مصلح جهانی و امام دوازدهم شیعیان بودن است.

امام سجاد ع، در فضیلت انتظار به معنای خاص فرموده‌اند: ان اهل زمان غیبه القائلون بامامته المنتظرون لظهوره افضل من كل اهل زمان...؛^۴ «مردمان زمان غیبتش (امام دوازدهم) که به امامت او معتقدند و در انتظار ظهورش به سر می‌برند، از مردمان هر زمانی بهترند...»؛ زیرا خداوند به آنان عقول، افهام و معرفت عطا می‌کند؛ و غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است؛ و نیز، روایات دیگری، از جمله: المنتظر لأمرنا كالمشخط بدمه فی سبیل الله؛^۵ «کسی که در انتظار تحقق امر ما (برقراری حکومت اهل بیت ع) باشد، همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده است»، همگی ناظر به این معنای خاص‌اند.

انتظار به معنای خاص آن، یعنی در انتظار امام زمان عج بودن، زمانی سازنده است، و عبادت به‌شمار می‌آید و واجد چنین فضیلت‌هایی است که نیروآفرین و محرک بخش باشد. از این رو، «انتظار برای به وجود آمدن صلاح، شایستگی، لیاقت، اصلاحات، کار، کوشش، حرکت و امثال آن است. انتظار، حالت دینامیک جامعه است، نه خاموش نشستن و صبر و

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. همان.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۹۴.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۵. همان، ص ۱۲۳.

حوصله و وانهادن تکلیف بر عهده دیگران»^۱ پس در این پژوهش، مراد از انتظار، انتظاری درست، سازنده و پویاست.

انتظار، نوعی نارضایتی از وضع موجود و حرکت برای اصلاح آن است.

پیامبر اکرم ﷺ، در آخرین حج خود (حجة الوداع) در بیان اوضاع آخرالزمان می فرماید:

[پایان دنیا و] برپاشدن قیامت چند نشانه دارد، از جمله: مهمل و واگزاردن نماز، پیروی از خواسته های نفسانی، میل به هواها و خواهش ها، و بزرگ شمردن مال و دارایی، و فروختن دین در برابر دنیا. در آن زمان قلب مؤمن در درونش گداخته و ذوب می گردد؛ همچنان که نمک در آب حل می شود؛ زیرا [با چشم خویش] مُنْکَر و ناروا را می بیند، ولی توانایی تغییر آن را ندارد. در آن هنگام، ناروا را می گردد و روا ناروا جلوه داده می شود؛ خیانت کار امین شمرده می شود و به امین نسبت خیانت می دهند؛ دروغ گو را راست گو می دانند؛ و به راست گو نسبت دروغ داده می شود؛ در آن زمان زنان به ریاست و امیری می رسند و کنیزکان مورد مشورت قرار می گیرند؛ کودکان بر منبرها می نشینند؛ دروغ گویی، زیرکی و کیاست شمرده می شود؛ و زکات دادن [را] خسارت و تاوان می دانند؛ فِیء^۲ را برای خود غنیمت می دانند؛ شخص به پدر و مادر خود جفا می کند و ستم روا می دارد، ولی به دوست خود نیکی می کند. در آن هنگام، مرد به مرد و زن به زن خشنود است؛ از غلامان همان گونه که از کنیزکان در خانه مولای خود بهره برده می شود، بهره می برند؛ مردان خود را شبیه زنان می سازند و زنان خود را به هیئت مردان درمی آورند؛ و زنان بر زمین ها سوار می شوند. پس لعنت خدا بر چنین کسانی از امت من باد. در آن هنگام،

۱. محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۵۴.

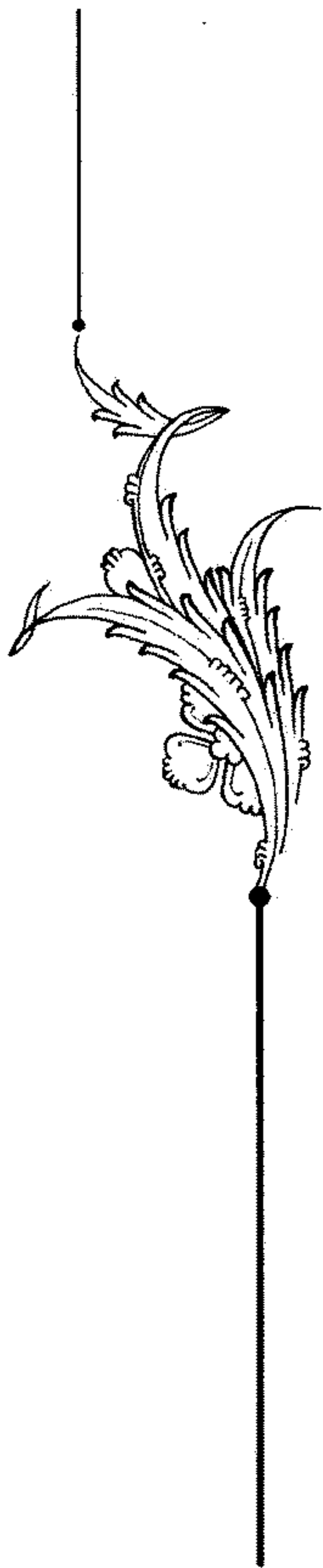
۲. آنچه از دشمن بدون جنگ و از طریق تسلیم یا مصالحه و عقد و پیمان گرفته شود؛ اعم از زمین یا اموال.

مسجدها همانند کلیسای یهود و نصارا آذین‌بندی می‌شوند؛ قرآن‌ها به زینت آراسته شده؛ مناره‌ها بلند ساخته می‌شوند و صف‌ها زیاد می‌گردند؛ ولی دل‌ها با یکدیگر در کینه و دشمنی، و زبان‌ها مختلف باشد. در آن زمان، مردان امت من، خود را با طلا می‌آرایند؛ و لباس‌هایی از حریر و ابریشم می‌پوشند؛ و پوست پلنگ را پیش زین اسب خود قرار می‌دهند. در آن دوران، آشکارا ربا گرفته می‌شود؛ و با یکدیگر به صورت غیابی معامله می‌کنند؛ و رشوه می‌ستانند؛ و دین پایین آورده، دنیا بالا برده می‌شود. در آن زمان، طلاق زیاد می‌شود؛ حدی از حدود الهی اقامه نمی‌شود که البته این مسئله هرگز به خداوند ضرری نمی‌رساند. در آن هنگام، زنان خواننده و آلات موسیقی آشکار می‌شوند؛ و بدترین‌های امت من به دنبال آنها راه می‌افتند. در آن دوران، ثروتمندان امت من برای گردش و تفریح، طبقه متوسط برای تجارت، و فقیران برای ربا و خودنمایی به سفر حج می‌روند. در آن هنگام، گروه‌هایی، قرآن را برای غیر خدا می‌آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می‌خوانند؛ و گروه‌هایی نیز، برای غیر خدا، علم دین فرامی‌گیرند. زنازادگان زیاد می‌شوند؛ قرآن را به صورت غنا می‌خوانند؛ و به دنیا هجوم می‌آورند؛ و این امور و نشانه‌ها در زمانی است که حرمت محارم برداشته می‌شود؛ و گناهان حاصل می‌شود؛ و بدان بر نیکان مسلط می‌گردند و دروغ شایع، و نیازمندی و فقر آشکار می‌شود؛ و مردم نسبت به یکدیگر فخر فروشی می‌کنند؛ و سازها و طبل را نیکو می‌دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می‌شود تا آنجا که فرمود: آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمان‌ها با عنوان پلید و ناپاک خوانده می‌شوند.^۱

۱. محمدبن حسن حر عاملی، جهاد با نفس، (ترجمه جهاد النفس وسائل الشیعه)، ترجمه علی افراسیابی، ص ۲۲۳-۲۲۵.

فصل نخست

امید بخشی



امید به آینده یکی از نیازهای انسان امروزی است؛ چرا که در پرتو امید به آینده، حرکت و پویایی به وجود می‌آید و انسان را به پیشرفت و تعالی سوق می‌دهد. بنابراین امید یکی از عوامل مؤثر در تحریک تاریخ و بشر است.^۱

هر نظام اجتماعی و هر نظام دینی برای بقا، استمرار و پویایی خود، به عنصری به نام امید به آینده، نیاز دارد. اگر اعتقاد به مهدویت و چشم‌به‌راه مصلح جهانی بودن در دین اسلام وجود نداشت، جامعه اسلامی از تحریک و پویایی، در دوران تاریخ، باز می‌ماند و به جامعه‌ای ایستا و مرده تبدیل می‌شد.

اما در سایه اعتقاد به مهدویت و انتظار حضرت مهدی علیه السلام، روحیه امیدواری در تمام مسلمانان تجلی کرده، همواره انسان‌های منتظر، چشم‌انتظار روزها و آینده‌ای روشن‌اند؛ همچنان که حرکت‌های اصلاحی در دوران نهضت تنباکو، مشروطه و انقلاب اسلامی را می‌توان تجلی امیدبخشی در ایران دانست که در فصل بعد به‌طور کامل آمده است.

۱. امید در آیات و روایات

اسلام، برای پویایی نظام اجتماعی خود، همواره روحیه امید را در انسان‌ها دمیده و آنان

۱. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۷، ص ۲۸۵.

را به امیدواری تشویق کرده است. قرآن کریم ناامیدی از رحمت الهی را از ویژگی‌های کافران برشمرده، از زبان حضرت یعقوب علیه السلام چنین نقل می‌کند: يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ! «پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید، و از رحمت خداوند مأیوس نشوید؛ زیرا تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند».

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: اِنَّمَا الْاَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللّٰهِ لَا مَتَى. لَوْلَا الْاَمَلُ مَا اَرْضَعَتْ وِلْدًا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛^۱ «همانا امید و آرزو رحمتی است از جانب خدا بر امت من. اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت».

بنابراین امید عاملی است که مادر را به شیر دادن فرزند سوق می‌دهد و باغبان را به کاشتن درخت وامی‌دارد. پس، امید عامل حرکت و پویایی است؛ چرا که نگاه به گذشته نوعی واپس‌گرایی است و نگاه به حال نیز، موجب ایستایی و سکون می‌شود و تنها نگاه به آینده است که به انسان امید می‌بخشد.

در روایتی آمده است که روزی حضرت عیسی علیه السلام، درحالی که به پیرمردی که مشغول کشاورزی بود می‌نگریست، به خداوند عرض کرد: خداوندا، امید را از دل او برگیر! در این هنگام پیرمرد بیل را کنار گذاشت و بر روی زمین نشست. پس از مدتی حضرت عیسی علیه السلام به خداوند عرض کرد: خداوندا، امید را به او برگردان! ناگهان کشاورز برخاست و کارش را از سر گرفت. حضرت عیسی علیه السلام نزدیک رفت و ماجرا را از وی پرسید. پیرمرد گفت: مشغول کار کردن بودم که با خود فکر کردم، تا کسی می‌خواهی کار کنی؟ از این رو بیل را کنار گذاشتم و خوابیدم. اندکی بعد با خود گفتم:

۱. یوسف (۱۲)، ۸۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳.

به خدا سو گند که تا زنده‌ای باید زندگی کنی! از این رو، برخاستم و دوباره بیل را به دست گرفتم.^۱

از این رو، یکی از ویژگی‌های فطری انسان، امید داشتن به آینده‌ای روشن است. در سایه امیدواری است که انسان به حرکت و پویایی سوق پیدا می‌کند و جامعه‌ای پویاست که امیدوار باشد.

بنابراین امید و آرزو، از ویژگی‌های انسان است و در زمره فطریات بشر قرار دارد؛ زیرا هر دو، نگاهی به آینده دارند.^۲

۲. امید در کلام اندیشمندان

کانت «امید» را از ویژگی‌های انسان هوشیار و آگاه می‌داند و معتقد است برای انسان هوشیار سه سؤال پیش می‌آید: «یکی اینکه چه می‌توانم بدانم، دوم اینکه چه باید بکنم، سوم اینکه چه امید و انتظاری می‌توانم داشته باشم».^۳

آلپورت نیز که یکی از صاحب‌نظران علم شخصیت است، اعتقاد دارد هدفمندی و آینده‌نگری از ویژگی‌های افراد سالم و برخوردار از سلامت روان است: «[اشخاص برخوردار از سلامت روان]، فعالانه در پی هدف‌ها و امیدها و رؤیاهای خویش‌اند و رهنمون زندگی‌شان معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد».^۴

بنابراین انسان‌های امیدوار، انسان‌هایی هستند که شخصیت سالمی داشته، هرگز دچار یأس، ناامیدی و افسردگی نمی‌شوند.

۱. ورام‌بن ابی‌فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲. سیدرضا صدر، راه مهدی، به اهتمام سیدباقر خسروشاهی، ص ۲۰.

۳. محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا، ج ۲، ص ۲۸۳.

۴. دوآن شولتس، روان‌شناسی کمال، الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، ص ۲۰.

پس، یکی از ویژگی‌های شخصیت سالم، امیدواری به آینده است. چنانچه ویکتور فرانکل می‌گوید: «شخصیت‌های سالم، ویژگی‌های دیگری هم دارند؛ به آینده می‌نگرند و به هدف‌ها و وظایف آتی توجه می‌کنند. در واقع به چنین هدف‌هایی نیاز دارند». فرانکل در ادامه می‌نویسد: «این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند».^۱

از این رو، اعتقاد به مهدویت و انتظار حضرت مهدی علیه السلام در پی امیدبخشی به بدنه جامعه اسلامی است که در پرتو این امیدواری به آینده‌ای روشن، همواره منتظران از شخصیتی سالم برخوردارند.

۳. تفاوت امید با آرزو و خیالات

یکی از کارکردهای اجتماعی- تربیتی انتظار حضرت مهدی علیه السلام، گسترش امید و روحیه امیدبخشی در جامعه است؛ اما امید با آرزو تفاوت دارد. امید با عقل بشر همراه و امکان‌پذیر است و به محال تعلق نمی‌گیرد؛ ولی آرزو، گاهی با عقل هماهنگ، و گاهی ناهماهنگ است؛ و خواسته‌اش غیر عقلایی و امکان‌ناپذیر است. از این رو، آرزو به محالات نیز تعلق می‌گیرد. در آرزو کردن، لزوماً حرکت، به سوی آن نیست؛ چرا که انسان می‌نشیند و آرزو می‌کند. بنابراین در آرزو، حرکت به سوی هدف وجود ندارد؛ ولی امید، با حرکت به سوی هدف همراه است.^۲

تفاوت امید با خیالات نیز، در این است که خیالات عبارت‌اند از جریان صور مخلوط از واقع و ساختگی در صفحه ذهن انسانی، بدون توانایی تحرک. در صورتی که امید، به واقعیات و خواستن آنها تعلق داشته، انسان را به سوی آن موضوعات تحریک می‌کند.^۳

۱. همان، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. سیدرضا صدر، راه مهدی، به اهتمام سیدباقر خسروشاهی، ص ۲۱.

۳. محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۷، ص ۲۸۵.

۴. اقسام امید

امید را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: امیدهای واهی؛ و امیدهای واقعی. امیدهای واهی، بیشتر شامل نوعی آرمان‌ها و آرزوهای گم‌شده‌اند که انسان با حاضر کردن آنها در ذهن و درون خویش، به نوعی آرامش خاطر دست می‌یابد که در صورت تداوم و تقویت آنها، خودبه‌خود، زمینه جدا شدن از مسائل و رویدادهای واقعی زندگی، و در نتیجه، احساس بیگانگی از واقعیت‌ها، برای شخص، پدید می‌آید.^۱

این نوع امیدها، به گونه مجازی، امید نامیده می‌شود؛ و گرنه، خیالات و آرزوها را شامل می‌شوند. در صورتی که ما امید را از آرزو و خیالات جدا دانستیم.

اما امیدهای واقعی که در مقابل امیدهای واهی قرار دارند، امیدهایی هستند که پایه و اساسی منطقی و استوار داشته، در اعتقادات و باورهای دینی و ارزش‌های مبتنی بر وحی الهی ریشه دارند.^۲

اعتقاد به انتظار مهدی موعود، از دسته امیدهای واقعی است. به عبارت دیگر، امیدهای واقعی، از آن جهت که اهدافی عالی دارند، ما را به حرکت و پویایی وامی‌دارند. از این رو، علامه جعفری معتقد است که «درخشندگی امید بایستی به یک منبع اصیل نور متصل باشد تا بتواند آدمی را تحریک کند».^۳

بنابراین ارزش امید به هدفی است که به آن وابسته است؛ زیرا از آنجا که امید یک پدیده روانی ناظر به آینده و هدف است، ارزش آن وابسته به هدفی است که آن را تولید می‌کند.^۴ از این رو، هرچه هدف عالی‌تر باشد، امید به آن هدف نیز، عالی‌تر و مقدس‌تر است.

پس امیدی که در جامعه منتظران وجود دارد، در پرتو اعتقاد به ظهور امام زمان علیه السلام

۱. محمدرضا شرفی، «مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار»، ماهنامه موعود، ش ۳۸، ص ۲۳.

۲. همان.

۳. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۷، ص ۲۸۶.

۴. همان.

است؛ و این هدف یکی از ارزشمندترین و عالی‌ترین اهداف شیعه به‌شمار می‌آید. بنابراین امیدها از هدف‌ها متأثرند؛ و هدف‌های مقدس نیز، به منبعی از نور و وحی متصل‌اند. اما هدف‌های مقدسی که روحیه امیدواری را در جامعه مهدوی و جامعه منتظر، تولید می‌کنند، عبارت‌اند از:

الف) پیروزی و نصرت الهی

پیروزی و نصرت الهی، انسان‌های وارسته و پاک را شامل می‌شود؛ و امید به نجات از آن مؤمنان خواهد بود. آیه نورانی ذیل، دال بر این مطلب است که هنگام ناامیدی، نصرت و پیروزی ما شامل شما خواهد شد: **جَاءَهُمْ نَصْرًا فَجَبَّيْ مَنْ نَشَاءُ^۱** «وقت یاری ما فرا رسید، تا هر که را بخواهیم نجات بخشیم».

ب) پیروزی حق بر باطل

بر اساس آیات قرآن کریم، سرانجام، پیروزی از آن تقوایپیشگان و صالحان خواهد بود: **إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۲** «زمین ملک خداست و او به هر کس از بندگان خواهد، واگذارد و حسن عاقبت و پیروزی مخصوص اهل تقواست». **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۳** «و ما بعد از تورات در زبور داوود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد».

ج) گسترش عدالت

در روایتی یکی از هدف‌های مقدس، گسترش عدالت معرفی شده است: **يَمْلَأُ اللَّهُ عِزَّ**

۱. یوسف (۱۲)، ۱۱۰.

۲. اعراف (۷)، ۱۲۸.

۳. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

وجل به الارض قسطاً و عدلاً؛^۱ «خداوند عزوجل، به وسیله وی، زمین را پُر از عدل و داد می کند».

د) فراگیری رحمت و هدایت

از دیگر اهداف مقدسی که در آیات قرآن کریم بدان اشاره شده، فراگیری رحمت و هدایت الهی است:

قُلْ كُلُّ مَتْرَبٍصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى؛^۲ «بگو! همگی چشم به راه اند؛ پس چشم به راه باشید! زود است بدانید کیست اند صاحبان راه راست، و کیست آن که هدایت یافت».

پس، پیروزی حق بر باطل و نصرت الهی، گسترش عدالت و فراگیری رحمت و هدایت خداوند، از جمله هدف های مقدسی است که روحیه امید به آینده ای روشن را در میان منتظران حضرت تقویت می کند.

۵. عوامل امیدبخشی در جامعه منتظران

توصیف برخی ویژگی های جامعه مهدوی و برخوردار شدن انسان ها از آن ویژگی ها، از عواملی است که در افزایش روحیه امید به جامعه منتظران بسیار مفید است؛ و وجود این شاخص ها در زمان ظهور، روحیه امید را در منتظران تقویت می کند.

الف) رشد فرهنگ، دانش و ارتباطات

گسترش و رشد فرهنگی و علمی، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، هرکسی را برای درک آن

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲. طه (۲۰)، ۱۳۵.

دوران ترغیب می‌کند. در روایتی آمده است که در زمان حال، (با همه پیشرفت‌های علمی) دو حرف از علم آشکار شده است؛ و در زمان حکومت آن حضرت ۲۵ حرف دیگر آن آشکار شده، در مجموع، در آن دوران ۲۷ حرف از علم آشکار و منتشر خواهد شد.^۱

در باب گسترش و سهولت ارتباطات، روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که ایشان می‌فرمایند: ان المؤمن فی زمان القائم وهو بالشرق لیری اخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی فی المشرق؛^۲ «در روزگار مهدی علیه السلام مؤمن در مشرق زمین، برادرش را که در مغرب زمین است، می‌بیند. همچنین مؤمنی که در مغرب است، برادرش را که در مشرق است، مشاهده می‌کند». همچنین در روایت دیگری آمده است: «هنگامی که مهدی ما قیام کند، خداوند قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که حضرت با شیعیانشان از فاصله چهار فرسنگی سخن می‌گویند؛ و آنان سخن حضرت را می‌شنوند و ایشان را می‌بینند؛ در حالی که حضرت در جایگاه خودشان مستقرند».^۳

با توجه به ظاهر این دو روایت، ارتباطات بین انسان‌ها، به صورت طبیعی و عادی و بدون هیچ گونه تکنولوژی‌ای گسترش می‌یابد. از این رو، با توجه به اینکه تکنولوژی و صنعت نیز، پیشرفت فراوانی دارد، شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها به‌طور طبیعی و با افزایش قدرت بینایی و شنوایی حاصل می‌شود. پس این دو روایت، بر سیستم پیشرفته‌ای غیر از تکنولوژی فعلی جهان دلالت دارند. حتی سیستم اطلاع‌رسانی به گونه‌ای است که عصای شخص، به او خبر می‌دهد که خانواده‌اش، پس از خروج از منزل، چه کاری انجام داده‌اند. این روایت در کتب اهل سنت نیز، نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرمودند: «سوگند به آن که جانم در

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۹۱.

۳. همان، ص ۳۳۶.

دست اوست، قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه کفش یا تازیانه یا عصای شخص به او خبر دهند که خانواده‌اش پس از خروج از منزل چه کاری انجام داده‌اند.^۱ این گونه روایت‌ها یا دلالت بر ظاهر دارند، مانند خبر دادن عصای شخص از عملکرد خانواده، یا اینکه منظور، سیستم‌های پیشرفته اطلاعاتی است که در روزگار حضرت وجود دارد.

بنابراین روزگار آن حضرت، روزگار پیشرفت علم، دانش و تکنولوژی است؛ با این تفاوت که امروزه، هرچه علم پیشرفت می‌کند، بشر از انسانیت و معنویت فاصله می‌گیرد؛ ولی در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام همراه با پیشرفت علم، اخلاق و کمالات انسانی نیز، رشد می‌کند.^۲

در عصر ظهور، افزون بر گسترش دانش و تکنولوژی، معارف قرآنی و دینی هم رشد می‌کند؛ به گونه‌ای که در روایتی از امام باقر علیه السلام بدان اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «در روزگار حضرت مهدی علیه السلام به قدری حکمت و فهم به شما عطا خواهد شد که یک زن در خانه‌اش، بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند».^۳ بنابراین وجود چنین ویژگی‌هایی، از عوامل امیدبخشی در جامعه منتظران به‌شمار می‌آید.

ب) گسترش امنیت در جامعه

امنیتی که در زمان ظهور گسترش پیدا می‌کند، هم امنیت مالی، هم جانی و هم روانی است؛ چنان امنیتی که تا آن زمان حاکم نبوده است. حتی در بین حیوانات که غریزه در آنها حاکم است، امنیت برقرار شده، هیچ حیوانی حق تعرض به دیگری را ندارد؛ گرگ،

۱. شهردار بن شیرویه دیلمی، فردوس الاخبار بمأثور الخطاب المخرج علی کتاب الشهاب، ج ۵، ص ۹۸.

۲. نجم‌الدین طبری، نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۲۲۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

گوسفند را نمی‌درد؛ شیر، گاو را از بین نمی‌برد؛ مار به انسان آسیب و لطمه‌ای نمی‌رساند و موش، انبائی را نمی‌جود و به آن دستبرد نمی‌زند.^۱

امنیت عمومی در عصر ظهور، چنان فراگیر است که کسی حق ندارد انسان خوابیده را صدا کند. پیامبر اکرم ص می‌فرمایند:

تأوی الیه امته کما یأوی النحل الی یعسوبها، یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً حتی یکون الناس علی مثل امرهم الاول...؛^۲ امت وی [حضرت مهدی عج] به آن حضرت پناه می‌برند، آن‌چنان که زنبورهای عسل به ملکه خود پناه می‌برند. آن حضرت زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه از جور و ستم پر شده است، تا جایی که مردم به نخستین خود، باز می‌گردند، شخص خوابیده را از خواب بیدار نمی‌کنند و خون کسی ریخته نمی‌شود.

در سایه چنین امنیتی، هرگز ناامنی، یأس و ناامیدی در آن روزگار وجود ندارد؛ و انسان منتظر، برای تحقق چنین جامعه‌ای به آینده امیدوار است. بنابراین منتظران امام زمان عج، به تحقق چنین جامعه‌ای به رهبری ایشان، امیدوارند. شخصی از امام صادق ع پرسید: «چرا به ظهور امام زمان عج امید داشته باشم؟» حضرت فرمودند: «آیا دوست نداری که ایشان، در جهان عدالت بگسترانند، در راه‌ها امنیت برقرار کنند؛ و با ستم‌دیده منصفانه رفتار نمایند؛ و به او یاری رسانند؟»^۳

ج) نزول برکت و رفاه اقتصادی

بر اساس آیه ۹۵ سوره اعراف، اگر مردم سرزمینی ایمان و تقوا را رعایت کنند، خداوند

۱. همان، ج ۵۱، ص ۶۱.

۲. سیدبن طاووس، ملاحم و الفتن، ص ۶۳.

۳. ما تمنی القائم...؟ فقال لی: سبحان الله اما تحب ان ینظر العدل... (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۴).

متعال برکت‌های آسمان و زمین را بر آنان نازل می‌کند. در زمان حضرت مهدی علیه السلام زندگی مادی و معیشتی مردم، به خاطر اطاعت از خداوند و حجت او در رفاه خواهد بود. نزول برکت‌های خداوند آن‌چنان جاری است که دیگر مستحقّی در میان مردم یافت نمی‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

ان قائمنا اذا قام... تظهر الارض كنوزها حتى تراها الناس على وجهها، ويطلب الرجل منكم من يصله بماله...؛^۱ زمانی که قائم ما قیام کند...، زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود آن را بر روی زمین می‌بینند؛ و صاحبان زکات به دنبال کسی می‌گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به او بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم به فضل و بخشش خداوند از دیگران بی‌نیاز می‌گردند.

این عوامل، در افزایش روحیه امیدواری در جامعه منتظران بسیار مفید است؛ و موجب افزایش روحیه امیدواری به آینده‌ای روشن می‌شود.

۶. امید و انتظار

هنگامی که امید، به منزله یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام در جامعه قوت گرفت، جامعه مهدوی که هدف اجتماعی و آرمان بشری است، محقق خواهد شد؛ زیرا امید در عرصه اجتماع، خود به خود، محقق نمی‌شود؛ بلکه باید کوشید و حرکت کرد تا جامعه انسانی، به امید اجتماعی که همان امید به ظهور امام زمان علیه السلام است، نائل گردد. از این رو، انتظار امام زمان علیه السلام ضمن گسترش روحیه امید و امیدواری در جامعه منتظران و جلوگیری از یأس، ناامیدی و افسردگی در میان انسان‌ها، عاملی است برای حرکت و پویایی جامعه اسلامی، برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های مهدوی.

بنابراین در سایه امید به آینده، انسان‌ها دشواری‌ها و سختی‌ها را تحمل می‌کنند، و انگیزه‌ای نیرومند در آنان پدید می‌آید. چنان‌که ویکتور فرانکل می‌گوید: «بدون اعتقاد به آینده، محمل معنوی زندگی از میان می‌رود و روح و جسم به سرعت، محکوم به فنا می‌گردند. باید برای ادامه زندگی دلیلی داشت. در راه هدفی آتی کوشید، و گرنه زندگی معنای خود را از دست می‌دهد.»^۱ انتظار حضرت مهدی علیه السلام چنین امیدی را در جامعه ایجاد می‌کند. این امیدواری، همان خوش‌بینی نسبت به آینده بشریت است؛ و پشتوانه آن، نوید حتمی و مزده قطعی خدا به پیروزی مستضعفان و فرمانروایی صالحان و نیک‌فرجامی پرهیزکاران خواهد بود.^۲ بنابراین یکی از آثار انتظار امام زمان علیه السلام، عدم قساوت قلب مردم است؛ چراکه لو عین لهذا الامر وقت لقسست القلوب، ولرجع عامة الناس عن الاسلام...^۳ اگر برای این امر (ظهور) زمانی تعیین می‌شد، دل‌ها سنگ می‌شد، و بیشتر مردم از اسلام روی گردان می‌شدند...^۴ پس یکی از آثار انتظار حضرت، زنده نگه داشتن قلوب مردم و امید به فرج و گشایش است؛ و این انتظار، یأس، سرخوردگی و افسردگی را از جامعه خارج نموده، حرکت و پویایی را به دنبال خواهد داشت.

نکته درخور توجه این است که امیدبخشی که از کارکردهای اجتماعی انتظار به‌شمار می‌آید، معنا تولید می‌کند؛ یعنی رفتارها و کنش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به این معنا که کنش‌ها دارای معنا و مفهوم می‌شوند. بنابراین کنش‌های منتظران امام زمان علیه السلام پر از معناست، چنانچه پارسونز می‌گوید: «ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، چگونگی کنش‌ها را شکل می‌دهد.»^۴

وی همچنین معتقد است: «کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی

۱. دوآن شولتز، روان‌شناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، ص ۱۶۶.

۲. حسین تاجری، انتظار بدر انقلاب، ص ۷۳.

۳. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۱۷۶.

۴. غلام‌عباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۲۴۱.

سازمان می‌یابد و هنجارهای اجتماعی، کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد.^۱

بنابراین امیدبخشی، رفتار و کنش‌های منتظران را معنادار می‌سازد؛ و افراد منتظر، بر اساس هنجارهای مهدوی، کنش می‌کنند. از این رو، درون این کنش‌ها، معنا نهفته است. در سایه مجموعه این کنش‌ها، ساختار جامعه مهدوی شکل می‌گیرد. یعنی کنش‌ها، ساختار را تولید می‌کنند؛ چرا که، هرگاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است، رابطه‌ای نسبتاً ثابت و پایرجا برقرار باشد، به مفهوم ساخت می‌رسیم.^۲ بنابراین مجموعه‌ای از کنش‌های منتظران که رابطه‌ای پایرجا و ثابت را برقرار می‌کنند، ساخت را تولید کرده، این ساخت، به تولید کارکرد می‌انجامد؛ بدین معنا که ساختار جامعه مهدوی، کارکردهایی تولید می‌کند که منجر به حفظ جامعه می‌شود. بنابراین مجموعه‌ای از اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده ساخت، کارکردی مرتبط با یکدیگر را مبادله و تولید می‌کنند که در پرتو این کارکردها، سازمان اجتماعی تولید می‌شود:

امیدبخشی ← معنا ← کنش ← ساختار ← سازمان اجتماعی.

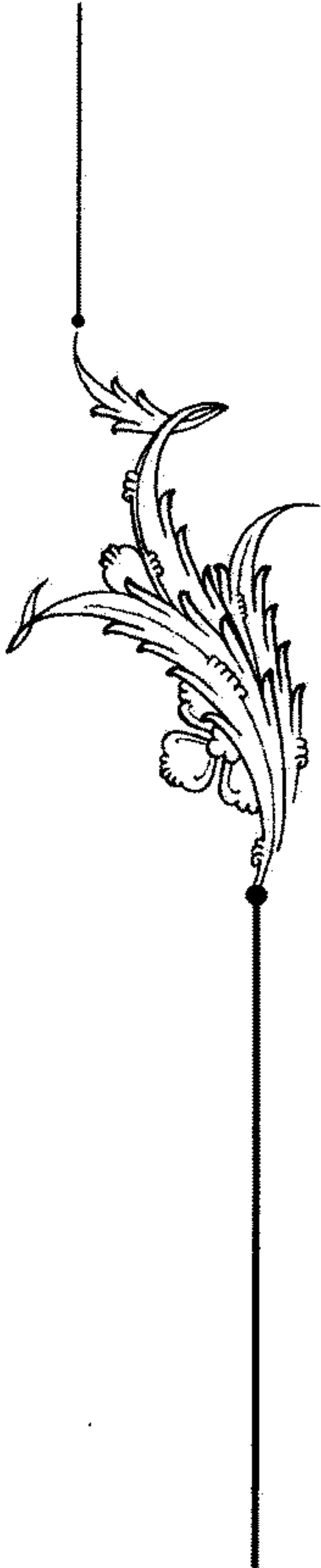
سازمان اجتماعی، در واقع، از تمامیت کنش اجتماعی در جمعی معین، ناشی می‌شود؛ و تمام عناصر فرهنگی و ساختی، متغیرها و عواملی که در تعیین، سازمان‌دهی، هدایت و انگیزش کنش هر یک از افراد مؤثرند، در ایجاد سازمان اجتماعی نیز، سهیم‌اند.^۳ بنابراین امیدبخشی، معنا، و معنا، ساخت، تولید می‌کند؛ یعنی مجموعه‌ای از اجزا و رفتارهای کنشگران، ساخت را تولید می‌کند که این ساخت، آثار و کارکردهایی دارد که در پرتو آنها، سازمان اجتماعی شکل می‌گیرد.

۱. همان، ص ۱۸۹.

۲. همان، ص ۱۲۵.

۳. گی‌روشه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی: سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، ص ۹.

فصل دوم



پیمایی اجتماعی و تحرک بخشی

در انتظار امام زمان علیه السلام بودن، دو گونه است:

۱. انتظار سازنده؛

۲. انتظار ویرانگر.

انتظار مورد تأیید اسلام و تشیع، انتظار نوع اول؛ یعنی انتظار سازنده است. انتظار سازنده، تحرک بخش، تعهد آور و عبادت است؛ ولی انتظار ویرانگر بازدارنده بوده، فقط و فقط از اشاعه ظلم‌ها، تبعیض‌ها و تباهی‌ها، ناشی می‌شود.^۱

انتظار، به مفهوم انزوا، بی تفاوتی، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی نسبت به حکومت‌های نامشروع و اصلاح جامعه نیست؛ بلکه انتظار صحیح، به معنای قیام و انقلاب علیه دولت‌های ظالم و غاصب، و مبارزه با فساد و تباهی برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام و شکل‌دهی به حرکت اصلاحی و سازنده است.^۲

بر این اساس، یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار، تحرک‌بخشی و پویایی اجتماعی برای اصلاح جامعه و نفی ظلم و ستم است. بنابراین انتظار امام زمان علیه السلام، آن‌گاه حقیقی و واقعی است که با بیزاری از دشمنان و حرکت برای اصلاح جامعه همراه باشد.

۱. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۲.

۲. محمدعلی قائمی، «غیبت، انتظار و حکومت»، مجله انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۲۹۶-۲۹۷.

در روایتی، یکی از نشانه‌های منتظران امام زمان علیه السلام، تبری و بیزاری از دشمنان دانسته شده است: *یتبرأ من عدوه*.^۱ بر این اساس، انتظاری پسندیده است که افزون بر چشم‌به‌راهی مصلح حقیقی، حرکت و پویایی اجتماعی، به منظور تقی‌ظلم و ستم را نیز، به دنبال داشته باشد. از نمونه‌های دیگر روایی که این مطلب را تأیید می‌کند، روایت دهم کتاب *اصول کافی* است که می‌فرماید: *والبراءة من عدونا والتسليم لامرنا وانتظار قائمنا*؛^۲ و روایت سیزدهم که می‌فرماید: *والولاية لنا اهل البيت والبراءة من عدونا والتسليم لامرنا*؛^۳ که بیزاری از دشمنان در کنار انتظار امام زمان علیه السلام آمده است. از این رو، انتظاری که بدون حرکت و پویایی برای اصلاح جامعه باشد، انتظاری ویرانگر است، نه سازنده.

به مقتضای احادیث وارد شده در تفسیر آیه مبارکه *وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا*، و انطباق فقرات آخر دعای افتتاح، *اللهم اجعله الداعي الى كتابك بر مندرجاتش*، موعود به این کرامت حضرت امام دوازدهم، مهدی منتظر علیه السلام و مراد از این شرک به ذات احدیت که در این آیه، ولی‌اش را از آن تنزیه فرموده، همین مقهوریت به بیعت و طاعت طواغیت امت است که خود حضرت، چنان که فرموده، *ليس في عنقي بيعة طاغية زمانی*،^۴ به عدم مقهوریت بدان ممتاز است.^۵

بر اساس این بیان، بیعت هیچ طاغوتی بر گردن حضرت حجت علیه السلام نیست. از این رو، منتظران حضرت نیز، باید با تاسی به آن بزرگوار، تحت ولایت هیچ طاغوت و ستمگری نبوده، تنها برای اصلاح جامعه و ظلم‌ستیزی گام بردارند که یکی از کارکردهای اجتماعی

۱. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، تحقیق محمدجواد فقیه، ج ۲، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه منصور بهلوان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۵. میرزا محمد حسین نائینی، *تنبيه الامة وتنزيه الملة*، تصحیح و تحقیق سیدجواد ورعی، ص ۵۶-۵۷.

انتظار امام زمان علیه السلام به شمار می‌رود؛ و بنا بر آیه ۱۲۸ سوره اعراف که می‌فرماید: «سرانجام، عاقبت از آن باتقویان است»، مسلمانان را به تسلیم نشدن در برابر ظلم و فساد طاغوتیان سوق داده است.

انتظار موعود، مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی‌امیه، جنگ‌های صلیبی، هجوم چنگیز و سرانجام، استعمار قرن اخیر، پایدار و شکستناک داشت؛ و مسلمانان را به جهاد و پیکار علیه آنان برانگیخت.^۱ این انتظار، ضعف، سُستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست، بلکه حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است.^۲

یکی دیگر از تأثیرهای انتظار امام زمان علیه السلام، پویایی اجتماعی در عرصه سیاست و اجتماع است. منتظر واقعی نه تنها در برابر رهبران فاسد و استعمارگر، خضوع نمی‌کند، بلکه همواره در حال مبارزه با فساد و حاکمان فاسد است؛ و در انتظار آینده‌ای نویدبخش و روشن به سر می‌برد.

ما در بحث پویایی اجتماعی، که یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار امام زمان علیه السلام است، به دو حوزه می‌پردازیم: نخست به پویایی و حرکت در جهت ظلم‌ستیزی و نفی سلطه کفار بر مسلمانان پرداخته، به نمونه‌هایی از این حرکت ظلم‌ستیز، مانند نهضت مشروطه، نهضت تنباکو و انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم؛ و سپس به بحث ضرورت تشکیل حکومت می‌پردازیم که چهره دوم پویایی اجتماعی به شمار می‌رود.

۱. ظلم‌ستیزی

ظلم‌ستیزی و تبری از دشمنان بنا بر سه اصل مزبور، از فواید و ثمرات پویایی اجتماعی است:

۱. حبیب‌الله ظاهری، *سیمای آفتاب*، ص ۲۱۵.

۲. همان، ص ۲۱۸.

اصل اول: عدم بیعت با طاغوت‌ها

این گفتار نورانی از خود امام زمان علیه السلام است که فرمودند: لا بیعة لاحد من الطواغیت فی عنقی؛^۱ «بیعت هیچ طاغوتی بر گردن من نیست». بنابراین منتظران ظهور آن حضرت نیز، نباید تسلیم هیچ ظالم و ستمگری باشند.

اصل دوم: بیزاری از دشمنان

همان‌گونه که اشاره شد، در دو روایت دهم و سیزدهم کتاب *اصول کافی*، بیزاری و تبری از دشمنان دین در کنار انتظار امام زمان علیه السلام آمده است؛ از این رو، نمی‌توان هم منتظر امام زمان علیه السلام بود و هم به دشمنان دین تاسی کرد.

اصل سوم: عدم تسلط و سلطه کفار و ستمگران بر مسلمانان

بر اساس آیه نورانی *وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا*،^۱ منتظران امام زمان علیه السلام نیز، در طول تاریخ به مبارزه علیه ظلم و ستم و بی‌عدالتی برخاستند. در این بخش، مواردی از ایستادگی علما با استناد به بحث مهدویت و انتظار امام زمان علیه السلام در مقابل ظلم، بیان می‌شود. بی‌تردید، یکی از ویژگی‌های تاریخ معاصر ایران، وجود جنبش‌ها و خیزش‌های فراوان سیاسی - اجتماعی است. جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در ایران، در سال‌های ۱۲۶۹-۱۳۵۸ هجری شمسی، به صورت خودجوش، مردمی و ضد ساختار سیاسی زمان خود بوده است.^۲ جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و سرانجام انقلاب اسلامی از جنبش‌هایی به‌شمار می‌روند که مخالف ساختار سیاسی و سیاست‌گذاری‌های آن دوران بوده‌اند.

۱. شیخ صدوق، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، ترجمه منصور بهلوان، ج ۲، باب ۴۵، ص ۲۳۹.

۲. نساء (۴)، ۱۴۱.

۳. سعید زاهد، *جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران*، ص ۱۴.

ویژگی این جنبش‌ها این بود که توسط علما رهبری می‌شد و نوعی از فهم و اندیشه اسلامی به منزله مرام یا ایدئولوژی آنان مطرح بوده است.^۱

گیدنز در تعریف جنبش اجتماعی می‌گوید: «می‌توانیم جنبش اجتماعی را کوششی جمعی در جهت منافع مشترک یا نیل به هدفی مشترک، از طریق کنش جمعی خارج از محدوده نهادهای تثبیت‌شده اجتماعی، تعریف کنیم».^۲

بنا بر تعریفی دیگر، می‌توان گفت جنبش‌های اجتماعی، حرکت سازمان‌یافته مجموعه‌ای از انسان‌ها در زمینه‌ای از امکانات و محدودیت‌ها، به دنبال یک رهبر یا مجموعه‌ای از رهبران، همراه با یک ایدئولوژی مشخص است.^۳

از این رو، یکی از ویژگی‌های جنبش اجتماعی، وجود ایدئولوژی است که اگر ایدئولوژی آن جنبش، مذهبی باشد، آن جنبش نیز، مذهبی تلقی می‌شود.

هانس تاچ^۴ معتقد است ایدئولوژی به مثابه یک سکو عمل می‌کند. وی می‌گوید: «ایدئولوژی یک جنبش اجتماعی، آن چیزی است که اعضای جنبش در تلاش‌اند تا با یکدیگر به آن برسند. ایدئولوژی بیانیه‌ای است که مسیر جاده‌ای را که می‌باید جنبش اجتماعی پیماید، نشان می‌دهد؛ و به اصول و اهدافی که این سفر را هدایت می‌کند، اشاره دارد».^۵

بی‌تردید، یکی از لوازم پویایی و تحرک اجتماعی، تغییر و دگرگونی در سطح جامعه است. یکی از عوامل مؤثر در تحرک بخشی اجتماع، ایدئولوژی‌های مذهبی است. جامعه‌شناسان برای ایدئولوژی، سه نقش را بیان می‌کنند که عبارت‌اند از: بازداری، کندسازی، و تسهیل.^۶

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۸-۱۹.

۳. همان، ص ۱۹.

4. Hans Toch.

۵. سعید زاهد، جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، ص ۳۸.

۶. رابرت اچ. لاور، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، ص ۱۱۸.

بنابراین یکی از کارکردهای ایدئولوژی، نقش تسهیل کننده آن در امر دگرگونی و تحریک بخشی است.

وجود برخی از ایدئولوژی‌ها، مانند بودائیسیم و تائویسم در تاریخ چین زمینه برخی شورش‌های دهقانی را فراهم کرده بود.^۱ پس همان گونه که برخی جامعه‌شناسان معتقدند که ایدئولوژی می‌تواند موجب تحریک بخشی و جنبش، ضد حاکمیت موجود شود، انتظار امام زمان علیه السلام نیز، به منزله یک ایدئولوژی و یکی از اعتقادات شیعه، موجب تحریک و پویایی اجتماعی در ایران معاصر شده است. از این رو، می‌توان ایدئولوژی انتظار حضرت مهدی علیه السلام را عاملی تسهیل کننده در حرکت‌ها و پویایی اجتماعی دانست.

برخورد قاطع امام زمان علیه السلام با ظلم و فساد، عاملی برای ظلم‌ستیزی منتظران واقعی امام زمان علیه السلام با مظاهر فساد و طاغوت به‌شمار می‌رود؛ و این ایده، منتظران امام زمان علیه السلام را به مقابله با طاغوت و ستمگران فرامی‌خواند.

شیوه‌های تأثیر ایدئولوژی بر تسهیل دگرگونی اجتماعی

الف) نقش اقتداربخشی ایدئولوژی به نظم و راه جدید

ایدئولوژی ممکن است به مسیر جدید، هم از راه درهم شکستن نظم کهنه و هم از راه معتبر ساختن نظم نوظهور مشروعیت بدهد. به عبارت دیگر، ایدئولوژی به نظم جدید اقتدار می‌بخشد.^۲

ب) ارائه راهکاری برای هدایت افراد جامعه

جامعه‌شناسان درباره دگرگونی اجتماعی معتقدند کارکرد ایدئولوژی «مشروع گردانیدن یا هدایت رفتاری است که منجر به تغییرات پیش‌بینی نشده می‌شود».^۳

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۱۲۴.

۳. همان، ص ۱۲۵.

یکی از رفتارهای منتظران حضرت مهدی علیه السلام، دوری از ظلم و ظلم ستیزی است؛ و این نوع رفتار هدایتگر، به پویایی اجتماعی می انجامد.

ج) توان و نیروی انگیزه مند ساختن افراد^۱

انتظار امام زمان علیه السلام، با توجه به توان بخشی و دادن پتانسیل به منتظران خود، عاملی در پویایی و دگرگونی اجتماعی است. درک دست یافتنی بودن اهداف مقدس، نیرو و توان بسیاری به افراد جامعه می دهد؛ و انتظار، به منتظران خود، چنین نیرویی می بخشد.

بنابراین مکانیسم های انتظار امام زمان علیه السلام با ایجاد و ارائه مسیری جدید و مشروع دانستن آن، و هدایت رفتارهای مردم و توان بخشی به آنها، پویایی اجتماعی و رسیدن به آرمان شهر اسلامی را امکان پذیر می کنند.

با این سه راه، انتظار، جامعه را به جلو برده، و از ایستایی، انحطاط و سکون بازمی دارد. از این رو، این سه راه از مکانیسم های انتظار امام زمان علیه السلام، در پویایی اجتماعی است.

ظهور این سه مکانیسم را بر اساس اعتقاد به امام زمان علیه السلام، می توان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، در عصر تنباکو، نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی ایران یافت.

مکانیسم اول، اقتدار بخشی و ارائه راه جدید در هر سه عصر بود. با این تفاوت که نهضت تنباکو با ایجاد مسیر و راه جدیدی که نهضت تنباکو ایجاد کرد، دست اجانب از کشور کوتاه، و مانع تسلط ممالک غربی بر ایران شد.

از سال مشروطه قانون مداری و قانون گرایی اسلامی پدید آمد که از آن به مشروطه مشروعه یاد می شود.

از سال ۴۲ به بعد، نامشروع بودن نظام شاهنشاهی مطرح، و تحقق مشروعیت، فقط، زیر

لوی اسلام، فقه و حکومت اسلامی دانسته شد. بنابراین در هر سه عصر، این مکانیسم به حرکت و پویایی اجتماعی منجر شد.

مکانیسم دوم، مشروعیت بخشیدن به رفتار آحاد جامعه و هدایت آنها بود که اجرای آن به نایبان امام زمان علیه السلام یعنی مجتهدان و فقها واگذار شد که در عصر تنباکو و دوران مشروطه، به دست میرزای شیرازی و شیخ فضل الله نوری، و در عصر حاضر، به دست توانمند امام خمینی علیه السلام، صورت گرفت؛ و در سال ۵۷، به پیروزی انقلاب منجر شد.

مکانیسم سوم، توان بخشی و ایجاد نیرو در سایه انتظار امام زمان علیه السلام بود؛ زیرا، در روایات زیادی آمده که در عصر غیبت، منتظر امام زمان علیه السلام باشید که آثار و پاداش فراوانی برای آن ذکر شده است. در ادامه به دو روایت، در باب فضیلت انتظار در عصر غیبت، اشاره می کنیم:

۱. امام هفتم علیه السلام فرمودند:

خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما، به دوستی ما چنگ می زنند و در دوستی ما و برائت از دشمنان ما استوارند. آنها از ما و ما از آنها هستیم، آنها به پیشوایی ما راضی شدند و ما هم به شیعه بودن آنها راضی هستیم. خوشا به حال آنها! به خدا قسم! آنها در قیامت با ما و در مرتبه ما هستند.^۱

۲. امام صادق علیه السلام، از حضرت علی علیه السلام، نقل کردند: «منتظر و آماده فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نگردید. بهترین اعمال نزد خداوند متعال، انتظار و آمادگی بنده مؤمن برای فرج است و کسی که منتظر و آماده امر ما (اهل بیت) باشد، مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غوطه ور شود».^۲

بر اساس روایت نخست، منتظر امام زمان علیه السلام بودن باعث می شود شیعیان، در قیامت در

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، باب ۵۵، ص ۵۴۸، ح ۶.

رتبه و مقام اهل بیت علیهم السلام قرار گیرند؛ و روایت دوم، ثواب انتظار را مانند کسی می‌داند که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور باشد.

از این رو، انتظار امام زمان علیه السلام چنان روحیه و توانی به منتظران خود می‌دهد که در راه اسلام و پویایی اجتماعی (ظلم‌ستیزی) حرکت کنند، تا به نتیجه برسند. ما، با توجه به تاریخ ایران معاصر، ظلم‌ستیزی را که از پیامدهای انتظار شمرده می‌شود، در سه مقطع زمانی تنباکو، مشروطیت و انقلاب ایران، بررسی می‌کنیم.

الف) نهضت تنباکو

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در نهضت تنباکو، مفهوم انتظار امام زمان علیه السلام و فتوای علمایی بود که نایبان امام زمان علیه السلام شمرده می‌شدند. این گونه مفاهیم، روحیه از خودگذشتگی و پویایی در عرصه اجتماع را در مردم تقویت، و به دفاع از کشور و مقابله با دشمنان وادار کرده بود.

از این رو، هر عقیده مذهبی، تأثیری روانی بر فرد و تأثیری اجتماعی بر جامعه دارد. دیدگاه مذهبی بر مناسبات اجتماعی عمیقاً تأثیرگذار است.^۱

تأثیر اعتقاد به منجی عدالت‌گستر و امام زمان علیه السلام در اجتماع، تقویت روحیه ظلم‌ستیزی در افراد و امیدوار کردن آنان به آینده روشن است. انسان معتقد به مهدویت که در انتظار حضرت مهدی علیه السلام به سر می‌برد، در برابر حاکمیت زور، احساس تنهایی نکرده، قدرت برخورد با مظاهر قدرت و زور، در او پدید می‌آید و در پی برپایی عدالت در جامعه است.

این اعتقاد، در عصر و زمان ناصرالدین شاه قاجار ظهور و بروز کرد و در قالب فتوای تاریخی میرزای شیرازی، کشور از استیلاي استعمارگران نجات یافت.

۱. محمدحسین ادیب، جامعه‌شناسی ایران، ص ۴۱.

زمینه اجتماعی صدور حکم تحریم تنباکو

در سال ۱۳۰۷ هـ.ق، یک کمپانی انگلیسی امتیاز دخانیات ایران را به مدت پنجاه سال، از ناصرالدین شاه قاجار گرفت که بر اساس آن، خرید و فروش تنباکو و توتون ایران، مطلقاً در انحصار کمپانی خارجی مزبور باشد؛ و در عوض، هر ساله پانزده هزار لیره انگلیسی به خزانه عامه اعلیحضرت پرداخت نمایند.^۱

کمپانی پس از کسب امتیاز، نمایندگان خود را وارد ایران نمود و به تمام شهرها، قصبات و روستاهای کشور اعزام کرد و با تأسیس اداره‌های دخانیات که مستقیماً به وسیله خود آنها اداره می‌شد، از هر جهت، زمینه را بر مردم تنگ گرفت.^۲

علمای ایران دیدند که امروز دخانیات محدود شده، فردا معادن دیگر تحت سیطره بیگانگان می‌رود و حتی ممکن است در زمان کوتاه، ایران مستعمره انگلیسی‌ها شود. از این رو، از نفوذ و قدرت الهی خود برای مقابله با استعمار و استبداد قاجاری استفاده کردند. سرانجام، حکم تاریخی میرزای شیرازی صادر شد.

«بسم الله الرحمن الرحيم: اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است. محمد حسن الحسینی».^۳

در این حکم، میرزای بزرگ، استعمال کنندگان تنباکو و توتون، به هر نحو ممکن را، مانند کسانی دانسته که به جنگ با حضرت مهدی علیه السلام رفته‌اند. از این رو، با استفاده از اعتقاد به منجی موعود، امام زمان علیه السلام، نایب امام زمان، یعنی میرزای بزرگ، مانع تسلط بیگانگان بر ایران شد و در پرتو این اعتقاد، حرکتی اصلاحی و جنبشی علیه استعمارگران در ایران شکل گرفت. واقعه تحریم تنباکو، اگرچه آغاز مثبتی بر مطالبات اقتصادی تجار،

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۹۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۹۵-۹۶.

واسطه‌ها و کسبه تنباکو داشت، کم کم تبدیل به مطالبات دینی شد و این نگرانی در بین مردم و علما شیوع پیدا کرد که بیگانگان برای تغییر دادن دین ما آمده‌اند.^۱ در نامه سید جمال‌الدین به میرزای شیرازی آمده: «خدا نیابت امام زمان علیه السلام را به تو اختصاص داده و از میان طایفه شیعه، تو را برگزید و زمام ملت را از طریق ریاست دینی به دست داده و حفظ حقوق ملت را به تو واگذارده و برطرف ساختن شک و شبهه را از دل‌های مردم جزء وظایف تو قرار داده است».^۲

بعضی از علما در بحبوحه مبارزه قاطع مردم و روحانیت با قرارداد رژی، مقاله‌ای نوشتند که در رفع شبهه‌ها علیه نهضت، بسیار مؤثر بود. در این مقاله، ضمن اشاره به جنایات متعدد انگلیسی‌ها در کشورهای نظیر هند و مصر، با ارائه تحلیل خطرهای قرارداد رژی با دولت، و مقاصد شوم و ننگین آن، ماهیت دینی و اسلامی نهضت تشریح شد، که بنا بر قرائنی، نویسنده این مقاله سودمند، کسی جز شیخ فضل‌الله نوری نبود. مقاله مزبور به در و دیوارها چسبانده و در مدارس و مساجد انداخته شد. قسمتی از این مقاله چنین است:

از آنجایی که امام عصر علیه السلام را توجهی تام است به شیعیان، از بابت لطف، جاری فرمود به قلم شریف جناب مستطاب قبله الانام حجت‌الاسلام آقای حاج میرزا محمدحسن شیرازی، دام‌ظله‌العالی، که از خواص بندگان خدا و شیعیان امام همام علیه السلام است؛ و قریب به نود سال در خدمتگزاری شرع مبین و ترویج دین خاتم‌النبین صلی الله علیه و آله زحمات بلانهایت کشیده و متوسل به ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام گردیده که الیوم استعمال تنباکو و توتون، بآی نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است... گویا منادی امام عصر علیه السلام ندا داد که ای مطیعین امام! حفظ اسلام موقوف به عدم استیلای کفار است،

۱. ناصر جمالزاده، «علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب»، فصلنامه دانش سیاسی، ش ۱، ص ۵۲.

۲. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱-۲، ص ۸۹.

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا، دادن تنباکو و توتون به دست کفار، مثل سایر چیزها سبب استیلا و رخنه و کثرت نفوذ آنهاست؛ و بالمال، سلطنت شیعه به يد آنها قرار خواهد گرفت... مثل حکم جناب حجت الاسلام میرزا... حکم حجّت، امام عصر علیه السلام است بر خلق، و نقض حکم ایشان نقض حکم امام است؛ و وسوسه در بودن حکم از جناب ایشان، مثل وسوسه در قرآن است که آیا حکم حق است یا فرمایش خلق؟^۱

از این رو، یکی از کارکردهای انتظار حضرت مهدی علیه السلام، حرکت و پویایی اجتماعی برای ظلم ستیزی و استبداد ستیزی است که در پرتو این اعتقاد، کشور از سیطره بیگانگان نجات پیدا کرد. اگر اعتقاد به حضرت ولی عصر علیه السلام نبود، مردم هیچ وقت دستور و حکم میرزای شیرازی را اجرا و عملی نمی کردند.

بنابراین یکی از عوامل مؤثر در پیروزی نهضت تنباکو، اعتقاد مردم به امام زمان علیه السلام و انتظار حضرت مهدی علیه السلام و جلوه‌های روشن از عنایات امام عصر علیه السلام، به این سرزمین بوده است.

(ب) مشروطیت

ما منتظران امام زمان علیه السلام، چشم به راه انسان کامل هستیم تا زمین را از حق و عدالت سرشار کند و در پرتو این چشم‌انتظاری، تن به ذلت و تسلیم در برابر ظلم و فساد نمی دهیم. یکی دیگر از کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام، عدالت گستری و استبداد ستیزی است؛ چرا که امام زمان علیه السلام، خود، عامل عدالت گستری است؛ و منتظران او نیز، باید روحیه عدالت گستری و نفی ظلم و ستم را در خود تقویت کنند. در این بخش، ضمن اشاره به کارکرد اجتماعی انتظار در زمان مشروطیت، نشان می‌دهیم روحیه

۱. علی ابوالحسنی، اندیشه سبز، زندگی سرخ، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ ر.ک: تاریخ دخانیه، ص ۱۲۶-۱۲۹.

قانون‌گرایی و عدالت که در زمان مشروطه حاکم بود، یکی از کارکردهای انتظار است؛ و علما و بزرگان دین، با استفاده از این عقیده، به مبارزه علیه استبداد پرداختند.

محقق روسی، وجود برخی از عقاید شیعه، به خصوص، مهدویت و اعتقاد به منجی را در بنای نهضت‌های مردمی بسیار مؤثر دانسته، می‌گوید: «چیزی که بیش از همه، برای عامه مردم جذاب بود، اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام بود که با رجعت مسیح مشابهت دارد».^۱

انتظار، خود، عاملی است برای حرکت به سوی اصلاح جامعه و نفی استبداد. چشم‌به‌راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت‌های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است؛ و در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی نیز، این عقیده راسخ‌تر و مشهودتر^۲ شده بود.

بی‌شک، در دوران مشروطه علما و بزرگان دینی در اجرای اصل عدالت و پیاده کردن دستورهای اسلام، نقش بسیار اساسی داشته‌اند. در این بخش، با بیان نمونه‌هایی از ظلم‌ستیزی و اصلاح جامعه از ظلم و استبداد، در نامه‌ها و نوشته‌های علمای دینی، نشان می‌دهیم که یکی از عوامل مؤثر در حرکت و پویایی اجتماعی ایران معاصر، اعتقاد به امام زمان علیه السلام بود که سبب حرکت و جنبش علیه استبداد آن زمان شده است.

شیخ فضل‌الله نوری

انتظار امام زمان علیه السلام (در عصر غیبت)، ایجاب می‌کند، در جهان کنونی، قوانین و دستورهای اسلام و پیامبر و ائمه علیهم السلام، اجرا شوند، نه قوانین کشورهای اروپایی. در این راستا شیخ فضل‌الله نوری تلاش کرد اصل دوم متمم قانون اساسی را تثبیت و اجرا کند. وی معتقد بود، در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، فقهای شیعه مرجع رسیدگی به حوادث

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱-۲، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۳۹.

هستند؛ و اداره امور به دست ایشان بوده، بعد از تحقق موازین، احقاق حقوق و اجرای حدود می نمایند؛ و ابدأً به تصویب کسی، وابسته نخواهد بود.^۱

این اصل حاکی از آن بود که نباید دستورها و قوانین، در دوران غیبت امام زمان علیه السلام برخلاف اوامر ایشان و مخالف دین اسلام باشند. از این رو، پنج نفر از علما باید بر موادی که در مجلس بررسی می شود، نظارت کنند تا مخالف قواعد شرع مقدس نباشد. در پایان این اصل آمده، «رأی این هیئت علما در این باب، مطاع و متبع خواهد بود؛ و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام تغییرپذیر نخواهد بود».^۲

اگر انتظار حضرت مهدی علیه السلام (در دوران غیبت)، مطرح، و جزء اعتقادات مسلمانان نبود، معنایی نداشت که شیخ فضل الله نوری آن چنان مقاومت و مجاهدت کند، تا لوایح طبق دستورهای الهی باشد؛ و ثانیاً معنایی نداشت که در متن متمم دوم قانون اساسی عنوان شود که این ماده تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تغییرپذیر نیست.

بنابراین می توان استفاده کرد که در پرتو این اعتقاد (انتظار امام زمان علیه السلام) بود که علما مردم ایران را به مشروطه خواهی (مشروع) دعوت کردند؛ تا قوانینی وضع شود که با دستورهای اسلامی مخالفت نداشته، آنها را از استبداد و خودکامگی پادشاهان برهانند؛ زیرا، همان طور که مهدی موعود علیه السلام عدالت گستر بوده، ظلم و فساد را از بین می برد، منتظران آن حضرت هم، باید در این مسیر حرکت کنند.

با اجرا شدن دستورهای اسلام و نفی ظلم و استبداد، زمینه ظهور حضرت فراهم می شود. بر این مبنا بود که وی در یکی از لوایح ایام تحصن، در حرم حضرت عبدالعظیم تصریح می کند: «در منطق شیعه، دولت و سلطنتی که زمام آن به دست خدا و رسول و امام و نایبان امام (فقهای عدول) نباشد، اوامرش واجب الاطاعة نیست».^۳

۱. غلامحسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۵۴.

۲. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۱۲۳.

۳. علی ابوالحسنی (منذر)، «شیخ فضل الله نوری، انقلابی عصر استبداد، اصلاحگر عصر مشروطه»، مجله قیاسات، ش ۲۲، ص ۶۹.

وی اصل دوم متمم قانون اساسی را لازم و واجب دانسته، منحصر به یک زمان خاص نمی‌داند، بلکه این اصل را تا عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام لازم الاجرا می‌داند و می‌گوید: «این ملاحظه و مراقبه حسب التکلیف الشرعی، هم حالا که قوانین اساسی مجلس را از روی کتب قانون اروپا می‌نویسند، لازم است؛ و هم من بعد در جمیع قرن‌های آینده، الی یوم یقوم القائم علیه السلام، از این رو، از عوامل زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام، حرکت و پویایی اجتماعی برای اصلاح جامعه و امت است.»

آیت‌الله طباطبایی

در کنار اصول دین اسلام، یعنی توحید، نبوت و معاد، دو اصل دیگری به نام امامت و عدل وجود دارد. از این رو، در کنار اعتقاد به امام زمان علیه السلام و انتظار ظهور حضرت، اصل عدل هم وجود دارد. بر این اساس، استاد مطهری می‌گوید: «اعتقاد به اصل عدل در میان شیعه و معتزله، به معنی اعتقاد به اصل آزادی انسان و مسئولیت و سازندگی اوست».^۱

از این رو، در زمان مشروطیت، مردم خواهان عدالت بودند و اعتقاد به اصل امامت و انتظار حضرت، بدون اصل عدالت، انتظار صحیح و سازنده‌ای نبوده است. انتظاری سازنده است که حرکت و پویایی به سوی عدالت گسترده در آن وجود داشته باشد.

بر این اساس، آقای سید محمد طباطبایی، یکی از علمای آن زمان، در یکی از سخنان خود، ضمن اشاره به این دو اصل می‌فرمایند: «امروز پادشاه حقیقی ما حضرت امام زمان علیه السلام است. ما همه، خادمان درگاه او هستیم؛ و هیچ هراسی از اینکه در راه عدالت کشته شویم، نداریم، ما از حضرتش درخواست کمک و تأیید داریم و بر مقاصد خویش پافشاری می‌کنیم؛ حتی اگر یک یا ده سال طول بکشد، ما عدالت و عدالت‌خانه می‌خواهیم».^۲

۱. همان، ص ۷۲.

۲. سعید زاهد، جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، ص ۱۳۷.

۳. همان، ص ۱۳۹.

از این رو، وجود دو اصل امامت و عدل در کنار هم، در برانگیختن مردم و حرکت به سوی یک جنبش دینی، بسیار مؤثر بوده است.

رهبران دینی نجف (آخوند خراسانی، حاجی میرزا حسین تهرانی، عبدالله مازندرانی) افزون بر بزرگان و علمای ایران، علما و بزرگان نجف اشرف هم، همسو با علمای ایران در استقرار مشروطیت و عدالت گستری و نفی خودکامگی پادشاه، اقدام بسیار مؤثری انجام دادند. این بزرگان با استفاده از اعتقاد مهدویت، به مبارزه با استبداد و خودکامگی پادشاهان قاجار برخاسته، مردم را برای استقرار و تحکیم مشروطیت بسیج کردند.

مرحوم، آخوند خراسانی، هدف شرکت و حمایت مردم از جریان مشروطه را در نامه‌ای که به یکی از روحانیون ایران می‌نویسد، این گونه بیان می‌کند: «... غرض ما از این همه زحمت، ترفیه حال رعیت و رفع ظلم آنان و اعانه مظلوم و اعانه ملهوف و اجرای احکام الهیه - عز اسمه - و حفظ و وقایه بلاد اسلام از تناول کفار و امر به معروف و نهی از منکر و غیرها از قوانین اسلامی نافعہ للقوم بوده است»^۱.

واکنش علمای دینی نجف به استبداد صغیر

محمدعلی شاه قاجار پس از درگذشت پدرش، مظفرالدین شاه، به سلطنت رسید و تاج شاهی را بر سر نهاد. وی مردی مغرور و مستبد بود و روح سرکش، تربیت نادرست و نجوست ذاتی او، با آزادی هیچ تناسبی نداشت. او وقتی شاه شد که مشروطه آغاز شده بود و کم و کم وکلای دوره اول مجلس انتخاب شده، مجلس شورای ملی رسماً افتتاح گردیده بود.^۲ برخی عوامل، مثل دخالت افراد وابسته به سیاست انگلیس، در امر مشروطه

۱. مرتضی علویان، روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۱۵۱.

۲. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱-۲، ص ۱۴۶.

و عوامل دیگر، سبب شد تا محمدعلی شاه مستبد، بهانه خوبی پیدا کند و مجلس را به توپ ببندد.

بعد از به توپ بسته شدن و تعطیلی مجلس اول، استبداد حاکم شد و مراجع بزرگ آن زمان نجف، با دو راهکار به مقابله با محمدعلی شاه برخاستند که منجر به عزل وی شد. راهکار اول: در این مرتبه، علما به اتمام حجت پرداختند و با ارسال تلگراف‌هایی بر استقرار مشروطیت و حفظ موازین اسلام تأکید کردند. در اینجا به دو مورد از این تلگراف‌ها که بر اصل مشروطیت و حفظ موازین اسلام، با تأکید بر مسئله انتظار امام زمان علیه السلام تکیه دارد، می‌پردازیم.

تلگراف اول: علمای نجف در پاسخ به درخواست مردم که نظرشان را درباره مشروطیت خواسته بودند، با تکیه بر اصل انتظار و غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کردند الان که حضرت غایب‌اند، منتظران امام زمان علیه السلام، برای جلوگیری از خودکامگی و ستمگری پادشاهان ایران، باید مجلس شورا برپا کنند. متن تلگراف بدین شرح است:

«اکنون که صاحب شریعت (امام زمان)، ناپیداست و اجرای شریعت نمی‌شود و خواه و ناخواه، حکام جور چیره گردیده‌اند، باری بهتر است برای جلوگیری از خودکامگی و ستمگری ایشان، قانونی در میان باشد و عقلای ملت، مجلسی برپا کرده، در کارها شور کنند».^۱

تلگراف دوم: آخوند خراسانی و میرزا حسین و عبدالله مازندرانی تلگرافی به مشیرالسلطنه مخبره کردند و با اشاره به بی‌تدبیری و بی‌کفایتی پادشاهان قاجار، به او گوشزد کردند که شما پادشاهان قاجار، همه اموال مسلمین را به یغما برده، و امتیازات منحوسه‌ای را به مشرکین داده‌اید؛ و خزاین زیرزمینی ایران را به بهای ناچیز، به دشمنان دین داده و روزبه‌روز، زخمی تازه بر قلب منور حضرت بقیه الله علیه السلام زده‌اید.^۲

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. جلال‌الدین مدنی، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، پاورقی ص ۱۷۹.

در قسمتی دیگر آمده است، شیعیان با استمداد از اهل بیت، خصوصاً امام زمان علیه السلام در مقابل استبداد قاجاریه ایستادگی می‌نمایند؛ و به مطلوب خود خواهند رسید. قسمتی از متن این تلگراف بدین شرح است:

«در این حال، شیعیان آل محمد، صلوات الله علیهم اجمعین، از باطن ائمه هدی استمداد نموده، یک‌باره حرکت کردند؛ و برای حفظ این قطعه باقی مانده از مملکت اسلامی و نجات از سفاکی و استبداد قاجاریه با جان و مال حاضر شدند؛ و به معاونت و امداد حضرت حجت‌الله علیه السلام به مطلوب خود خواهند رسید»^۱.

در قسمت پایانی این تلگراف اشاره شده که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام حکومت مسلمین با جمهور مسلمین است؛ و «از حضرت حجت‌الله ارواح العالمین فدا، در انجام این مقصد استمداد نموده و به معاونت آن حضرت، متظهر و معتقدیم»^۲.

راهکار دوم: وقتی علما دیدند حکومت وقت قاجاری ترتیب اثر نداد، سه مرجع بزرگ دینی نجف، طی حکمی تکلیف ملت را در برابر استبداد محمدعلی شاه روشن ساختند. در این حکم آمده:

به عموم ملت حکم خدا را اعلام می‌داریم: الیوم، همت در رفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین، از اهم واجبات، و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرّمات، و بذل جهد در استحکام و استقرار مشروطیت، به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فدا، و سر مویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت علیه السلام است.^۳

با توجه به این حکم، تلاش در برقراری مشروطیت و استقرار و استحکام این

۱. همان.

۲. همان.

۳. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۰.

مشروطیت، مساوی با جهاد در رکاب امام عصر علیه السلام و مخالفت با مشروطیت و نفی استبداد و اجرای عدالت، به منزله جنگ با حضرت مهدی علیه السلام دانسته شده است. پس می توان گفت عامل روحیه بخشی که مردم را به مبارزه با استبداد در دوران مشروطه دعوت کرد، اعتقاد به منجی موعود و انتظار حضرت مهدی علیه السلام بود که یکی از مبانی حرکت و اصلاح جامعه، در دوران مشروطه بوده است.

حکم جهاد آیت الله سید عبدالحسین لاری

در پی تجاوز انگلیسی ها به ایل های قشقای در حوالی کازرون و کشتن زنان و بچه ها و تجاوز به مردم، آیت الله سید عبدالحسین لاری، حکم جهادی مبنی بر دفاع از سرزمین و جهاد علیه دشمنان و کفار انگلیسی صادر کردند.

ایشان، در این حکم، دفاع از سرزمین و مبارزه با کفار و دشمنان را حکم قرآن و امام زمان علیه السلام دانسته، فرمودند: «اعلان فرمان قضا جریان حضرت سبحان و محکومات قرآن و امام زمان علیه السلام؛^۱ و بر مسلمین خارج و داخل و حتی زنان و بچه ها و اقوام و اعراب و هر کسی که ادعای مسلمانی دارد، واجب فوری عینی کرده که به دفاع برخیزند و دشمنان را نابود کنند؛ و در ادامه فرمودند: «هر کس تخلف و تقاعد از این جیش مجاهدین و از این جهاد اکبر و نهی از منکر نماید، کأن تخلف از جیش اسامه و امام عصر علیه السلام نموده، اعم از اینکه ملحق به جیش کفار بشود یا نشود، مرتد و خارج از اسلام است».^۲

از این رو ایستایی و سکوت در برابر متجاوزان به منزله تخلف از سپاه امام عصر علیه السلام است؛ و منتظران امام زمان علیه السلام، در دوران غیبت، از این ایستایی و سکوت در برابر ظلم دوری می جویند.

۱. همان، ص ۳۱۲.

۲. همان.

این نمونه دیگری از کارکرد انتظار امام زمان علیه السلام بود که آیت الله لاری با استفاده از آن و صدور حکم جهادی برای بیرون راندن کفار و دشمنان و مبارزه با متجاوزان، جنبش و حرکتی اصلاحی، برای رفع ظلم و ستم به وجود آوردند.

رساله‌های دوران مشروطیت

در دوران مشروطیت علما رساله‌هایی در حمایت از مشروطیت نوشتند که در آنها با استفاده از احادیث مهدویت، مشروعیت مشروطه را اثبات کرده‌اند. در این بخش به دو رساله اشاره می‌کنیم.

الف) رساله/احیاء الملة آقای شیخ حسین اهرمی بوشهری

این رساله یکی از رساله‌هایی بود که قبل از استبداد صغیر، به منظور دفاع از مشروعیت مشروطه نگاشته شد. کوشش مؤلف، از آغاز تا پایان رساله، آن است که مشروطیت را از غلایم ظهور حضرت مهدی علیه السلام معرفی کند؛ از این رو، روایت‌هایی را شاهد استدلال و استنتاج خود قرار می‌دهد.^۱

ایشان با استناد به سه روایت، مطلب خود را ثابت می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب *الغیبه خود*، از ابی‌خالد کابلی روایتی را نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمودند: کأنتی بقومٍ قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا رأوا ذلک وضعوا...^۲ «گویا، گروهی را می‌بینم که از طرف مشرق خروج کرده‌اند، حق را مطالبه می‌نمایند و به ایشان داده نمی‌شود. باز آن را مطالبه می‌نمایند و به ایشان داده نمی‌شود. چون امر را بدین گونه می‌بینند؛ شمشیرهای خود را بر دوش می‌نهند؛

۱. غلامحسین زرگری‌نژاد، *رسائل مشروطیت*، ص ۲۷۵.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، باب چهاردهم، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

یعنی از در جهاد برمی آیند. پس مطلوب و خواسته آنها داده می شود و ایشان آن را قبول نمی کنند تا آنکه با آنان از در جنگ برآیند و باهم بجنگند؛ و آن قوم آن حق را که دولت و سلطنت باشد، به احدی واگذار نخواهند کرد، مگر به صاحب شما، یعنی صاحب الزمان عجل الله فرجه کشته های آن قوم شهیدند.^۱

آقای اهرمی می نویسد شاید مراد از آن قوم، رؤسای مجلس دارالشورای ملی باشند.^۲

۲. استناد دوم آقای اهرمی در این رساله، آیه شریف یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ^۳ است که خداوند در این آیه می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از دین خدا برگشت، پس به زودی خداوند گروهی را می آورد که دوستشان دارد و باعث عزت مؤمنین و ذلت کافرین هستند».

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود گفته است، این آیه در حق مهدی امت و اصحاب اوست.^۴ به اعتقاد نویسنده، قایل این آیه شریف، یکی از ادله مشروعیت مشروطه است و مجلس و مشروطه در نهایت، پیروز خواهند شد؛ آن گاه، این قوم، دولت و سلطنت را به حضرت مهدی عجل الله فرجه واگذار می نماید.

۳. یخرج ناس من المشرق یوطنون للمهدی سلطانه؛^۵ «قومی از طرف مشرق بساط و شرایط حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه را مهیا می کند؛ و مراد از مشرق، سرزمین ایران است». نویسنده کتاب *احیاء الملة* با استناد به احادیث مهدویت و علائم ظهور، ضمن دعوت مردم به مشروطه خواهی و حرکت برای اصلاح جامعه، مشروعیت مشروطه را نیز اثبات می کند.

۱. غلامحسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۲۷۹.

۲. همان.

۳. مائده (۵)، ۵۴.

۴. غلامحسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۲۸۰.

۵. همان، ص ۲۸۱.

در پایان این رساله، نویسنده ضمن تأکید بر مسئله مشورت و شورا می گوید: شما مردم هم، مانند جماعت انصار صدر اسلام در امور عامه مسلمین، با یکدیگر مشورت نموده، برای احقاق حقوق مسلمین و دفع شر دشمنان قیام کنید تا مقدمه سپاه امام دوازدهم، مهدی منتظر علیه السلام باشید.^۱

(ب) رساله انصافیه اثر مرحوم، حاج ملا عبدالرسول کاشانی

آقای کاشانی می نویسد: مشروطه در مقابل مطلقه است؛ و مطلقه حکومتی است که هر چه صاحب منصبان آن انجام^۲ دهند، کسی حق سؤال و جواب ندارد. به اعتقاد ایشان، اگر آیه و حدیثی هم، درباره مشروعیّت مشروطه نداشته باشیم، عقل حکم می کند که مشروطیت بر مطلقیت رجحان دارد.^۳

اما ایشان درباره وضع قانون در عصر غیبت معتقدند: «در زمان غیبت امام علیه السلام، قانون پاک به دست آوردن و به عدل رفتار کردن، به توسط آن حضرت ممکن نیست؛ و غیر از دست به دامان انتخاب شدن، چاره ای نیست».^۴

بنابراین چون در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام هستیم و به آن حضرت دسترسی نداریم، برای اخذ قوانین و حکومت، باید انتخابات برگزار و دست حاکمان و مستبدان از حکومت کوتاه شود. از این رو، غیبت امام معصوم و قرار گرفتن در عصر غیبت، عاملی برای حرکت به سوی قانون و انتخاب است. بنابراین با دقت در این دو رساله، می توان استنباط کرد، عاملی که مردم را به سوی یک جنبش اجتماعی و حرکت اصلاحی مشروطه خواهی دعوت کرد و به آنها قوت بخشید، واژه انتظار و غیبت امام زمان علیه السلام بود.

۱. همان، ص ۲۸۸.

۲. همان، ص ۵۵۵.

۳. همان.

۴. همان، ص ۵۵۶.

ج) انقلاب اسلامی ایران

بی‌شک عاملی که مردم را به صحنه اجتماع و مبارزه با رژیم طاغوت کشاند و به پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۵۷، منجر شد، همین اعتقاد به انتظار امام زمان علیه السلام بود. انتظاری که در روایات، سفارش زیادی به آن شده است، به معنای مترصد بودن نیست، بلکه به معنای حرکت و پویایی برای نفی ظلم و ستم است، تا در جامعه زمینه ظهور امام زمان علیه السلام محقق شود. بنابراین انتظار، پیوند عمیقی با حرکت و پویایی دارد. از یک سو، حرکت و پویایی بر آیند انتظار امام زمان علیه السلام است؛ و از سوی دیگر، انتظار جهت‌دهنده حرکت شمرده می‌شود.

با این تصویر درست از انتظار (حرکت و پویایی، نه سکون و مترصد بودن)، اقدام، آمادگی و زمینه‌سازی حکومت عدل امام زمان علیه السلام معنا پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی ایران نمونه بارز انقلاب‌هایی است که با توجه و عنایت به بُعد موعودگرایی و انتظار، رخ داده است.

تأثیر اندیشه مهدویت و انتظار بر انقلاب اسلامی ایران، از چند جنبه قابل بررسی است: الف) علت‌های حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران چه بوده است؟ در جواب باید گفت شورش علیه رژیم طاغوت با پیروی از علما و بزرگان، در سایه انتظار امام زمان علیه السلام علت حرکت مردم مسلمان ایران بود؛ چنانچه این اعتقاد در جان مردم رسوخ نکرده بود، هرگز انگیزه و تحرکی در آنها ایجاد نمی‌شد؛

ب) علل و رمز موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی چه بوده است؟

ج) علل تداوم و استمرار انقلاب اسلامی در چیست؟

در این بخش، به علت حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران می‌پردازیم. از عوامل محرک انقلاب و مبارزه با طاغوت و رژیم ستم‌شاهی، اعتقاد به انتظار امام زمان علیه السلام است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های منتظران واقعی امام زمان علیه السلام، بیزاری از دشمنان آن حضرت و مبارزه

برای از بین بردن این دشمن الهی است. چنانچه امام صادق علیه السلام، در حدیثی خطاب به اصحاب خود فرمودند:

الا اخبرکم بما لا یقبل الله عز وجل من العباد عملاً الاّ به؟ فقلت: بلی، فقال: شهادة ان لا اله الا الله... والبراءة من اعدائنا... والانتظار للقاء علیه السلام آیا شما را خبر ندهم به آنچه که خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن، از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم چرا؟ فرمود: گواهی دادن به اینکه، هیچ شایسته پرستش [ی] جز خداوند نیست؛ و اینکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بنده و فرستاده اوست؛ و اقرار کردن به آنچه که خداوند به آن امر فرموده؛ و ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار امام زمان علیه السلام.

در روایتی دیگر، تبری جستن از اعدا و دشمنان خدا را استوارترین دستاویز ایمان خوانده‌اند.^۲

بنابراین می توان گفت از آنجاکه عصر حاضر، عصر امامت و ولایت امام مهدی علیه السلام است؛ و ایشان حجت الهی در زمان هستند، از یک سو، وظیفه داریم به ریسمان ولایت مهدوی چنگ بزنیم؛ و همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را بر اساس خواست و رضایت او سامان دهیم؛ و از سوی دیگر، مکلفیم از تمسک به ولایت دشمنان آن حضرت خودداری کرده، از هر آنچه در مقابل این ولایت است، بیزاری جویم.^۳

از این رو، یکی از وظایف منتظران واقعی، حرکت و پویایی برای رفع ظلم و بیزاری از دشمنان و برقراری عدالت و دستورهای اسلام در جامعه است. بر همین اساس، مسلمانان

۱. محمدبن ابراهیم نعمانی، الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، باب حب فی الله و بغض فی الله، ج ۶، ص ۱۲۵-۱۲۶، ح ۲.

۳. ابراهیم شفیع سروستانی، انتظار؛ بایدها و نبایدها، ص ۱۱.

ایران، به رهبری علما، به خصوص، رهبر فرزانه، امام خمینی علیه السلام، دست به انقلابی زدند که سرانجام به پیروزی رسید.

در این بخش به نظر میشل فوکو، راجع به انقلاب پرداخته، سپس به انجمن‌ها و تشکل‌هایی که با اعتقاد به امام زمان و انتظار شکل گرفته، می‌پردازیم. آن‌گاه به بررسی نمونه‌هایی از نامه‌ها و تلگراف‌هایی که میان علما و مردم ردوبدل شده، پرداخته، نقش انتظار در حرکت و جنبش مردم در انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کنیم.

نظر میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران و امام زمان علیه السلام

میشل فوکو، یکی از عوامل مؤثر در انقلاب اسلامی ایران را مذهب تشیع می‌داند. مذهب تشیع، در نظر او، دو ویژگی دارد:

الف) اعتقاد به امام زمان علیه السلام و نقش آن حضرت در زندگی مردم شیعه؛

ب) وجود روحانیت شیعه و نقش آن در حفظ دین.

این دو عامل باعث پویایی مذهب تشیع شده است. از این رو فوکو، اعتقاد به امام زمان علیه السلام را عامل پویایی می‌داند.

از نظر فوکو، اعتقاد به امام زمان علیه السلام از دو حیث، مهم تلقی شده است:

۱. در جامعه شیعه ایران، مردم نه تنها تحصیل وضع مطلوب را غیرممکن نمی‌دانند، بلکه وقوع آن را نیز، حتمی و لازم می‌شمارند. این اعتقاد، تأثیر زیادی در برانگیختن آنها به قیام و تلاش برای بهبودی اوضاع دارد.^۱

فوکو در این باره می‌گوید: «نود درصد ایرانی‌ها شیعه‌اند و منتظر بازگشت امام دوازدهم‌اند، تا نظام راستین اسلام را در زوی زمین مستقر کند؛ اما این اعتقاد هر روز

۱. رضا رمضان‌نرگسی، «دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران»، آموزه، ج ۷، شرق‌شناسی نوین و انقلاب

نمی گوید که فردا حادثه بزرگ فرا خواهد رسید، همچنین همه شوربختی های جهان را هم نمی پذیرد... ما منتظر مهدی هستیم، اما هر روز، برای استقرار حکومت خوب مبارزه می کنیم»^۱.

وی، یکی از آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام را دفاع برابر قدرت های فاسد و ستمگر می داند؛ و می گوید: «به انتظار آنکه امام دوازدهم با ظهور خود، از نو حق را به صورت کامل مستقر کند، باید از راه شناخت امام، از راه دوستی علی علیه السلام و خاندان او و حتی از راه شهادت، از امت در برابر قدرت فاسد، دفاع کرد»^۲.

۲. اعتقاد به امام زمان علیه السلام، موتور محرک هیجانات اجتماعی تشیع را همواره روشن نگه داشته، مردم را در حالت آمادگی دائم قرار می دهد؛ چرا که وقتی انتظار فرج بر هر مسلمان شیعه واجب شد، آنها را در یک حالت آمادگی کامل قرار می دهد. بنابراین آنها برای هر حادثه ای آماده خواهند بود. به ویژه، بر خود واجب می بینند که زمینه ظهور امام را فراهم کنند، پس نه تنها در آمادگی کامل هستند، بلکه اقدام به اصلاح نیز، سرلوحه امورشان است.^۳

فوکو معتقد است از لحاظ اعتقادی هم، این اصل که حقیقت با آخرین پیامبر کارش به پایان نمی رسد، و بعد از محمد صلی الله علیه و آله، دور دیگری آغاز می شود که دور ناتمام امامانی است که با سخن خود، با سرمشقی که با زندگی خود می دهند، و با شهادت خود، حامل نوری هستند که همواره یکی است، و همواره دگرگون می شود... بنابراین امام دوازدهم، هر چند پیش از ظهور از چشم ها پنهان است، به طور کلی و قطعی غایب نیست. خود مردم اند که هر چه بیشتر نور بیدارگر حقیقت بر دلشان بتابد، بیشتر اسباب بازگشت او را فراهم می کنند.^۴

۱. میشل فوکو، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، ص ۲۹ و ۳۰.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. رضا رمضان نرگسی، «دغدغه های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران»، آموزه، همان، ص ۱۴۴.

۴. میشل فوکو، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، ص ۳۷.

از این رو، انتظار صحیح، انسان‌ها را به سوی انقلاب و اجرای دستورهای اسلام دعوت می‌کند، نه اینکه بنشینند و فقط منتظر باشند. بنابراین فوکو در اولین دیدار خود با یکی از علما می‌گوید: «وی، اولین چیزی که به من گفتند، این بود که ما منتظر بازگشت امام زمان علیه السلام هستیم؛ و این به آن معنا نیست که امکان حکومت خوب را منتفی بدانیم». ^۱ نکته دیگری که فوکو به آن اشاره می‌کند، این است که تشیع، عموماً، و انتظار امام زمان علیه السلام، خصوصاً، پیروان خود را به نوعی بی‌قراری مدام، مسلح می‌کند و در ایشان شوری می‌دمد که هم سیاسی و هم دینی است. ^۲

تأسیس انجمن و سازمان‌های متأثر از انتظار امام زمان علیه السلام

۱. تأسیس انجمن مخفی در بهمن سال ۱۲۸۲ هجری شمسی

یکی از بنیان‌گذاران این انجمن، ذوالریاستین بود که درباره هدف‌های این انجمن چنین می‌گوید: «ما اولاً، انجمنی تأسیس کردیم، به‌طور خفیه، و باید در این انجمن حق بگوییم؛ و حق ظاهر کنیم...؛ و مفسد ظلم را اظهار کنیم؛ و خدمت به ملت و وطن و عالم اسلامیت کنیم». ^۳

در ماده چهارم نظام‌نامه این انجمن، پذیرش حضرت مهدی علیه السلام به منزله تنها حامی حقیقی جامعه، ذکر شده است. متن ماده چهارم نظام‌نامه انجمن، به این شرح است: «اشخاصی که در این انجمن پذیرفته می‌شوند... همه به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان قایل‌اند. از این جهت، این انجمن در تحت اسم مبارک آن حضرت است». ^۴

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۲۸۳.

۴. همان، ص ۲۸۷.

۲. تشکیل گروهی به نام مهدویون^۱

طراحان این سازمان، مهدی و محمدامیر شاکری و حسین جان زینلی و علی اکبر نبوی نوری بودند که طرح تشکیل سازمان مهدیون را پی‌ریزی کردند.

یکی از این بنیان‌گذاران، به نام مهدی امیرشاکری دارای بینش صددرصد اسلامی، بر پایه تشیع علوی بود؛ و تمامی شناخت خود را از روی واقع‌بینی به دست می‌آورد، نه ذهن‌گرایی.^۲ او با توجه به اینکه جامعه، درک صحیحی از امام زمان علیه السلام نداشت، مسئله اصلی تشیع، یعنی امامت را مطرح کرد؛ و چون پیروزی نهایی با ظهور امام زمان علیه السلام محقق، و حق بر باطل غالب می‌شود، نام سازمان خود را مهدیون نهاد.

بنابراین وی معتقد بود هیچ انقلابی نتوانسته و نخواهد توانست به تمام خواسته‌های به حق مردم، جامعه عمل ببوشاند؛ و درحقیقت، هر انقلابی به‌طور نسبی انقلاب است؛ و انقلاب واقعی را، همان امام زمان علیه السلام برپا خواهد کرد؛^۳ از این رو، معتقدین به انقلاب مهدی علیه السلام همواره خواهان یک انقلاب برتر هستند که خود، جدای از رنج و فداکاری، جز تحرک، صداقت و درگیری بیشتر با واقعیات نیست؛ و سعی می‌کنند با شناختن و شناساندن مظاهر حق و باطل، زمینه چنین انقلابی را فراهم سازند.^۴

بر اساس این اعتقاد، سازمان مهدیون، برای رسیدن به انقلاب مهدی علیه السلام، باید با از بین بردن مظاهر باطل و فساد، زمینه این انقلاب جهانی را فراهم کند. بنابراین، این گروه، عضوهای خود را سربازان امام زمان علیه السلام می‌دانستند. از این رو، سازمان مهدیون، سازمانی بود که انتظار را با حرکت و پویایی برای اصلاح وضع موجود معنا کرده، به منظور زمینه‌سازی قیام جهانی، شکل گرفت.

۱. در کتاب آقای علی دوانی نام این گروه، مهدیون تعبیر شده است و در کتاب تاریخ شفاهی سازمان مهدیون نوشته جلیل امجدی، از این گروه با نام مهدیون نام برده شده است.

۲. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۶۵، ص ۴۹۹.

۳. همان، ص ۵۰۰.

۴. همان.

۳. فدائیان اسلام

تشکیل فدائیان اسلام، به رهبری نواب صفوی، یکی از آثار انتظار امام زمان علیه السلام بود؛ چرا که در اعلامیه این گروه آمده «که درود بی پایان و تحیت و سلام سوزان ما به آخرین وصی گرامی اش اعلیحضرت، پادشاه غایب جهان، وجود مقدس امام زمان علیه السلام که مقدم مبارکش به یاری خدا [ی] جهان، نزدیک و در پناه مهر پرچم مقدسش، فتح و پیروزی فدائیان اسلام قطعی و محتوم باد»^۱.

به همین دلیل، در سایه انتظار حضرت، این حرکت فدائیان، برای اصلاح جامعه و مبارزه با فساد آغاز شد. یکی از کارهای این گروه، قتل کسروی بود که در نوشته‌هایش به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام توهین می‌کرد.

این سه انجمن و سازمان، با نام حضرت و با انتظار امام زمان علیه السلام، در ایران معاصر شکل گرفت و به انتظار معنای تازه‌ای بخشید. انتظاری که یکی از پیامدهایش تحرک و پویایی اجتماعی برای نفی ظلم و ستم، و حرکت به سوی اصلاح وضع موجود بود.

اینک، نوبت نامه‌ها و تلگراف‌هایی است که در روزها و سال‌های مبارزه علیه طاغوت، بین علما و آیات عظام به خصوص، بنیان‌گذار انقلاب، امام خمینی علیه السلام، ارسال می‌شد. در اینجا به تعدادی از این نامه‌ها که با توجه به روحیه انتظار امام زمان علیه السلام، باعث تقویت جنبش انقلابی و مبارزه علیه ظلم و ستم شده است، می‌پردازیم.

نامه‌ها و تلگراف‌های متأثر از انتظار امام زمان علیه السلام

۱. ادامه مبارزه علیه طاغوت و شاه، تا مرحله پیروزی، مستند به التجا و یاری امام زمان علیه السلام
 آیت‌الله قمی، در پایان اعلامیه‌ای که به مناسبت آزادی امام از تبعید، و رفتن ایشان از ترکیه به نجف صادر کردند، آورده‌اند: «ما اعلام می‌کنیم که روحانیت با استمداد از پیشگاه

مقدس خداوند متعال و التجا به حضرت ولی عصر، ارواحنا فداه، همچنان مبارزه مقدس خود را تا مرحله موفقیت نهایی، تعقیب خواهد نمود.^۱

۲. کوتاهی دست اجانب در پرتو عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه

در نامه‌ای که فضلالی یزدی مقیم قم، به آیت‌الله خمینی نوشتند، ضمن ابراز خوش حالی از انتقال معظم له به عراق و نجف اشرف و ابراز نگرانی از عدم حضور امام در قم می‌نویسند: «امیدواریم... با رهبری‌های خردمندان آن زعیم عالی قدر و توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، دست اجانب کوتاه، و استقلال ملت و مملکت در پرتو تعالیم قرآن محفوظ بماند».^۲

۳. عظمت اسلام، در پرتو امام زمان علیه السلام

در پی تبعید امام در روز سیزدهم آبان سال ۱۳۴۳ به خارج از ایران، اعلامیه‌های مختلفی منتشر شد، از جمله اعلامیه آیت‌الله مرعشی نجفی که در قسمت پایانی اعلامیه آمده است «ما بدین وسیله، مراتب انزجار و تنفر خود و جامعه روحانیت و عموم مسلمانان را ابراز نموده، و به یاری حضرت ولی عصر علیه السلام عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواستاریم».^۳

۴. رفع گرفتاری، در پرتو توسل به امام زمان علیه السلام

الف) در تلگراف آقای قمی درباره دستگیری حضرت امام آمده: «ضمن اظهار تأثر شدید

۱. همان، ج ۶، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۳۸.

و توسل به مقام مقدس حضرت ولی امر ارواحنا فداه، رفع گرفتاری و مزاحمت معظم له را از درگاه احدیت، جلّ شأنه، خواستارم.^۱

ب) آیت الله میلانی در جواب سؤالی که از آن بزرگوار کرده بودند، فرمودند: «در این نیمه شعبان بر حسب وظیفه، در ضمن تجلیل بسیار باشکوه، بیش از پیش، به حضرت ولی عصر صلوات الله علیه، عرض ارادت و توسل نمایید. امید است به برکات آن بزرگوار، خداوند متعال با حل مشکلات، چندین گونه بر ما منت بگذارد».^۲

۵. شکایت از مشکلات نزد امام زمان علیه السلام

در پی تبعید امام به ترکیه، آیت الله میلانی با نوشتن نامه‌ای به امام خمینی علیه السلام وضع نابسامان و خفقان را تشریح کردند. در پایان نامه، آمده است: الی الله المشتکی و الی ولیه المهدی، صلوات الله و سلامه علیه، نرفع الشکوی.^۳

این عبارات، در سایه اعتقاد به مهدویت و انتظار امام زمان علیه السلام معنا دارد؛ و چون امام را زنده و ناظر بر اعمال انسان‌ها می‌بینند، برای رهایی از ظلم و ستم‌ها به محضر مقدس حضرت، شکایت می‌برند. ایشان همچنین در پی فاجعه فیضیه و مجروح شدن طلاب، در نامه‌ای نوشتند: «بالاخره نمی‌دانم با نبود وسایل کافی، به طلاب جوان و مجروح چه گذشته است؛ و بازماندگان مقتولین، در چه حال‌اند؛ و الی الله المشتکی و الی ولیه المهدی، ارواحنا فداه، نرفع الشکوی».^۴

۶. عمل به وظیفه با حمایت و عنایت امام زمان علیه السلام

در پی اعلامیه مرحوم، آیت الله حاج سیدعلی بهبهانی به مردم ایران و اهواز، به خاطر تبعید

۱. همان، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. همان، ج ۳-۴، ص ۳۰۷.

امام، آمده: «بدیهی است، ملت ایران در موقع مقتضی، جواب این یاوه‌سرایی‌ها را خواهد داد؛ و دولت ایران بداند که با تبعید و حبس و حصر، جامعه روحانیت از بیان حقایق خودداری نخواهد نمود؛ و از اعمال خلاف قانون جلوگیری خواهد کرد و با پشتیبانی حضرت ولی عصر علیه السلام به وظیفه خود عمل می‌نمایند».^۱

۷. تشویق به دفاع از اسلام در سایه انتظار امام زمان علیه السلام

نکته‌ای که در کلام و گفتار بسیاری از بزرگان، از جمله در نامه‌ایی که آیت‌الله میلانی به آیت‌الله آملی نوشتند، دیده می‌شود این است که: «روحانیت به‌جز دفاع از ناموس اسلام و حریم مملکت اسلامی مقصودی ندارد و به حول و قوه الهی و به عین توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام به دفاع خود ادامه خواهد داد».^۲

۸. جریحه‌دار شدن قلب مقدس امام زمان علیه السلام به خاطر اعدام گروه انقلابی و مدافع اسلام
اعدام بخارایی، با واکنش روحانیت مجاهد همراه بود که در نامه‌ای، ضمن محکوم کردن این اقدام رژیم طاغوت، اعلام کردند هر نوع برخورد و ضدیت با گروه انقلابی و مجاهد، برخلاف دستور امام زمان علیه السلام بوده، باعث جریحه‌دار شدن قلب مقدس حضرت می‌شود.

از این رو، حرکت‌های انقلابی و جنبش‌های آزادی‌خواه اسلامی که به برپایی حق و عدالت دعوت می‌کنند، در سایه خدمت به امام زمان علیه السلام و آماده کردن مقدمات ظهور حضرت‌اند. در اعلامیه روحانیت مجاهد، آمده، «دستگاهی که ... به خود اجازه داده که در جبهه مقابل دین و مردم متدین و آزاده و مصلح، صف آرایی نموده... اخیراً با اعدام چند تن

۱. همان، ج ۶۵، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۷۷.

از مسلمانان مبارز و غیور و محکوم ساختن چند تن دیگر، قلب مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، را جریحه دار نموده^۱ است.

۹. باقی ماندن دین اسلام در ایران در سایه عنایت امام زمان علیه السلام

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، به سبب وجود دستورهایی که برخلاف شرع و اسلام بود، با اعتراض اکثر علما و بزرگان مواجه شد.

آیت‌الله گلپایگانی، از مراجع آن وقت، با ارسال تلگرافی به نخست‌وزیر وقت (علم)، اعلام کردند، اکثر قریب به اتفاق مردم ایران، به اصول اسلامی و استقلال مملکت خود علاقه‌مند هستند؛ و دین مبین اسلام باید در این کشور باقی بماند؛ و در سایه لطف و عنایات امام زمان علیه السلام، باقی خواهد ماند. قسمتی از آن تلگراف عبارت است از: «دین مبین اسلام و ملت مسلمان و مملکت ایران، باید باقی بماند؛ و با عنایت الهیه و توجهات حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفداء، باقی خواهد ماند»^۲.

همچنین آیت‌الله میلانی، ضمن واکنش به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، خواستار بازگشت این لایحه شده، فرمودند: «وظیفه خود می‌دانم، با استمداد از حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه، برای سومین بار، صریحاً اعلام بدارم تصویب‌نامه دولت شما، در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی با عدم رعایت شرط اسلام در انتخاب‌شوندگان و تبدیل قسم به قرآن مجید، به قسم به کتاب آسمانی، ملت مسلمان ایران و خاصه، علمای اعلام را بی‌نهایت، خشمگین ساخته است»^۳. این حرکت رژیم که کشور را به سوی غیراسلامیت می‌برد، با واکنش علما و استمداد از امام زمان علیه السلام خنثی، و این مصوبه لغو شد.

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همان، ج ۳-۴، ص ۹۴.

۳. روح‌الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۱-۱۳۴۲)، ص ۱۴۹.

۱۰. مشارکت در مصوبات خلاف شرع، در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام

آیت الله خوانساری در اعلامیه شدیداللحنی، نسبت به مسئله رفراندوم، فتوا دادند که «کلیه تصویب‌نامه‌هایی که برخلاف شرع مقدس باشد، حرام و شرکت در آنها شرکت در امر حرام و در حکم مبارزه با امام زمان ارواحنا له الفداء می‌باشد؛ و محرمات الاهی به تصویب‌نامه و آرای عمومی، حلال نمی‌شود»^۱.

با این فتوا، شرکت در رفراندوم، شرکت در امر حرام، و در حکم مبارزه با امام زمان علیه السلام است.

همچنین، علما از جمله آیت الله سید عبدالله شیرازی، شرکت در انتخابات مجلس بیست و یکم را تحریم کردند؛ ایشان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کردند: «اقدام در انتخابات و شرکت در مجلسین بر عموم اهالی ایران حرام، و در حکم محاربه با صاحب شرع مقدس و حضرت ولی عصر می‌باشد»^۲.

از این رو، با تمسک به این فتواها، مردم در انتخابات و مسائل سیاسی حاضر نشدند؛ و علما مخالفت خود را با رژیم طاغوت اعلام کردند. با توجه به متن اعلامیه‌ها و فتواها، می‌توان این عدم حضور را ناشی از اعتقاد به امام زمان علیه السلام دانست.

۱۱. مجاهدت امام زمان علیه السلام در حفظ دین

در تلگراف هیئت علمیه که آیت الله حاج میرزا هاشم آملی آن را تنظیم کردند، امام زمان علیه السلام مجاهد نخستگی ناپذیر خوانده شد. از این رو، منتظران واقعی حضرت با تاسی به ایشان برای حفظ دین و دستورهای اسلام، باید مجاهدت نمایند. بر این اساس، به دنبال تصویب‌نامه‌های خلاف شرع، همه کشور، یک پارچه قیام کردند و به نتیجه رسیدند.

۱. همان، ص ۲۰۰.

۲. همان، ص ۴۱۸.

آقای آملی در این تلگراف می‌فرمایند: «با تأیید ولی عصر ارواحنا فداه، مجاهد خستگی‌ناپذیر، و اقدامات روزافزون ذوات مقدسه علما... به نتیجه مطلوبه عن قریب منتهی خواهد شد».^۱

سرانجام این تصویب‌نامه لغو شده، علما از جمله آقای شریعتمداری طی پیام‌هایی از مردم تشکر کردند. ایشان، در قسمتی از پیام خود، حفظ و امان از شر دشمنان را به خاطر عنایات امام زمان علیه السلام دانسته، فرمودند: «ما یقین داریم تا رشته ایمان و قرآن مجید در میان مسلمانان مملکت، این چنین محکم و عواطف دینی آنها، این قدر ریشه‌دار و عمیق است؛ مملکت ما در ظل لوی حضرت بقیه الله، امام زمان ارواحنا فداه، از شر دشمنان در امن و امان خواهد بود».^۲

امام خمینی هم، در پیام تشکر خود فرمودند: «الحق در این نهضت اسلامی، خود را در پیشگاه مقدس خداوند تعالی سربلند و در نزد حضرت ولی عصر و سلطان دهر علیه السلام روسفید نمودید».^۳

بنابراین حرکتهای اصلاحی مردم ایران و هم‌پیروزی در این حرکتهای و جنبش‌های مردمی، در سایه انتظار امام زمان علیه السلام، و استمداد از آن بزرگوار بوده است.

۱۲. تقویت روحیه دینی و غیرت دینی در سایه تسلیت به امام زمان علیه السلام

پس از ماجرای انقلاب شاه و مردم، چون نزدیک به ایام عید نوروز سال ۴۲ بود، امام خمینی علیه السلام، اعلامیه‌ای مبنی بر تحریم عید نوروز و تبدیل آن به عزا، صادر کردند؛ و مردم را به عزاداری برای تسلیت به امام زمان علیه السلام دعوت نموده، با این استراتژی، غیرت دینی مردم را به فعلیت رساندند؛ و ضربه سنگینی به رژیم شاه وارد کردند.

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۱۴۸.

۳. همان، ص ۱۵۰.

در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: «چنان که اطلاع دارید، دستگاه حاکمه می‌خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه اسلام قیام، و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می‌اندازد، لذا، این جانب، عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر علیه السلام جلوس می‌کنم».^۱ همچنین، امام خمینی علیه السلام در اعلامیه‌ای که به مناسبت چهلم فاجعه مدرسه فیضیه صادر کردند، نوشتند: «باید به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام عصر علیه السلام عرض تسلیت کرد. ما به خاطر آن بزرگواران سیلی خوردیم و جوانان خود را از دست دادیم».^۲

۱۳. حفظ استقلال مملکت شیعه در پرتو عنایات امام زمان علیه السلام

در پی سخت‌گیری‌های رژیم، علیه مراجع قم، آیت‌الله حکیم، طی تلگرافی از آنها دعوت کرد، به نجف اشرف مهاجرت نمایند، اما آیات عظام و علمای قم، ضمن ارسال پیام تشکر آمیزی به آیت‌الله حکیم، به خاطر حفظ پایگاه عظیم حوزه علمیه و عدم اضطراب مردم، ترجیح دادند در قم بمانند.

آیت‌الله گلپایگانی در پاسخ به نامه آیت‌الله حکیم، در پایان، با استعانت از حضرت ولی عصر علیه السلام، برای حفظ و بقای مملکت شیعه، فرمودند: «امید است تشنجات موجود مرتفع و استقلال و حیثیات مملکت شیعه در ظل توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، محفوظ بماند».^۳

همچنین، یکی از علما در پاسخ آیت‌الله حکیم فرمودند: «از حضور عالی و سایر علمای اعلام آن حوزه مقدسه متمسک دعای مخصوص، برای حفظ این مملکت، در سایه حضرت بقیة الله، امام زمان ارواحنا فداه، و رفع خطرات از احکام و مقدسات اسلام هستیم».^۴

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. همان، ص ۳۱۱.

۳. همان، ص ۲۸۴.

۴. همان، ص ۲۸۶.

۱۴. اهدای جان به امام زمان علیه السلام بزرگ‌ترین سعادت فرد

بعد از فاجعه دردناک مدرسه فیضیه و آنچه در ایران رخ داد، علما، ضمن ارسال نامه‌ای به آیت‌الله خویی، به تفصیل، اوضاع ایران را تشریح کردند. ایشان در جواب، با یادآوری نکته‌هایی، گفتند برای حفظ دین و قرآن، باید خون‌هایی پای درخت اسلام ریخته شود؛ و اینک افتخارم این است که خون خویش را برای سلامتی اسلام هدیه نمایم؛ و امیدوارم امام زمان علیه السلام آن را بپذیرد که نهایت خوشوقتی و سعادت است. از این رو، فرمودند: «من نیز، خون خود را در این راه اهدا می‌کنم و بزرگ‌ترین افتخار من آن است که این هدیه برای سلامتی دین مقدس اسلام و برای محفوظ ماندن قرآن مجید... قرار گیرد، نهایت خوشوقتی آنجاست که این هدیه در پیشگاه حضرت بقیه‌الله، ارواحنا له الفدا، مورد قبول واقع گردد».^۱

از این رو، با این تعبیر، روحیه، انتظار و مهدویت در جان مردم تقویت می‌شود؛ و وجود این روحیه بالا مردم را به ظلم‌ستیزی و مقابله با رژیم شاه می‌کشاند.

۱۵. حمایت امام زمان علیه السلام از مبلغین شجاع

آیت‌الله میلانی، در یکی از نامه‌های خود، ضمن دعوت مبلغین به افشاگری علیه حکومت شاه، رساندن مسائل ایران به گوش جهانیان را از وظایف آنها دانسته، می‌فرماید: «نبایستی، آقایان مبلغین و هر دانشمند سخنران، بیم و هراس داشته باشند... که حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، اولین حامی خدمتگزاران خود می‌باشد».^۲

۱. همان، ص ۲۸۹.

۲. همان، ص ۳۰۸.

۱۶. امام زمان علیه السلام تکیه گاه مبارزان

در پی بازداشت امام خمینی علیه السلام در پانزدهم خرداد سال ۴۲، مراجع و علما، از جمله علمای آذربایجان، اعلامیه‌هایی صادر کردند.

در این اعلامیه تکیه گاه مبارزان را وجود مقدس امام زمان علیه السلام دانسته، گفتند: «تکیه گاه همه، قدرت لایزال الهی، در تحت سرپرستی حضرت مهدی موعود علیه السلام... می‌باشد»^۱.

۱۷. هم‌قدم بودن روحانیت با مردم در راه مبارزه، در پرتو عنایات امام زمان علیه السلام

استواری و پایداری مردم ایران در صحنه مبارزه با رژیم شاه، همواره در نامه‌ها و سخنرانی‌ها، معلوم و روشن است. این روحیه بالا و استواری مردم و روحانیت، در پرتو اعتقاد به امام عصر علیه السلام ظاهر بود؛ چراکه انتظار امام زمان علیه السلام همواره حرکت، پویایی و نشاط را در دل‌های منتظران شعله‌ور می‌کرد.

در اعلامیه شماره یک شورای مرکزی روحانیت تهران که پس از دستگیری امام خمینی علیه السلام صادر شده بود، آمده است:

ملت مسلمان ایران! روحانیت به شما قول می‌دهد، هرگز در این مبارزه از پای نمی‌نشیند؛ و به پیروی از پیشوایان خود، امیرالمؤمنین، حسین بن علی و سایر ائمه دین علیهم السلام، در راه مبارزه با فساد، جنایات و دیکتاتوری، تا سرحد شهادت، آمادگی خود را اعلام می‌دارد... بحول الله تعالی و قوته و با عنایت ولی عصر ارواحنا فداه، در این راه تا آخرین نفس هم‌قدم خواهیم بود.^۲

۱. همان، ص ۴۱۷-۴۱۸.

۲. همان، ص ۴۲۱.

۱۸. توجه به عنایات امام عصر علیه السلام

بزرگان و علما، در راه مبارزه با طاغوت، همواره، به یاد امام زمان علیه السلام بودند و عنایت و توجهات حضرت را باعث پیشرفت در مبارزات می دانستند.

در نامه آیت الله میلانی به حضرات آیات، امام خمینی علیه السلام، قمی و محلاتی، به خاطر بازداشت امام آمده: «امید است به یمن حمایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، مورد عنایت کامله الهیه باشید؛ و با مزید عزت و احترام مقتضی المرام، از این گرفتاری مستخلص... گردید»^۱.

و در اعلامیه چهلم فاجعه پانزدهم خرداد، آقای مرعشی نجفی فرمودند: «امید است که با توجهات حضرت بقیه الله، ولی عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء، موجبات آزادی و موفقیت محبوسین واقعه اخیر فراهم آید»^۲.

همچنین آیت الله میلانی در اعلامیه شماره دو، پس از دستگیری امام خمینی علیه السلام و آیات دیگر و جنایت هولناک پانزدهم خرداد، اعلام کردند: «امیدوارم با توجه مخصوص حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، این شام تیره به صبح روشن مبدل گردد»^۳ و نمونه های دیگر، همه، حاکی از روحیه انتظار، در بین مردم و علما، در راه مبارزه با طاغوت بوده است.

۱۹. ادامه جهاد تا آخرین نفس، تحت لوای امام زمان علیه السلام

در اعلامیه حوزه علمیه قم، به مناسبت سالگرد فاجعه مدرسه فیضیه، ضمن بیان اهداف خود که همان برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و دیکتاتوری بود، اعلام کردند: «ما تربیت یافتگان مکتب انقلابی قرآن به فرمان خدای بزرگ و تحت لوای اعلیحضرت،

۱. همان، ص ۴۴۴.

۲. همان، ص ۴۴۵.

۳. همان، ص ۴۵۳.

ولی عصر ارواحنا فداه، تا آخرین نفس، سنگریزه سنگر، به جهاد مقدس خود ادامه داده...»^۱

۲۰. استخلاص امام خمینی علیه السلام با استمداد از امام زمان علیه السلام

در نامه آیت الله مرعشی نجفی که به مناسبت تبعید امام به خارج صورت گرفت، آمده است: «به یاری حضرت ولی عصر علیه السلام، عظمت اسلام و مسلمین و استخلاص معظم له را از خداوند متعال خواستاریم»^۲.

همچنین، آقای قمی می نویسد: «ضمن اظهار تأثر شدید و توسل به مقام مقدس حضرت ولی امر ارواحنا فداه، رفع گرفتاری و مزاحمت معظم له را از درگاه احدیت، جل شأنه، خواستارم»^۳.

۲۱. انتقام گیری امام زمان علیه السلام از ظالمان

پس از حادثه ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶، در قم، همه بزرگان، این حادثه را به امام زمان علیه السلام تسلیت گفته، اشاره کردند روزی، امام زمان علیه السلام، انتقام همه این جنایات را خواهد گرفت. از این رو، در نامه آقای مرعشی نجفی آمده است: «یقین داشته باشید که روزی منتقم حقیقی، داد مظلومان را از ظالمان خواهد گرفت»^۴.

۲۲. انهدام ظلم و ظالم، روز عید امام زمان علیه السلام

امام خمینی علیه السلام، روزی را عید امام زمان علیه السلام می دانند که در آن روز، ریشه های ظلم و ستم از بین رفته باشد.

۱. همان، ص ۵۳۶.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ج ۵، ص ۸۸.

از این رو، می‌فرمایند: «ما روزی را عید می‌گیریم که بنیاد و بنیان ظلم و ظالم را منهدم کنیم؛ و دست دودمان ستمکار پهلوی را از کشور قطع نماییم؛ و آن روز، ان شاء الله تعالی، نزدیک است؛ و روز عید اسلامی و عید ولی عصر علیه السلام است».^۱

در قسمت پایانی، ادامه حرکت نهضت را مطابق با رضای حضرت ولی عصر می‌دانند؛ و می‌فرمایند: «در ادامه نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است، کوشش کنید».^۲

۲۳. اطاعت از طاغوت عین مخالفت با امام زمان علیه السلام

امام خمینی در آبان ماه سال ۱۳۵۷، درست چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در پیام مهمی به ملت ایران می‌فرمایند: «اطاعت از شاه، اطاعت از طاغوت است و اطاعت از طاغوت مخالفت با امام زمان علیه السلام است».

بر سربازان و سایر قوای نظامی است که از اوامری که برخلاف مسیر ملت است، سرپیچی کنند که اطاعت از این اوامر، مخالفت با قرآن مجید و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام عصر علیه السلام است.^۳

در مقابل، افشاگری جرائم رژیم طاغوت را سرافرازی در پیشگاه امام عصر دانسته، در پیام تاریخی خود، به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، می‌فرمایند: «خطبای محترم و گویندگان عزیز، بیش از پیش، به تکلیف الهی خود که افشاگری جرائم رژیم است، عمل فرمایید؛ و خود را در پیشگاه خداوند متعال و ولی عصر علیه السلام، سرافراز و روسفید نمایید».^۴

بنابراین همه موارد بیست و سه گانه، نمونه‌هایی از تجلی عنایت امام زمان علیه السلام به این کشور و حاکی از روحیه انتظار در بین مردم ایران است. بیجا نبود که مقام رهبری انقلاب، در گرماگرم نهضت، در برابر همافران و افسران نیروی هوایی، آنها را سربازان امام

۱. همان، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۷۷.

۳. همان، ص ۴۶۸.

۴. همان، ص ۴۹۱.

زمان علیه السلام خطاب می نمود. محال است بیگانگان کوردل، اثر عاطفی و روانی این لقب را دریابند. اثری که به فاصله سه روز از این گفتار، کار خود را کرد. همان گروه، گارد را به زانو درآوردند و دولت را سرنگون نمودند. همه اینها ناشی از اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ظهور اوست. مگر، به یاد ندارید که در نخستین شراره های انقلاب، مرجع بزرگ دیگر در سخنرانی هایش، دعاهاى رسیده از صاحب الزمان علیه السلام، اللهم اننا نشكو اليك، والهي عظم البلاء، را می خواند؟^۱

بنابراین حرکت عظیم انقلاب و تحمل همه سختی ها، نتیجه روحیه انتظار و اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام بوده است.

اما دست غیب و عنایات امام زمان علیه السلام در انقلاب اسلامی، در چهار نکته تجلی کرده است:

۱. همه مردم در سراسر ایران، متحد و یک پارچه، خواستار خروج شاه و اجرای دستورهای اسلام شدند؛

۲. روحیه ترس و هراس، تبدیل به شجاعت شد؛

۳. در دستگاه حاکم و رژیم شاه، رعب و وحشت حاکم شد؛

۴. اقدامات و تصمیمات امام که بعداً معلوم شد این تصمیمات برای پیروزی نظام جمهوری اسلامی چقدر حیاتی و ضروری بوده است.^۲

این نکته های چهارگانه، تجلی عنایات و توجهات امام زمان علیه السلام بر این کشور و انقلاب اسلامی، تا رسیدن به پیروزی بود.

نظر امام خمینی علیه السلام، درباره عنایات امام زمان علیه السلام به این انقلاب

امام خمینی علیه السلام، قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، به بعد را قیام الهی و مورد توجه و عنایت امام

۱. حسین تاجری، انتظار، بدر انقلاب، ص ۱۹۳.

۲. علی ابوالحسنی، «انقلاب اسلامی ایران، جلوه ای از الطاف امام عصر علیه السلام»، فصلنامه انتظار، ش ۱۸، ص ۷۸-۸۱.

زمان علیه السلام دانسته، فرمودند: «ما در این نهضت، منت از خدا و امام عصر علیه السلام می کشیم. ما منت از خدای تبارک و تعالی می کشیم، ما منت از ولی عصر علیه السلام می کشیم که پشتیبانی از ما فرمودند...»^۱

ایشان، در تاریخ نوزدهم اسفند ماه سال ۱۳۵۷ در پیام دیگری به ملت ایران، پیروزی انقلاب بر قدرت‌های شیطانی را در سایه اعتماد به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دانسته، فرمودند: «الحق، به همت والای این ملت رنجیده بود که با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتماد به ولی عصر علیه السلام، پیروزی بر قدرت‌های شیطانی حاصل شد.»^۲ همچنین می‌فرمایند: «شما می‌دانید که این پیروزی، به دست آمده است، لکن این، من نبودم که این پیروزی را به دست آوردید، به واسطه من. این خدای تبارک و تعالی، در سایه امام زمان علیه السلام، ما را پیروز کرد...»^۳ خلاصه اینکه، اتحاد و یک‌پارچگی همه ملت در سایه عنایات امام زمان علیه السلام بود. چنانچه، خود امام، در تاریخ بیست و نهم فروردین سال ۱۳۵۸ فرمودند: «من در پاریس که بودم و می‌شنیدم... همه باهم متحد شدند؛ و یک کلمه می‌گویند؛ و آن اینکه سلسله پهلوی نه، جمهوری اسلامی آری، من آنجا این‌طور فهمیدم که این دست، دست غیب است... دست غیبی در کار است. خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان علیه السلام»^۴

و اینکه به فاصله دو روز، بعد از پیروزی انقلاب، امام خمینی علیه السلام، ملت ایران را سربازان امام زمان علیه السلام خواندند، و فرمودند: «اهالی محترم ایران، جنود اسلامی ولی امر علیه السلام...»^۵ همه، حاکی از عنایات خاص امام زمان علیه السلام به این کشور بود. اعتقاد مردم به امام زمان، ارواحنا فدا، موجب حرکت‌هایی برای نفی ظلم و ستم در مردم شده، در نتیجه، به پیروزی انجامید.

۱. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۷۳.

۲. همان، ص ۳۵۶.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۳.

۴. همان، ج ۳، ص ۵۷۳.

۵. همان، ص ۳۷۵.

۲. حرکت برای تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت امام زمان عج

یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار، حرکت و پویایی اجتماعی است؛ حرکت برای ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و برای تشکیل حکومت اسلامی. از این رو، انتظار صحیح و پویا آن است که منتظران حقیقی، در عصر غیبت، برای تشکیل حکومت اسلامی حرکتی انجام دهند؛ و گرنه نشستن در انتظار امام زمان عج تا ایشان بیایند و حکومت اسلامی تشکیل دهند، یکی از آسیب‌های انتظار شمرده می‌شود. خاستگاه‌های این دیدگاه انحرافی عبارت‌اند از:

۱. وجود روایاتی که در عصر غیبت امام زمان عج، هر نوع قیامی را نهی، و دعوت به صبر کرده‌اند؛
۲. تفسیر نادرستی که حکومت و تشکیل آن در شأن امام معصوم عج، و در قلمرو کار اوست.

نقد دو برداشت انحرافی از تشکیل حکومت اسلامی

برداشت اول

از روایاتی که به منزله دلیلی برای مشروع نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت، بدان استناد می‌شود، روایاتی است که به‌طور عام، هر نوع قیام و جنبشی، پیش از ظهور حضرت مهدی عج را محکوم، و پرچم‌دار آن را طاغوت معرفی می‌کند؛ مثل روایت امام صادق عج که فرمودند: کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله عزوجل؛ «هر پرچمی قبل از ظهور امام زمان عج برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است که در برابر خدا پرستش می‌شود».

نقد و بررسی دیدگاه فوق عبارت است از:

۱. واژه طاغوت و مقصود از جمله یبعد من دون الله، پرچم برافراشته‌شده‌ای است که

۱. محمدبن حسن حر عاملی، رسائل الشیعه، ج ۱۱، باب حکم خروج بالسیف قبل قیام القائم عج، ص ۳۷.

مقابل خدا و رسول او و امام برافراشته شود، بخواهد حکومتی مقابل حکومت خدا تأسیس کند.^۱ بنابراین نمی‌توان شخص صالح و عالمی را که برای حاکمیت دین، قیام کرده است، طاغوت خواند. چنین پرچمی، در مسیر امام زمان علیه السلام برافراشته شده است، نه مقابل آن حضرت. از این رو، در بعضی از روایات، هر نوع پرچمی را طاغوت نمی‌خوانند، بلکه آن را با قید ضلالت همراه می‌کنند؛ مثل روایت امام باقر علیه السلام که فرمودند: *وانه لیس من احد یدعوا الی ان یخرج الدجال... ومن رفع رایة ضلالة فصاحبها طاغوت*؛^۲

۲. سیره معصومین، دومین پاسخی است که می‌توان به این دیدگاه انحرافی داد؛ از زمان پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام تا زمان قبل از ظهور و نیز، اکثر قیام‌های قبل از ظهور امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام هم، بنا بر دیدگاه انحرافی مزبور، با اینکه خود ائمه از منتظران واقعی به شمار می‌آمدند، بی‌مورد خواهد بود. حال آنکه، خود ائمه، قیام زید^۳ و قیام حسین بن علی و شهید فخ^۴ را تأیید می‌نمودند؛

۳. این برداشت با آن دسته از روایاتی که از برپایی قیام‌ها و حکومت‌های حق، پیش از ظهور مهدی علیه السلام خبر می‌دهند، معارض است. مثل روایت امام باقر علیه السلام که فرمودند:

کأنتی بقوم قد خرجوا بالمشرق، یطلبون الحق فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه...؛^۵ «گویا مردمی را می‌بینم که در طلب حق از مشرق قیام کرده‌اند، ولی حاکمان به آنان پاسخی نمی‌دهند. پس از مدتی، دوباره قیام می‌کنند.

۱. محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله حوزه، ش ۷۰-۷۱، ص ۱۹۵.

۲. کلینی، فروع کافی، ج ۸، ص ۲۹۷، ح ۴۵۶.

۳. امام رضا علیه السلام فرمودند: «زید از عالمان آل محمد بود؛ و برای خدا خشم کرد؛ و برای خداوند با دشمنانش جنگید، تا به شهادت رسید» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹، ح ۱).

۴. وی از شهیدان بزرگی است که در سرزمین فخ، حدود یک فرسخی مکه، با سپاه هادی عباسی جنگید و به شهادت رسید. دشمنان، بدن او و یارانش را قطعه‌قطعه و سرها را از بدن آنان جدا کردند. برای توضیح بیشتر ر.ک: مجله حوزه، ش ۷۰-۷۱، ص ۲۱۱.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

این بار نیز به آنان پاسخی داده نمی‌شود؛ ولی این بار [که] وضع را چنین می‌بینند، شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می‌نهند؛ و در این هنگام، آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند؛ اما نمی‌پذیرند؛ و دست به قیام می‌زنند (حکومت تشکیل می‌دهند)؛ اینان این حکومت را جز به صاحب شما (امام زمان علیه السلام) تسلیم نمی‌کنند. کشتگان این قیام، همه، شهید به‌شمار می‌آیند. اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی علیه السلام نگه می‌دارم.

بر اساس این روایت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام، در شرق قیامی رخ می‌دهد که به انقلاب حضرت مهدی علیه السلام متصل می‌شود. بنابراین نمی‌توان هر نوع قیام و جنبشی را در زمان غیبت کبرا مردود و باطل دانست؛

۴. افزون بر آن، اگر با استناد به این روایات، هر گونه قیام و نهضتی را محکوم و غیر مشروع بدانیم، با وجود تعارض آن با روایات مربوط به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام، ناچار، باید از این روایات صرف نظر کرد؛^۱

۵. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «منظور این روایت که هر علمی که بلند شود، قبل از ظهور، آن علم، علم باطل است، منظور این است که هر کسی، بلند کند، به نام علم مهدی و عنوان مهدویت، نه حکومت تشکیل دهد».^۲

همچنین ایشان می‌فرمایند:

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است، اینها نمی‌فهمند چس دارند می‌گویند... حکومت نبودن یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار

۱. محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله حوزه، ش ۷۰-۷۱، ص ۱۹۶.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم، دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم، برای اینکه خلاف آیات قرآن است.^۱

بنابراین اگر در دوران غیبت، شخص صالح، عالم، و عادل آگاه به زمان و مسائل دینی قیام کند؛ و به نیابت از امام زمان علیه السلام تشکیل حکومت دهد، بی‌تردید، مشمول این روایات نخواهد شد. بلکه چنین حرکتی، لازمه انتظار پویا و صحیح برای تشکیل حکومت است.

از جمله روایاتی که به صبر و اجتناب از شتاب‌زدگی دعوت کرده، روایتی از امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است که می‌فرماید: «به زمین بچسبید و بر بلا صبر کنید! دست‌ها و شمشیرهایتان را در جهت خواست‌های زبانتان به حرکت درنیاورید؛ و نسبت به آنچه خداوند برای شما در آن عجله قرار نداده، عجله نکنید! بدانید که برای هر چیز مدت و سرآمدی است».^۲

در توضیح روایت فوق باید گفت: دلیل منع جهاد، در بعضی از روایات، این است که جهاد، نیاز به شرایط، امکانات و مقدماتی دارد که شتاب‌زدگی در آن، بدون مهیا بودن آن شرایط، برای جامعه، پیامدهای ناگواری خواهد داشت.

مطلب دیگر اینکه ائمه اطهار علیهم السلام، نمی‌خواهند مبارزه با ستمگران را نفی کنند، بلکه می‌خواهند به سختی و سنگینی کار اشاره نمایند؛ از این رو، این روایت‌ها در صدد تحریم مبارزه با ستمگران نیستند؛ و گرنه قیام امام علی و امام حسن علیهم السلام در مقابل معاویه و قیام امام حسین علیه السلام در مقابل یزید بن معاویه، صحیح نبود.^۳

بنابراین دعوت به صبر و اجتناب از شتاب‌زدگی، به معنای صبر بر ظلم و ستم، و

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰-۴۱، ح ۱۵.

۳. محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله حوزه، ش ۷۰-۷۱، ص ۲۰۵.

سکوت در مقابل ستمگران و جباران نیست، بلکه به معنای شتاب نکردن در رسیدن به دولت حقّه جهانی است.

این روایات، به هیچ روی، در صدد منع قیام‌های مصلحان، برای مبارزه با ستم و تشکیل حکومت اسلامی، به منظور آماده‌سازی مقدمات قیام حضرت مهدی علیه السلام نیستند.^۱

برداشت دوم

پیروان این دیدگاه می‌گویند: «شما مصداق حاکم اسلامی را نشان بدهید، کسی که معصوم از گناه بوده، هوا و هوس، حب ریاست و شهرت، غضب و تمایلات نفس، به هیچ وجه، در او اثر نکند؛ اگر چنین کسی به میدان بیاید و جلو بیفتد، ملت به پایش می‌افتند.^۲ این دیدگاه دارای دو بخش است: یکی اینکه حکومت مختص معصوم علیه السلام است؛ و دیگری اینکه، با وجود خطا و اشتباه در غیر معصوم علیه السلام، لزوم پیروی از او سلب می‌شود.

نقد دیدگاه

بیشتر فقها، بر این باورند که فقیه واجد شرایط، در زمان غیبت، وظیفه دارد حکومت تشکیل دهد؛ و شرط عصمت، ویژه زمان حضور است.^۳ صاحب جواهر در باب حکومت و ولایت فقیه می‌نویسد: اطلاق ادلة حکومته (الفقیه) خصوصاً روایت النصب التي وردت عن صاحب الامر علیه السلام روحی فداه، یصیره من اولی الامر الذین اوجب الله علینا طاعتهم؛^۴ «اطلاق ادلة حکومت فقیه، به ویژه تویق اسحاق بن یعقوب (اما الحوادث الواقعة) فقیه را در رده اولی الامر، قرار می‌دهد. اولی الامری که اطاعت از آن بر ما واجب است».

۱. همان، ص ۲۰۶.

۲. ع. باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۱۲۲.

۳. محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله خوزه، ش ۷۰-۷۱، ص ۲۱۶.

۴. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۲۲.

از این رو، اکثر فقها به حکومت فقیه جامع الشرایط قایل اند. بنابراین انتظار فرج و حکومت جهانی مهدی علیه السلام به هیچ روی، با قیام‌های پیش از ظهور ناسازگار نبوده، بلکه برخی از آن قیام‌ها و حکومت‌ها، زمینه‌ساز قیام و حکومت جهانی مهدی علیه السلام خواهند بود.^۱

بر همین اساس، امام خمینی علیه السلام تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت را واجب می‌دانستند؛ و معتقد بودند اگر یکی از فقها تشکیل حکومت داد، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند؛ و اگر تشکیل حکومت جز به قیام ممکن نباشد، همگان باید به این امر مهم اقدام نمایند.^۲ بر این اساس، انتظار پویا و مثبت، انتظاری است که منتظر را به حرکت برای تشکیل حکومت اسلامی وادار کند. کما اینکه امام خمینی علیه السلام این کار عظیم را انجام دادند.

جدایی دین و سیاست و عوامل طرح آن از منظر امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام، سیاست را عین دیانت، و جدایی این دو را بدعت دانسته، تأکید می‌کردند در اسلام پرداختن به سیاست، مقدمه اجرای احکام اسلامی است؛ و بدون سیاست قسمتی از احکام اسلام تعطیل می‌شود. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اسلام دین سیاست است (با تمام شئونی که سیاست دارد). این نکته برای هر کس که کمترین تدبیری در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام بکند، آشکار می‌گردد. پس هر که را گمان بر این برود که دین از سیاست جداست، نه دین را شناخته و نه سیاست را».^۳ و در جای دیگر اشاره می‌کنند: «والله! اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد».^۴ بنابراین در نگاه امام خمینی علیه السلام، اسلام نه تنها دین

۱. محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله حوزه، ش ۷۱، ص ۲۱۸.

۲. همان.

۳. بحی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۹۸-۹۹.

۴. صحیفه امام خمینی، ج ۱، ص ۲۷۰.

سیاست، بلکه تمام آن سیاست است؛ و دین و سیاست چنان باهم درآمیخته‌اند که یکی شده‌اند. بنابراین سیاست عین دیانت، و دیانت عین سیاست به‌شمار می‌رود. عوامل مؤثر در طرح مسئله جدایی دین از سیاست به شرح زیرند:

۱. استعمار و استعمارگران

استعمارگران به‌منظور پیشبرد مقاصد خود و سلطه بر مسلمانان، از این نظریه به‌منزله وسیله و ابزاری کارآمد استفاده کردند.^۱ امام خمینی (عج) در این باره می‌فرمایند:

همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن‌ها پیش تا کنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده، و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است؛ و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به‌طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب‌زده و شرق‌زده آنان به توده‌های مسلمانان محروم، تحمیل شده است.^۲

۲. عوامل غرب‌زده داخلی و وابسته به بیگانگان

استعمارگران برای دستیابی به مقاصد خود، مستقیماً وارد صحنه نمی‌شوند، بلکه با استفاده از قلم و زبان افراد و عوامل وابسته و غرب‌زده داخلی و بومی، مقاصد خود را دنبال می‌کنند. امام خمینی (عج) این‌گونه به این موضوع توجه کرده و فرموده‌اند:

چپاولگران حيله گر كوشش كردند به دست عمال به اصطلاح روشن فكر

۱. یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۱۰۱.

۲. صحیفه امام خمینی، ج ۱۸، ص ۸۸.

خود، اسلام را همچون مسیحیت منحرف، به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش [کرده]، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند؛ و از این جهالت و غفلت ما سوءاستفاده نمودند؛ و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند؛ و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها، گریبان گیر توده‌های در بند گردید.^۱

۳. روحانیون فریب‌خورده و ناآگاه

سومین عامل تأثیرگذار در رواج تفکر جدایی دین از سیاست، وجود روحانیون بی‌خبر و ناآگاه است. آنها اسلام را طور دیگری معرفی کرده، شکل ناقصی از دین، ارائه می‌دهند. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

اسلام، ... مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است؛ اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند؛ ... شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند؛ و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادی‌خواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند، و حکومتی به وجود بیاورند که سعادتشان را تأمین کند، چنان زندگی داشته باشند که در شأن انسان است.^۲

۱. همان.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴.

ضرورت حکومت در زمان غیبت کبرا

با آغاز دوران غیبت، عدم حضور امام در جامعه، زندگی عمومی و سیاسی شیعیان با مشکل مواجه، و دو دیدگاه در بین شیعیان مطرح شد. برخی معتقد بودند در دوران غیبت، به دلیل عدم حضور معصوم و امام، باید به زندگی تقیه آمیز در حکومت‌های نامشروع اکتفا کرد؛ و نباید تلاش برای تشکیل حکومت کرد؛ زیرا منصب، منصب ائمه، و ولایت از آنان است؛ و احدی، حق تشکیل حکومت ندارد.^۱

در مقابل، عده‌ای از فقها، از جمله امام خمینی، با ارائه ادله عقلی و نقلی، معتقد بودند باید حکومت اسلامی تشکیل شود؛ و اصل تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام زمان عج را اثبات کرده، در پی آن به تشکیل حکومت اسلامی پرداختند.

الف) ادله نقلی

۱. روایت موثق و مستند فضل بن شاذان نیشابوری از امام رضا عج:^۲
در این روایت دلایل زیادی در بیان ضرورت و لزوم تشکیل حکومت اسلامی آمده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: حفظ حدود، اجرای قوانین، رعایت و حفظ حقوق، جلوگیری از تعدی و تجاوز افراد به یکدیگر، حفظ و بقای جامعه، حفظ نظم و امنیت.^۳

۲. خطبه حضرت زهرا عج:

در خطبه حضرت زهرا عج آمده:

فقرض الله الايمان تطهيراً من الشرك... والطاعة نظاماً للملّة والامامة لئلا

من الفرقة؛^۴ پس خداوند ایمان را به جهت پاک ساختن انسان‌ها از شرک و

۱. یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۵۸.

۳. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۳۰-۳۲.

۴. همو، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۴.

اطاعت از خدا، و پیامبر را به جهت نظام بخشیدن به امور مردم، و امامت و رهبری را به جهت جلوگیری از تفرقه واجب فرموده است.

۳. کلام امیرالمؤمنین در نهج البلاغه که فرمودند: فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك الى ان قال: والامامة نظاماً للامة؛^۱ «خداوند ایمان را به جهت پاک شدن از شرک و امامت را به جهت سامان دادن و نظام بخشیدن به امت واجب فرموده است».

همه این روایات نشان‌دهنده لزوم وجود حکومت، ولایت و زمامداری، برای جامعه است.

۴. سنت پیامبر اعظم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در تلاش برای ایجاد حکومت:

سنت و سیره پیامبر اکرم، خود، دلیلی است بر ضرورت تشکیل حکومت در جامعه؛ زیرا حضرت، خود، به تشکیل حکومت و اجرای قوانین در چهارچوب یک نظام سیاسی در جامعه، مبادرت کرده، و به قضاوت می‌پرداختند؛ و سفیرانی را اعزام، و جنگ را اداره و فرماندهی می‌کردند؛ و خلاصه، ضمن اجرای تمام احکام حکومتی، برای اداره جامعه، خلیفه و جانشینی را معین می‌فرمودند. سنت و رویه پیغمبر اکرم ﷺ، دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً خود، تشکیل حکومت دادند؛ و ثانیاً، به فرمان خدا، برای پس از خود نیز، حاکم تعیین کردند.^۲ سیره حضرت علی ﷺ هم، مؤید این معناست؛ زیرا ایشان نیز، پس از بیعت مردم، حکومت تشکیل دادند؛ و امام حسن ﷺ هم تا زمان انعقاد صلح با معاویه به مدت شش ماه، شیوه پند و جد مطهرش را ادامه دادند؛ از این رو، روند تشکیل حکومت در همه زمان‌ها، از جمله در زمان غیبت امام زمان ﷺ ضرورت دارد. خلاصه اینکه فلسفه تعیین خلیفه در اسلام، برای حکومت است، نه بیان احکام. به فرموده امام خمینی ﷺ «بیان احکام خلیفه نمی‌خواهد. خود آن حضرت (پیامبر) بیان احکام می‌کرد... ما خلیفه می‌خواهیم تا اجرای قوانین کند».^۳

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲، ص ۱۷۲.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۱۴.

ب) ادله عقلی

در باب تشکیل حکومت اسلامی، ادله عقلی متعددی بیان شده است که در اینجا به چند دلیل اشاره می‌کنیم:

۱. جلوگیری از هرج و مرج و تأمین امنیت مرزها:

یکی از نیازهای بشر، برقراری امنیت و نظم اجتماعی است. برقراری امنیت، نظم و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج در جامعه، جز با تشکیل حکومت ممکن نیست. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

با توجه به اینکه حفظ نظم جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است، و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خدا و خلق، امری نکوهیده و ناپسند است، و پرواضح است که حفظ نظام و سدّ طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقیق نمی‌پذیرد؛ لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند.^۱

همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «اینکه می‌گویند حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد... آنی که می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود، همه هم را بکشند، و همه به هم ظلم کنند».^۲ تأمین امنیت مرزها و حفظ استقلال جامعه، امر واجب است که تحقق آن، با ایجاد حکومت امکان‌پذیر است. از این رو، ایشان می‌فرمایند: «حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است. تحقق این امر جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست».^۳

۱. همو، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، ص ۲۳.

۲. همو، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

۳. همو، شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۳.

۲. لزوم نجات مردم مظلوم و رفع ستم:

خلوگیری از ظلم و ستم و دفاع از حق محرومان و مظلومان در جامعه به منزله یک امر عقلی و یک واجب شرعی، جز از طریق دستگاه حکومتی ممکن نیست.^۱ از این رو، امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «این وظیفه... همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند؛ و در این راه، که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند»^۲

۳. نیاز اجرای احکام اسلام به حکومت (ماهیت قوانین اسلام):

برخی از احکام به گونه‌ای هستند که تحقق آنها، فقط در یک نظام سیاسی و اداری کامل، ممکن است؛ و اساساً، این احکام برای ایجاد حکومت و اداره سیاسی جامعه وضع شده‌اند.^۳

بنابراین امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

اولاً، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، هرچه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است... ثانیاً، با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها، مستلزم تشکیل حکومت است؛ و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره، نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.^۴

احکام مالی نظیر خمس، زکات و جزیه، و احکام دفاع ملی و احکام حقوقی و جزایی،

چنین ماهیتی دارند؛

۱. یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۱۰۴.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۹.

۳. یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۱۰۴.

۴. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۱-۲۲.

۴. ضرورت دوام و استمرار اجرای احکام:

احکامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان کرده‌اند، احکامی ابدی بوده، منحصر به زمانِ شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله نیستند؛ و پس از رحلت آن حضرت نیز، کاربرد آنها برای جامعه الزامی است. بنابراین احکام اسلام محدود به زمان و مکان نبوده، تا ابد باقی و لازم‌الاجر هستند، و اجرای آنها نیازمند وجود یک نظام سیاسی است.^۱ امام خمینی ره می‌فرماید: «این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است، برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین چون اجرای احکام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، ضرورت می‌یابد».^۲ ایشان، در خصوص محدود نبودن اسلام به زمان و مکان خاص می‌فرماید:

از غیبت صغرا تا کنون که بیش از هزار سال می‌گذرد، و ممکن است هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد. در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟... آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دو بیست سال؟ و پس از غیبت صغرا، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟^۳

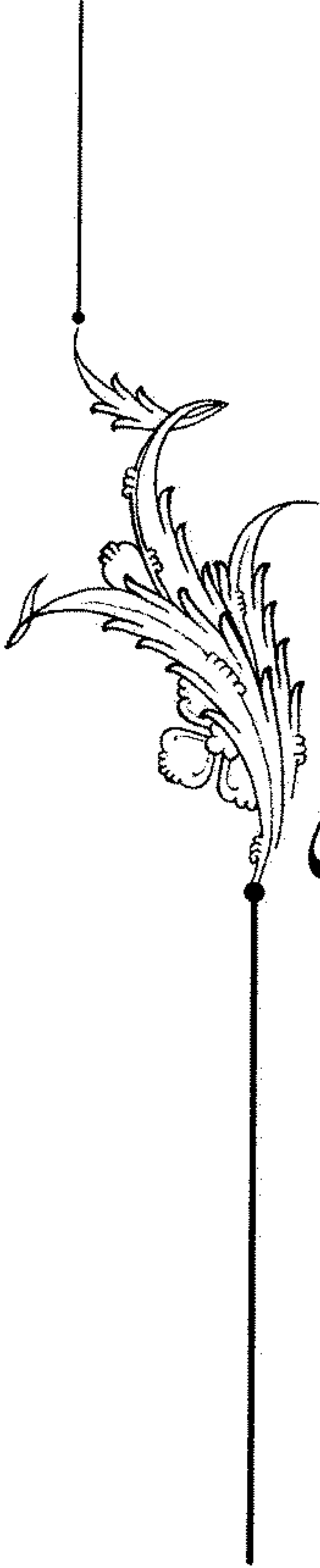
قطعاً این طور نیست و قوانین اسلام تا ابد برای انسان‌ها وضع شده است. بنابراین یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار، پویایی اجتماعی است که در ایران معاصر، خود را با دو چهره، نشان داده است؛ ظلم‌ستیزی، و لزوم تشکیل حکومت اسلامی.

۱. همان، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۱۸-۱۹.

۳. همان، ص ۱۹.

فصل سوم



انجام بخشی و ہم بستگی اجتماعی

تعریف هم‌بستگی اجتماعی

هم‌بستگی اجتماعی در زبان لاتین معادل (Social Solidarity) به کار رفته است.^۱ برای هم‌بستگی اجتماعی تعاریف متعددی ذکر شده است؛ از جمله: «احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین، هم‌بستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان باشد... به زبان جامعه‌شناسی، هم‌بستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن، در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر».^۲

همچنین، تعریف دیگر هم‌بستگی اجتماعی که به فواید آن هم اشاره کرده، عبارت است از وحدت و اشتراک در ارزش‌ها، افکار، احساسات و رفتارها. در شرایط وفاقی وجود هم‌بستگی اجتماعی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، یک حس همانندی و قرابت وجود دارد؛ و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌های مشترک، آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد... در این حالت، حس وظیفه‌شناسی و مسئولیت متقابل در برابر اعضا،

۱. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۴۰۰.

۲. همان.

از یک سو، و تطابق و هم‌نوایی با عناصر وحدت‌بخش گروهی، از سویی دیگر، افزایش می‌یابد.^۱

هم‌بستگی اجتماعی با واژه‌هایی همچون، یک‌پارچگی اجتماعی (Social Integration)، وحدت (Unity)، وفاق اجتماعی (Social Attunment) و نظم اجتماعی (Social Order) از یک خانواده‌اند؛ اما، با وجود این، هر یک دارای حوزه معنایی خاص، و به لحاظ منطقی، با یکدیگر مرتبط‌اند.

هر کدام از وفاق، هم‌بستگی، انسجام، نظم و نظام اجتماعی، زیرمفهوم از مفهوم بعدی هستند. به این صورت که وفاق اجتماعی، خود، زیرمفهوم هم‌بستگی اجتماعی یا هم‌بستگی اجتماعی، زیرمجموعه مفهوم انسجام اجتماعی است؛ و انسجام اجتماعی نیز، به نوبه خود، زیرمفهوم نظم اجتماعی است. همه این مفاهیم، از یک خانواده هستند؛ و با هم ارتباط دارند.^۲

ما در این فصل، هم‌بستگی اجتماعی و انسجام‌بخشی را یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار امام زمان دانسته، این دو مفهوم را به یک معنا به کار می‌بریم. از این رو، هر کجا بحث از انسجام‌بخشی و هم‌بستگی اجتماعی شد، این دو واژه، به یک معنا تلقی شده‌اند.

دین و هم‌بستگی اجتماعی

جامعه‌شناسان بر این باورند که یکی از قوی‌ترین عوامل برقراری هم‌بستگی اجتماعی، دین و باورهای دینی است. دین، همان اصل وحدت‌بخش و زمینه مشترکی را پدید می‌آورد که اگر نبود، اختلاف‌های فردی، جامعه را از هم می‌گسیخت. دین به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا بر تمایلات خودخواهانه خود فائق آمده، به خاطر عشق به هم‌نوعان، فراتر از این

۱. عماد افروغ، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، ص ۳۳.

۲. «میزگرد وفاق اجتماعی و هم‌بستگی ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، ش ۱، ص ۲۰.

خودخواهی‌ها عمل کنند. دین همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌دهد. دین سنگ بنای سامان اجتماعی است؛ و برای شروع فرمان‌های حکومت، اجتناب‌ناپذیر است. هیچ قدرت دنیوی‌ای نمی‌تواند بدون پشتیبانی یک قدرت معنوی تداوم داشته باشد. هر حکومتی برای تقدیس و تنظیم رابطه فرماندهی و فرمان‌بری به یک دین نیاز دارد.^۱ از این رو، یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی دین، وحدت و حس هم‌گرایی، و رفع تفرقه و جدایی است.

ادیان الهی در ذات و ماهیت، تعالی بخش و وحدت‌آفرین‌اند؛ و در صورتی که به درستی فهمیده شده، به صواب استفاده شوند، اثری جز وفاق و همدلی و نیک‌خواهی و نوع‌خواهی نخواهند داشت.^۲

بنابراین وجود دین، یکی از عوامل تقویت هم‌بستگی در جوامع است که مجموعه اعتقادات، مناسک و رفتارهاست. از این رو، دین چنان مکانیسمی را در جامعه می‌آفریند که موضوعات تفرقه‌افکن را خنثی، و جامعه را به یک امت واحد تبدیل می‌کند. اصلی‌ترین کارکرد نهاد دین که معطوف به رفتارهای معنادار و نمادین مذهبی افراد، گروه‌ها و اقشار مختلف است، ایجاد وحدت و هم‌بستگی در پیروان و معتقدان است. امیل دورکیم در تعریف خود از دین، به نقش آن در ایجاد هم‌بستگی گروهی اشاره می‌کند. وی دین را نظام یک پارچه‌ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می‌داند که تمام پیروان پابند به عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی واحد هماهنگ و متحد می‌سازد.^۳

استتلی اتیزن، پس از آنکه وحدت را یکی از کارکردهای دین دانست، درباره مکانیسم و راه رسیدن به این هم‌بستگی چنین می‌گوید: «در واقع، مؤمنان از طریق تعقیب ارزش‌های

۱. لوئیس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۳۴.

۲. سید محسن صالحی، «نگرش آسیب‌شناختی بر رابطه باورها و رفتارهای دینی و وفاق اجتماعی»، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، ص ۲۸۵.

۳. عماد افروغ، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، ص ۳۷.

مشترک، اجتناب از گناهان، پیروی از عقاید دینی و پاس‌داری از شعایر و نمادهای دینی، متحد و منسجم می‌شوند. به تعبیر درس‌لر، نهاد دین، پیوند، انسجام و هم‌بستگی گروهی را تحکیم می‌کند؛ و احساسی از تعلق و یکی بودن با دیگران را به وجود می‌آورد.^۱

کارکرد گرایان هم، به همدلی و یک‌پارچگی که از آثار دین است، اشاره دارند. کارکرد گرایان، در حفظ، یک‌پارچگی و بقای نظام اجتماعی، نقش مهمی برای مذهب قایل‌اند. به عقیده آنها، مذهب، گرچه سهم آشکاری در رفاه مادی مردم ندارد، در جامعه نقش قاطعی دارد. در واقع، نقش مذهب، بیشتر یک نقش وحدت‌بخش است؛ نقش مرکزی مذهب از نظر اجتماعی، حفظ یک‌پارچگی جامعه و دمیدن ارزش‌های اساسی در زندگی اجتماعی و مشروعیت بخشیدن به این ارزش‌ها و تحکیم آنها است.^۲

دورکیم دین را نظام یک‌پارچه‌ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می‌داند که تمام پیروان پایبند به آن عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی واحد، هماهنگ و متحد می‌سازد. بنابراین دین به منزله مجموعه ارزش‌ها، هنجارها و باورها، نقش مهمی در هم‌بستگی اجتماعی دارد.

عوامل هم‌بستگی از نظر دانشمندان مسلمان

الف) فارابی

فارابی در کتاب *فصول منترعه*، محبت را عامل ایجادکننده هم‌بستگی، و عدالت را عامل ثبات و پایداری آن می‌داند.^۳

در مدینه فاضله، محبت در درجه اول، با اشتراک در فضیلت حاصل می‌شود؛ و اشتراک در

۱. همان.

۲. پیتر ورسلی، *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه سعید معین‌فر، ص ۶۲.

۳. ابونصر فارابی، *فصول منترعه*، ص ۷۰.

فضیلت، نتیجه عقاید و اعمال مشترک است؛ اما عقاید مشترک که سزاوار است اهل مدینه در آن اشتراک داشته باشند، دارای سه بخش است که عبارت‌اند از: اشتراک در مبدأ، اشتراک در انتها، و اشتراک عقیده، بین مبدأ و انتها. اشتراک عقیده در مبدأ، اشتراک در امر باری تعالی است و اشتراک عقیده در انتها، اتفاق نظر درباره سعادتمندی انسان است؛ و اشتراک عقیده بین مبدأ و انتها، اشتراک عقیده، درباره افعالی است که با آنها، انسان به سعادت می‌رسد.^۱

فارابی منشأ محبت را در سه چیز می‌داند که عبارت‌اند از: اشتراک در فضیلت؛ دستیابی به منفعت؛ و دستیابی به لذت.

چون اهالی مدینه فاضله، دارای اندیشه‌ها و عقاید مشترکی در زمینه مبدأ و انتها و رابطه بین این دو بوده، در پی کسب سعادت‌اند، این، خود، محبت را به دنبال دارد. و چون در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند؛ و به یکدیگر نفع می‌رسانند؛ و امورات یکدیگر را رفع می‌کنند، دستیابی به منفعت هم، محقق می‌شود. (و محبت ناشی از منفعت، به دست می‌آید)؛ و اینان، چون به دنبال اشتراک در فضیلت و بذل نفع به یکدیگر هستند، طبعاً از یکدیگر لذت هم می‌برند. از این رو، دستیابی به لذت هم، که یکی دیگر از سرچشمه‌های محبت است، محقق می‌شود. همه چیز در محبت خلاصه می‌شود و محبت عامل هم‌بستگی است. منتهی با سه مکانیسم و راه‌حل که عبارت‌اند از: اشتراک در فضیلت، دستیابی به منفعت و دستیابی به لذت. بنابراین فارابی محبت را عامل هم‌بستگی اجتماعی می‌داند؛ محبتی که در سایه اعتقاد به مبدأ و معاد و سعادت انسان محقق می‌شود.

ب) خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی، همانند فارابی، عنصر اصلی در ایجاد هم‌بستگی اجتماعی را محبت می‌داند. او در کتاب اخلاق ناصری می‌گوید:

۱. عبدالرسول یعقوبی، عوامل هم‌بستگی و گسستگی ایرانیان، ص ۴۱.

چون مردم به یکدیگر محتاج‌اند؛ و کمال و تمام هر یک به نزدیک اشخاص دیگر است از نوع او، و ضرورت مستدعی استعانت، چه هیچ شخص به انفراد به کمال نمی‌تواند رسید... پس احتیاج به تألیفی که همه اشخاص را در معاونت به منزلت اعضای یک شخص گرداند ضروری باشد؛ و چون ایشان را بالطبع متوجه کمال آفریده‌اند، پس بالطبع مشتاق آن تآلف باشند، و اشتیاق به تآلف محبت بود.^۱

خواجه نصیر معتقد است محبت موجب به وجود آمدن اجتماعی طبیعی و برخوردار از وابستگی‌های عاطفی، و از اصلی‌ترین عناصر شاخصه‌های مهم ایجاد هم‌بستگی اجتماعی است، در حالی که، عدالت، موجب به وجود آمدن اجتماعی صناعتی بوده، آن را از وابستگی‌های عاطفی محروم می‌سازد؛ و به جامعه‌ای غیر طبیعی تبدیل می‌کند.^۲

ج) آیت‌الله مصباح یزدی

ایشان عواملی را که موجب هم‌بستگی اجتماعی می‌شوند، به عوامل طبیعی، عقلانی و عاطفی، تقسیم می‌کنند. عامل طبیعی، همان غریزه جنسی است که باعث نزدیک شدن دو انسان می‌شود. از این رو، غریزه جنسی زمینه‌ساز اجتماعات کوچک است. عامل عاطفی در میان اعضای یک خانواده تجلی کرده، سبب ارتباط افراد با یکدیگر شده، از دوری و تفرقه جلوگیری می‌کند. عامل عقلانی، انسان را به اندیشه و تفکر وامی‌دارد تا برای تأمین مصالح مادی و معنوی خود، نیاز به انسان‌های دیگر را حس کند. به همین دلیل، با انسان‌های دیگر ارتباط برقرار کرده، عامل هم‌بستگی میان افراد جامعه می‌شود.^۳ ایشان پس از بررسی این عامل،

۱. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن ۷ (اخلاق در قرآن)، ج ۳، ص ۹۳.

نظر اسلام را درباره هم بستگی اجتماعی چنین بیان می کنند: «اسلام در پی آن است که انسان‌ها، بر اساس تأمین مصالح مادی و معنوی شان باهم متحد شوند؛ و جامعه واحدی را تشکیل دهند؛ اما، در عین حال، بر محور معنوی، بیش از محورهای مادی توجه می کند. اسلام تلاش دارد تا همه انسان‌ها بر محور دین حق که عامل تأمین مصالح معنوی انسان است، متحد شوند.»^۱

آیه‌ای که بر عامل دین در تقویت و ایجاد هم بستگی اجتماعی دلالت دارد، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است که می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...؛ «همگی رشته دین خدا را محکم بگیرید؛ و پراکنده مشوید، و نعمت خدا را به یاد آورید که دشمن هم بودید و خدا میان دل‌هایتان مودت برقرار کرد و در سایه لطف و نعمت الهی، با هم برادر شدید.»

از این رو، دین، عامل هم بستگی اجتماعی است و انسان‌ها در سایه آن با هم متحد و یک پارچه می شوند. بنابراین یکی از کارکردهای اجتماعی دین، ایجاد هم بستگی و انسجام اجتماعی است. از این رو، آقای مصباح، اعتقاد به خداوند و عمل به دستورها و قوانین دینی را عامل هم بستگی اجتماعی می داند.

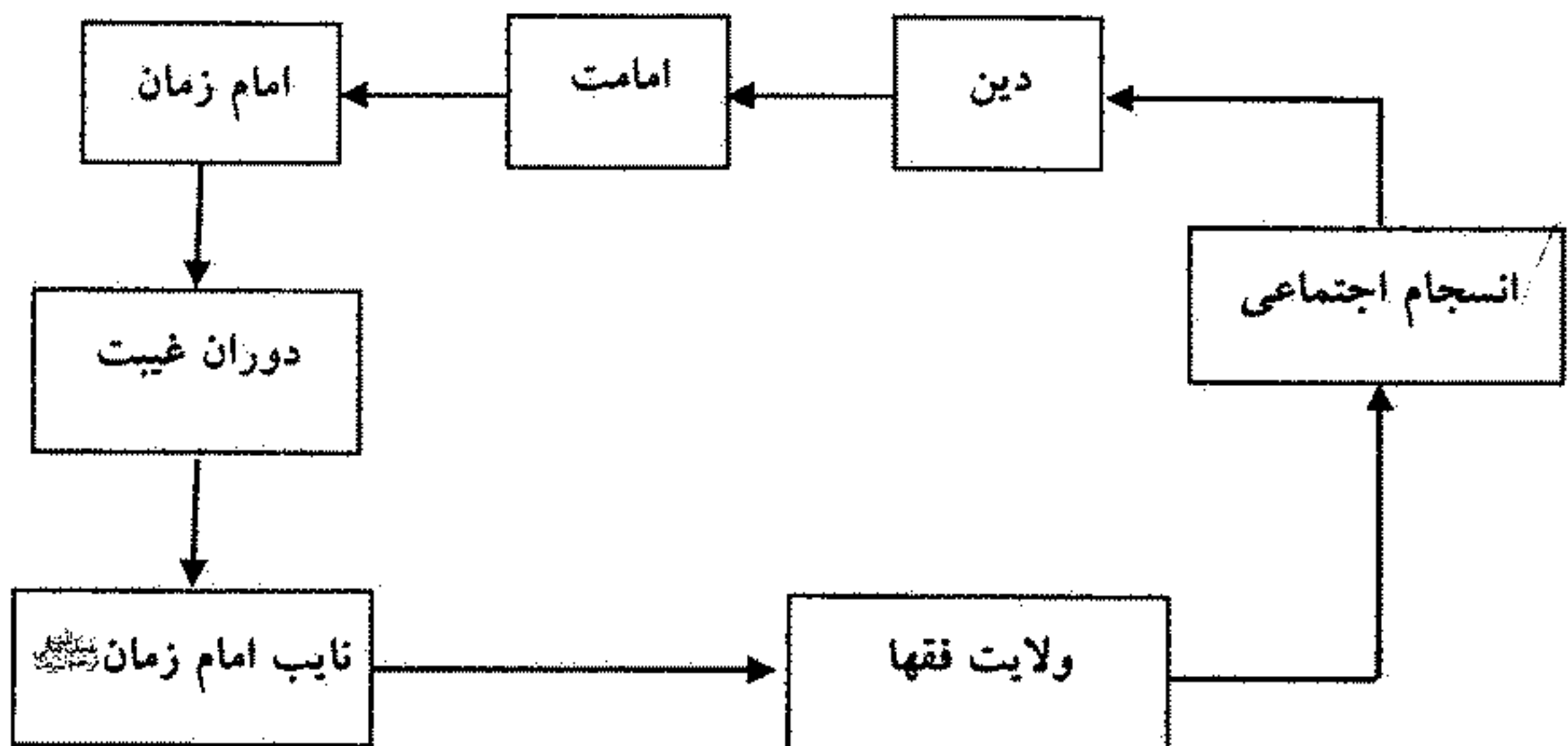
پس، هر سه نظریه، به گونه‌ای، اعتقادات و ارزش‌های دینی را عامل هم بستگی می داند. فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی، محبت را عامل هم بستگی می دانند که در سایه اعتقادات دینی و اشتراک در فضیلت رخ می دهد؛ و آقای مصباح، محوریت دین را عامل هم بستگی می داند. با وجود این، از کارکردهای اجتماعی دین می توان یک پارچگی، هم بستگی و انسجام بخشی را نام برد.

دین اسلام هم، از مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها و مناسک تشکیل شده است. این اجزاء، یعنی مناسک و ارزش‌ها، هر کدام به تنهایی، عامل هم بستگی و انسجام بخشی هستند.

یکی از اعتقادات شیعه، امامت است. امام معصوم، عامل وحدت بخش جامعه است؛ و از آنجا که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می‌بریم، وجود نایبان امام زمان علیه السلام، یعنی فقهای جامع‌الشرایط، علی‌الخصوص، ولایت فقیه، عاملی برای انسجام اجتماعی است. پس، همان‌طور که ولی و امام معصوم علیه السلام عامل هم‌بستگی می‌شوند، نایب امام علیه السلام، هم که در ولایت فقها تجلی یافته، عاملی در انسجام اجتماعی شمرده می‌شود. از پیامدهای انتظار امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، ارائه نظریه ولایت فقیهان است که بر اساس آن زمام امور جامعه به دست فقیه و نایب امام زمان علیه السلام است که مکانیسمی برای ایجاد و تقویت هم‌بستگی اجتماعی است؛ و از آنجا که امامت و رهبری جزئی از دین مقدس اسلام است، و یکی از کارکردهای اجتماعی دین، هم‌بستگی اجتماعی است، بنابراین رهبری هم، چنین کارکردی دارد.

از این رو، امام معصوم علیه السلام در جامعه، عامل انسجام و یک‌پارچگی امت شمرده می‌شود. در زمان غیبت که دست مردم از دامان پرمهر امام زمان علیه السلام کوتاه شده است، رهبری و ولایت به دست فقیه جامع‌الشرایط است، و ولایت فقیهان و رهبری فقیه جامع‌الشرایط، کارکرد هم‌بستگی اجتماعی را ایفا می‌کند. بنابراین وجود فقیه و نایب امام زمان علیه السلام - همان‌طور که وجود خود امام معصوم علیه السلام عامل انسجام است - عامل انسجام و هم‌بستگی است.

در زمان نهضت تنباکو، میرزای شیرازی، مرجع جهان تشیع، عامل انسجام بود؛ و در زمان‌های بعدی هم، فقهای تراز اول، عامل انسجام بودند؛ و از سال ۴۲ به بعد هم، وجود رهبری هشیار و باتدبیر، مثل امام خمینی، عامل انسجام اجتماعی شده بود که با تشریح ولایت فقیه، برگرفته از روایات و دین اسلام، به صحنه سیاست آمد؛ و انقلاب را رهبری کرد؛ و سرانجام به پیروزی رساند. همه اینها مرهون وجود ولایت فقها، در عصر غیبت کبراست. بنابراین یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار، هم‌بستگی اجتماعی است که در پرتو ولایت فقها، محقق و میسر می‌شود.



آثار و پیامدهای همبستگی در جامعه

همبستگی اجتماعی، جامعه را به یک امت واحد تبدیل می‌کند؛ و افراد جامعه به رغم علایق و سلیقه‌های مختلف، به یکدیگر نزدیک می‌شوند. از آنجا که رهبری و ولایت فقها، از عوامل همبستگی اجتماعی و انسجام بخشی است، با توجه به پیامدهای ولایت فقها، به آثار انسجام و همبستگی در جامعه اشاره می‌کنیم.

پیامدها و آثار همبستگی اجتماعی

۱. کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی

هرچه انسجام و یکپارچگی بین آحاد مردم در جامعه، بیشتر باشد، آن نظام نیز، دارای ثبات و کارآمدی بیشتری خواهد بود. بنابراین هرچه همبستگی و انسجام بین مردم، احزاب، گروه‌ها و بین قوای سه گانه، بیشتر باشد، نظام و حکومت پایدارتر بوده، ثبات و کارآمدی آن افزایش می‌یابد؛ و در صورت فقدان این امر، جامعه دچار بی‌ثباتی و سستی درونی می‌شود.

۲. تعاون و همکاری

در سایه هم‌بستگی و هم‌گرایی بین افراد جامعه، روحیه تعاون و همکاری در جامعه، به وجود خواهد آمد. از این رو، حاصل انسجام بین افراد، تقویت روحیه تعاون و همکاری در جامعه بوده، در پرتو این همکاری، جامعه هرچه زودتر به اهداف عالی خود دست خواهد یافت.

۳. دشمن‌ستیزی

جامعه‌ای که انسجام بالایی دارد، دیگر دشمن جرئت تجاوز و تهدید به خود نخواهد داد؛ و در صورت تجاوز دشمن هم، جامعه، بی‌درنگ، عکس‌العمل نشان داده، دشمن را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد؛ زیرا دشمن در جامعه‌ای نفوذ می‌کند که روزنه‌های نفاق و تفرقه را در آن جامعه مشاهده کند، اما در یک جامعه یک‌پارچه و منسجم، مسیر و راهی برای نفوذ دشمن وجود نخواهد داشت.

۴. استقلال و عزت کشور

راهکار اصلی تضمین استقلال و عزت کشور، هم‌بستگی بین افراد جامعه است. جامعه‌ای که یک‌پارچه شد، مثل امت واحد است که همه در راه عزت و آبادانی این امت واحد در تلاش‌اند؛ و در یک مسیر و به سوی یک هدف که آن عزت و استقلال کشور است، در حرکت‌اند.

وجود رهبری و ولی فقیه در رأس هرم یک جامعه، افزون بر رهبری دینی جامعه، رهبری سیاسی آن جامعه را هم، برعهده دارد. از این رو، آثار و پیامدهای هم‌بستگی اجتماعی در جامعه شامل ولی فقیه هم می‌شود.

با وجود ولی فقیه و رهبری، جامعه استحکام و ثبات بیشتری داشته، ضمن افزایش همکاری و هماهنگی، بین قوای سه‌گانه کشور، آنها برای اعتلای جامعه اسلامی به حرکت

خود ادامه خواهند داد؛ و دشمن هم جرئت تجاوز و تعدی به این کشور را نخواهد داشت. بنابراین وجود ولی فقیه در جامعه، هم باعث تثبیت نظام اسلامی و ایجاد همکاری و تقویت روحیه تعاون و دشمن ستیزی، و هم باعث استقلال و عزت کشور می‌شود.

ابعاد هم‌بستگی انتظار امام زمان علیه السلام

گلاک و استارک ابعاد مختلفی را ذکر می‌کنند که بین ادیان مشترک‌اند. این ابعاد عبارت‌اند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و فکری. بُعد اعتقادی، همان ایده‌ها و نگرش‌ها و اعتقاداتی است که انتظار می‌رود، پیروان یک دین به آن ملتزم و معتقد باشند؛ مثل اعتقاد به خدا، دوزخ و... بُعد مناسکی، بُعدی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین آنها را انجام دهند؛ مثل نماز، روزه و... بُعد عاطفی، ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پیروان یک دین با وجودی ربوبی، همچون خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی است. بُعد فکری، مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های بنیادی در مورد هر دین است. بُعد پیامدی ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزانه است.^۱ اُدی^۲ هم شش کارکرد برای دین ذکر می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. دین برای انسان حمایت و تسلی به بار می‌آورد و از این طریق ارزش‌ها و هدف‌های تثبیت‌شده را پشتیبانی می‌کند؛ ۲. دین از طریق آیین‌ها و مراسم، امنیت عاطفی، هویت و نقطه اتکای ثابتی در بحبوحه ناسازگاری‌های آرا و عقاید، برای انسان به بار می‌آورد... این کارکرد دین به نظم اجتماعی، استواری می‌بخشد؛ و غالباً به حفظ وضع موجود کمک می‌کند.^۳ بنابراین دین در دو بُعد، عامل انسجام و هم‌بستگی می‌شود؛ یکی بُعد اعتقادی و دیگری

۱. محمود کتابی و دیگران، «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه اصفهان، علوم انسانی، ج ۱۷، سال ۱۳۸۳، ش ۲، ص ۱۷۷.

2. O'Dea.

۳. ملکم هیلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۲۱۰.

بُعد مناسکی. همان طور که دین در بُعد اعتقادی عامل هم‌بستگی اجتماعی است، در بُعد انجام مناسک و رفتارهای دینی هم، عامل انسجام و هم‌بستگی است. دور کیم معتقد است «از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود؛ و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند».^۱

رد کلیف براون، گرچه، باورداشت‌های مذهبی را خطا و توهم می‌داند، کارکرد ثبات و بقای جامعه را برای آنان قایل است.^۲

انتظار امام زمان علیه السلام هم، در دو بُعد، کارکرد هم‌بستگی و انسجام‌بخشی را ایفا می‌کند؛ یکی بُعد اعتقادی و دیگری، بُعد مناسکی. در بُعد اعتقادی، ولایت فقها و نواب عام امام زمان علیه السلام خود، عامل هم‌بستگی اجتماعی است؛ در دوران غیبت، وجود ولی فقیه در رأس هرم یک جامعه، عامل انسجام اجتماعی است. بُعد مناسکی انتظار که عامل هم‌بستگی می‌شود، وجود مسجد مقدس جمکران و انجام اعمال مسجد و مساجد منتسب دیگر، و شرکت در دعا‌های ندبه، عهد و آل‌یس، هم‌بستگی اجتماعی منتظران واقعی را تقویت کرده، باعث انسجام جامعه منتظر می‌شود.

پس بحث هم‌بستگی و انسجام را، ما در دو حوزه اعتقادی (ولایت فقها) و مناسکی (خواندن ادعیه و رفتن به مکان‌های منسوب به حضرت) دنبال می‌کنیم. این دو حوزه عاملی در تقویت هم‌بستگی اجتماعی جامعه منتظر هستند.

ولایت فقها (نواب عام) و هم‌بستگی اجتماعی در زمان انتظار

در عصر غیبت که شیعیان در انتظار حضرت مهدی علیه السلام به سر می‌برند، نواب امام زمان علیه السلام

۱. همان، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۹۸.

همان راهی را می‌پیمایند که امام زمان علیه السلام خواهد پیمود؛ و زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌شود.

بنابراین در سایه انتظار است که نواب عام امام زمان علیه السلام که همان فقها هستند، مطرح، و اطاعت از نایب عام امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، واجب می‌شود.

۱. تداوم رهبری در عصر غیبت، برای رسیدن به ظهور امام زمان علیه السلام

پس از دوران غیبت صغرا و آغاز غیبت کبرا، نیابت عامه فقها و زعامت فقهای عادل و رهبری آنان آغاز شد. نیابت و زعامت فقها از ناحیه مقدس خود امام زمان علیه السلام به ما رسیده است. چنانچه حضرت فرمودند: *وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم وانا حجة الله*.^۱

این روایت بر رجوع به نایبان امام زمان علیه السلام دلالت تام دارد؛ و منظور از آن، این است که تمام فقهای، که امام به منزله حجت بر مردمان تعیین کرده‌اند، واجد تمام اختیاراتی هستند که امام زمان به منزله حجت خداوند بر مردمان، دارای آن اختیارات است.^۲

از این رو، فقها نایبان عام امام زمان علیه السلام شمرده می‌شوند؛ اما هر فقیهی شرایط زعامت و رهبری را ندارد، بلکه منظور فقیهی است که حافظ دین، مخالف هوای نفس و مطیع امر خداوند باشد. چنانچه در حدیثی از امام صادق علیه السلام بیان شده است که ... *فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً على هواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام أن يقلدوه*.^۳

۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲. امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، ص ۴۶.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵.

بنابراین با مطرح شدن نیابت، امامت و رهبری در عصر غیبت هم ادامه یافته، رشته دینی مردم از هم گسسته نمی‌شود.^۱ به همین دلیل، در هر عصری از دوران غیبت، زعامت و رهبری جامعه بر عهده فقیه عادل و جامع‌الشرایط است.

عالم دینی که نایب امام است، در همه ابعاد (ولایت ظاهری) یعنی ابعاد تربیتی، سیاسی، فردی و اجتماعی، نیابت دارد. از این رو، عمل فقیه هم، باید مانند عمل امامان باشد. همان‌طور که امام در رأس هرم جامعه قرار داشته، از همه نظر به حفظ شیعه و دین می‌پرداخته است، نایب امام هم، همین وظایف را داراست.^۲

در روایت دیگری آمده که عمر بن حنظله از امام صادق ع، درباره مراجعه به سلاطین یا قضات جور می‌پرسد که امام، به شدت از آن منع کرده، مراجعه به آنان را مراجعه به طاغوت دانستند؛ و فرمودند:

ينظران من كان منكم ممن قد روى حديثنا ونظر في حلالنا وحرامنا... فاني قد جعلته عليكم حاكماً...^۳ «بنگرید! هر کس از شما که راوی حدیث ما باشد؛ و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد؛ و احکام ما را بشناسد، او را به عنوان داور پذیرید. همانا من او را بر شما حاکم قرار دادم. پس هرگاه به حکم ما حکمی کرد و از او قبول نکردند، حکم خدا را سبک شمرده‌اند؛ و خدا را رد کرده‌اند و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده است؛ و رد کردن خدا در حد شرک به خدای متعال است.»

این روایت با صراحت رهبری و زعامت دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه را به فقیه جامع‌الشرایطی که به مسائل دینی و حلال و حرام آگاهی کامل دارد، می‌سپارد. از این رو،

۱. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۳۰.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۹۹.

تغییر قد جعلته علیکم حاکماً آمده است؛ یعنی این فرد را امام معصوم علیه السلام نصب کرده و مشروعیت او از طرف معصوم است؛ بنابراین تائب امام شمرده می‌شود.

حامد الگار نقش علما را چنین بیان می‌کند:

... میان رابطه علما با امام زمان علیه السلام و رابطه امامان با خدا، می‌توان مقایسه‌ای انجام داد. علما به مفهوم محدود کلمه، بین امت و امامان نقش واسطه را داشتند، ضمناً از قدرت امامان نیز، بویی برده بودند، به این معنی که آنان حجج امامان بودند... وجه تشابه علما با امامان، تقریباً در مرجع زنده بودن آنها و رهبری امت شیعه است.^۱

۲. وظیفه علمای شیعه در عصر غیبت تا ظهور

در اینجا به ذکر چند روایت در این زمینه می‌پردازیم تا وظایف علما در دوره غیبت از زبان اهل بیت علیهم السلام، روشن شود:

۱. از امام هادی علیه السلام روایتی نقل شده است که وظیفه علمای شیعه را در زمان غیبت

این گونه تصویر می‌کند:

لولا من یبقی بعد غیبتہ قائمکم علیهم السلام من العلماء الداعین الیه والدالین علیہ
والذابین عن دینہ...؛^۲ «اگر بعد از غیبت قائم شما، نبودند علمایی که مردم را
به سوی او می‌خوانند، و به سوی او راهنمایی می‌کنند و با برهان‌های الهی از
دین او پاسداری می‌کنند؛ و بندگان بیچاره خدا را از دام‌های ابلیس و
پیروان او و همچنین از دام‌های دشمنان اهل بیت علیهم السلام رهایی می‌بخشند،
هیچ کس، بر دین خدا باقی نمی‌ماند؛ اما علمای دین، دل‌های متزلزل شیعیان

۱. حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری، ص ۱۱.

۲. ابی‌منصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج، تعلیقات و ملاحظات سید محمد باقر الخراسان، ج ۱، ص ۹.

ناتوان را حفظ می‌کنند، همچنان که کشتیان، سکان کشتی را حفظ می‌کند. این دسته از علما در نزد خداوند دارای مقام و فضیلت بسیاری هستند.»

۲. امام صادق عج می‌فرمایند:

علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعوه من الخروج...؛^۱ «علمای شیعه در مرزهایی که شیطان و ایادی او در پشت آنها کمین کرده‌اند، پاسداری داده و آنها را از اینکه بر شیعیان ناتوان هجوم برند، باز می‌دارند؛ و اجازه نمی‌دهند که شیطان و پیروان او و دشمنان اهل بیت عج بر ضعفای شیعه تسلط یابند. پس هر کس از شیعیان ما که برای این موضوع نصب شود، از کسانی که با روم و ترک و خزر در جهادند، هزار هزار مرتبه برتر است؛ زیرا او از ادیان شیعیان و دوستاناران ما دفاع می‌کند، ولی آنها از بدن‌های آنها.»

۳. حضرت جواد عج در روایتی وظایف علمای شیعه را چنین بیان می‌کنند:

مَنْ تَكْفَلْ بِآيَاتِمَا آلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَقَطِّعِينَ عَنْ إِمَامِهِمُ الْمُتَحِيرِينَ فِي جَهْلِهِمْ...؛^۲ «کسی که سرپرستی شیعیان آل محمد عج را که از امام خود دور افتاده، در نادانی خویش سرگردان مانده و در دستان شیاطین و دشمنان اهل بیت عج گرفتار آمده‌اند، به عهده گیرد؛ و آنها را از چنگال دشمنان رهایی بخشد؛ و از حیرت و جهالت خارج سازد؛ و وسوسه‌های شیاطین را از آنها دور کند، و با دلایل پروردگارشان و برهان‌های امامانشان دشمنان اهل بیت عج را مقهور سازد، تا عهد خدا بر بندگانش را به بهترین شکل، حفظ نماید، در نزد خداوند، بر عابدی که در بهترین مواقع به عبادت پرداخته، برتری دارد، بیشتر از آنچه آسمان بر زمین و

۱. همان، ص ۸.

۲. همان، ص ۹.

عرش و کرسی و حجاب‌ها بر آسمان برتری دارند. برتری او بر چنین عابدی مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچک‌ترین ستاره آسمانی است.»

با بیان این سه روایت روشن می‌شود که علما در زمان غیبت، نایبان امام‌اند؛ و وظیفه حفظ دین، تشیع و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده دارند.

بنابراین علما به‌منزله نایبان امام زمان علیه السلام عامل هم‌بستگی و انسجام در جامعه هستند؛ و در طول تاریخ این نقش، را به‌خوبی ایفا کرده‌اند، از میرزای شیرازی و فتوای تحریم تنباکو که باعث هم‌بستگی اجتماعی علیه دولت وقت و استعمار انگلیس شد، تا عملکرد شیخ فضل‌الله نوری و علمای دیگر در عدالت‌خواهی و قانون‌گرایی، و سپس انقلاب اسلامی، به رهبری و زعامت امام خمینی علیه السلام که علیه استبداد قیام کرد؛ و عامل انسجام در جامعه شد، همه، مرهون ولایت فقها بر جامعه‌اند. بنابراین نایبان امام زمان علیه السلام و ولایت فقیه، نقش بسزایی در تحکیم و هم‌بستگی اجتماعی دارند؛ و این، بدین خاطر است که اینان نایبان امام زمان علیه السلام بوده، در زمان غیبت کبرا رهبری و زعامت جامعه بر عهده نایب امام زمان علیه السلام است. بنابراین ولایت فقیه، عامل هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در جامعه است؛

۳. ولایت فقها در عصر صفوی

از آنجا که شیعیان، معتقد به امام دوازدهم علیه السلام و در انتظار ایشان به سر می‌برند و این اعتقاد در بین شیعیان و منتظران حقیقی، سبب انسجام و هم‌بستگی اجتماعی می‌شود، از این روی، یکی از پایه‌های استوار قدرت شاهان صفوی این بود که ادعا می‌کردند، نماینده حضرت مهدی علیه السلام بر روی زمین هستند.

راجر سیوری در کتاب خود می‌گوید:

شاه در رأس کل ساختار اجرایی قرار داشت و از جنبه نظری، قدرت مطلق به‌شمار می‌آمد. او تجلی زنده الوهیت بود و سایه خدا بر زمین. از آنجا که

فرمانروا منصوب مستقیم خدا تلقی می‌شد، زیر دستانش ملزم به اطاعت از دستورات او، خواه عادلانه یا غیر عادلانه بودند. به‌عنوان نماینده مهدی علیه السلام، شاه صفوی از سایرین به سرچشمه حقیقت مطلق نزدیک‌تر بود؛ و در نتیجه، نافرمانی زیر دستانش گناه محسوب می‌شد.^۱

مشخصه اصلی حکومت صفویه، این بود که مذهب شیعه را رسمی نمود و بر این اساس که مردم، شیعه اثنی‌عشری و معتقد به امام زمان علیه السلام بودند و شاه نیز، خود را نماینده حضرت مهدی علیه السلام می‌دانست، یک انسجام و هم‌بستگی در دوران صفویه به وجود آمد. افزون بر آن، به دلیل آشنا نبودن مردم به مسائل دینی از یک طرف، و رسمی شدن شیعه از طرف دیگر، شاه، عالمان شیعه را جذب دربار کرد.

مؤلف احسن التواریخ می‌گوید: «در آن دوران مردم از مسائل مذهب حق جعفری و قواعد و قوانین ملت ائمه اثنی‌عشری اطلاعی نداشتند؛ زیرا از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود. برای برطرف کردن چنین نیازمندی به دو چیز احتیاج بود، نخست کتاب‌های فقهی و دیگری عالمان و فقیهان شیعه.»^۲ به همین منظور، انتشار کتاب قواعد علامه حلّی، برای تعلیم و تعلم مسائل دینی و مهاجرت علمای جبل عامل، از جمله، محقق کرکی، شیخ بهایی و مرحوم مجلسی به ایران و به دست آوردن مقام شیخ الاسلامی یا مقام صدر، این دو نیاز را برطرف کرده، به گسترش شیعه منجر شد.

عقیده شیعه درباره مشروعیت حکومت فقها، به منزله نمایندگان عام امام زمان علیه السلام و اعتراف نسبی شاهان صفوی به این موضوع، نفوذ فقها را به بالاترین درجه رساند؛ و باعث گسترش ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای دینی شد.^۳

۱. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، ص ۳۲.

۲. عبدالرسول یعقوبی، عوامل هم‌بستگی و گسستگی ایرانیان، ص ۱۴۶.

۳. همان، ص ۱۴۷.

مبنای مشارکت علما در دولت صفویه را رسول جعفریان در کتاب صفویه در عرصه دین این طور می‌نویسد:

مشارکت علما در این دولت، از نوع همکاری با سلطان عادل یا جائز نبود، بلکه بالاتر از آن، این نظریه بود که حکومت از آن فقیه بود؛ و فقیه جامع‌الشرایط... در عصر غیبت، تمام اختیارات امام معصوم علیه السلام را دارد. روشن بود که شاهان صفوی و دربار آنها که مجموع رؤسای طوایف سی و دوگانه قزلباش بودند، تن به حکومت فقها نمی‌دادند. پس باید راهی به وجود می‌آمد. این راه، آن بود که فقیه از روی مصلحت وقت، قدرت سیاسی مشروع خود را به سلطان واگذار کند. در چنین شرایطی، شاه، نایب مجتهد برای اداره کشور بود. این چیزی بود که شاه‌طهماسب آن را پذیرفت و خود را نایب فقیه جامع‌الشرایط دانست.^۱

از این رو، می‌توان یکی از عوامل هم‌بستگی بین ایرانیان را در عصر صفوی وجود فقها و تائید امام زمان علیه السلام دانست که این شاهان از طرف فقهای عام امام زمان علیه السلام نیابت داشتند.^۲ در تمام دوره صفوی، آموزه‌های فقهی - سیاسی شیعه، این اصل را میان مردم مطرح می‌کرد که قدرت اصلی از آن امام معصوم و سپس از آن فقیه است. در عین حال، چه در قالب نظریه همکاری با سلطان عادل یا ستمگر و چه برپایه این نظریه که سلطان نایب فقیه باشد، غالب علمای شیعه با دولت همکاری می‌کردند و سمت‌هایی را عهده‌دار می‌شدند.^۳

بنابراین در دوره صفویه، حکومت در عصر غیبت، مختص فقها بود؛ و بنا بر مصالحی،

۱. رسول جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. عبدالرسول یعقوبی، عوامل هم‌بستگی و گسستگی ایرانیان، ص ۱۵۱.

۳. همان.

نیابت را به شاهان می‌دادند؛ و اینان هم بنا بر نیابت از نایبان حقیقی امام زمان عج، یعنی علما، حکومت می‌کردند.

شاردن هم به این نکته اشاره می‌کند که ایرانیان، خصوصاً عالمان دینی، حق حکومت را مخصوص پیغمبران و جانشینان بلافصل آنان می‌دانند و پادشاهان تنها به مثابه وزیر و کاردار ایشان می‌باشند.^۱

مقام و منزلت علما در صفویه، به خصوص در زمان شاه طهماسب، به حدی اوج گرفت که شاه طهماسب به محقق کرکی گفت: «شما به حکومت و تدبیر امور مملکت سزاوارتر از من می‌باشید؛ زیرا شما نایب امام هستید و من یکی از حکام شما [هستم] و عمل به امر و نهی شما می‌کنم».^۲

محقق کرکی چنان شاه طهماسب را مجذوب استدلال‌های خود درباره ولایت فقیه کرد که شاه را به مقبوله عمر بن حنظله معتقد نموده، او را به نوشتن بیانیه حکومتی واداشت که در آن، انتقال قدرت را به محقق کرکی عملی می‌ساخت و در حقیقت، حکومت را مخصوص فقها و نایبان امام زمان عج می‌دانست.^۳

از این رو، شاه طهماسب بیانیه‌ای، بدین شرح نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم، چون از مؤدای حقیقت انتهای کلام امام صادق عج که انظروا الی من کان منکم قد روی حدیثنا، و نظر فی حلالنا و حرامنا، و عرف احکامنا فارضوا به حکماً فانی قد جعلته حاکماً فاذا حکم بحکم، فمن لم یقبله منه، فأنما بحکم الله استخف، و علینا ردّ و هو رادّ علی الله و هو علی حدّ الشریک، لایح و واضح است که مخالفت حکم مجتهدین که حافظان

۱. جان شاردن، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۳، ص ۱۱۴۸.

۲. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۴۴۱.

۳. احمد جهان‌بزرگی، درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام، ص ۱۶۴.

شرع سید المرسلین اند با شرک در یک درجه است، پس، هر که مخالفت خاتم المجتهدین، وارث علوم سید المرسلین، نایب الائمة المعصومین لا زال کاسمه العلی علیاً عالیاً،^۱ کند و در مقام متابعت نباشد، بی شائبه، ملعون و مردود در این آستان ملک آشیان، مطرود است؛ و به سیاسات عظیمه و تأدیبات بلیغه مؤاخذه خواهد شد. کتبه طهماسب بن شاه اسماعیل الصفوی الموسوی.^۲

در این بیانیه، شاه طهماسب، اطاعت از نایب امام زمان علیه السلام، یعنی محقق کرکی را لازم دانسته، و عدم متابعت از فرمان او را در حد شرک و مستوجب مؤاخذه دانسته است. بر همین اساس، شاه طهماسب صفوی، امور مملکتی را به محقق کرکی واگذار کرد؛ و به تمام قلمرو خود فرمان داد که از محقق کرکی، اطاعت کنند؛ چون حکومت، در واقع تعلق به وی که نایب امام زمان علیه السلام است، دارد.^۳

محقق کرکی هم در زمان خود اقداماتی انجام داد که عبارت‌اند از:

۱. قبله بسیاری از شهرهای ایران را تغییر داد، چون آنها را مخالف با قواعد علم هیئت می دانست؛^۴
۲. تعیین امام جماعت برای هر شهر و روستا برای اقامه نماز، آموزش احکام دینی و انجام مراسم و مناسک عبادی؛^۵
۳. مبارزه و جلوگیری از منکرات و فحشا، مثل شراب‌خواری، قماربازی و غیره.^۶

۱. منظور از محقق کرکی، همان محقق ثانی است. چون اسم او علی بن عبدالعالی بوده است.

۲. محمدباقر موسوی خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۴۶۲-۴۶۳.

۳. علی دوانی، *مفاخر اسلام*، ص ۴۳۷.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۴۲.

۶. همان.

ولایت فقها در عصر قاجاریه

در زمان قاجاریه، شیخ جعفر کاشف الغطا که معاصر فتحعلی شاه قاجار بود، چون با تجاوزهای مکرر روس‌ها به مسلمانان هم‌زمان بود؛ و ولایت بر جامعه را از آن خود می‌دانست، مقام فرماندهی جنگ ایران و روس را به فتحعلی شاه واگذار کرد. ایشان در قسمتی از اجازه‌نامه خود می‌نویسند:

اگر من مجتهد هستم و قابلیت نیابت از جانب سادات زمان را دارم، به فتحعلی شاه اذن می‌دهم در گرفتن آنچه برای اداره لشکریان و سربازان و دفع اهل کفر و طغیان لازم است، از خراج زمین‌هایی که به وسیله غلبه مسلمانان به دست آمده و آنچه نظیر آن است... بگیرد... و بر هر مسلمانی که عزم اطاعت از پیامبر و امام علیه السلام را دارد، واجب است از دستورهای سلطان اطاعت کند که شر دشمن از سر مسلمانان و اسلام دور شود.^۱

این حکم بدین معناست که اجازه در همه امور نبوده، اطاعت از سلطان، اطاعت ذاتی نیست، بر همین اساس، می‌گوید: «به درستی که اطاعت خلیفه (رسول خدا) به مقتضای ذات و نه به اعتبار هدف‌ها است، در صورتی که وجوب اطاعت سلطان، مانند وجوب تهیه اسلحه و جمع اعوان و انصار برای جنگ، از باب وجوب مقدماتی است که واجبات به وسیله آنها برپا می‌شود».^۲

پس کاشف الغطا، حکومت فتحعلی شاه را به منزله حاکم اسلامی قبول نداشت؛ و حکومت را مختص نایبان امام زمان علیه السلام می‌دانست؛ و به خاطر دفاع از کیان و مرزهای ایران، اجازه رهبری جهاد را به فتحعلی شاه داده، بر مسلمانان واجب کرد که در امر

۱. احمد جهان‌بزرگی، درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۷۲-۱۷۳.

جهاد بر فرمان شاه سر نهند؛ و سپس سرپیچی از او را سرپیچی از خدا و سزاوار خشم او دانست.^۱

میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب قوانین، با کاشف الغطا هم‌عصر بود که هم‌عقیده با کاشف الغطا، سلطان را در حکم افراد عادی جامعه قلمداد می‌کرد و اطاعت را مختص معصوم و نایب معصوم یعنی فقها می‌دانست؛ و در صورت تعرض به کشور و به خاطر وجوب دفع کفار، اطاعت از پادشاه را واجب می‌دانست. از این رو، در نامه‌ای به فتحعلی شاه می‌نویسد:

امر الهی به وجوب اطاعت مطلق سلطان هر چند ظالم و بی‌معرفت در احکام الهی باشد، قبیح است؛ پس عقل و نقل معاً [با هم] ضدند در اینکه کسی را که خدا اطاعت او را واجب کند، باید معصوم و عالم به جمیع علوم باشد، مگر در حال اضطرار و عدم امکان وصول به خدمت معصوم که اطاعت «مجتهد عادل» مثلاً واجب می‌شود؛ و اما در صورت انحصار امر در دفع دشمنان دین به «سلطان شیعیان» هر کس خواهد که باشد، پس نه از راه وجوب اطاعت از او، بلکه از راه وجوب دفع و اعانت در رفع تسلط اعدای.^۲

با اینکه قدرت پادشاهان ماهیتاً استبدادی بود؛ برای کسب مشروعیت، به دنبال رضایت علما بودند. خصوصاً در ماجرای جنگ ایران و روس برای اینکه از فتوای مراجع برای حفظ و دفاع کشور استفاده کنند، علمای شیعه را راضی نگه می‌داشتند؛ و به همین جهت، فتحعلی شاه اقدامات مذهبی را انجام داد، از جمله:

تزیین و تعمیر حرم امامان معصوم، ساختن مساجد، تشویق به نوشتن کتاب‌های مذهبی، قبول و پذیرش شفاعت علما و واگذاری محاکم قضایی در امور شرعی به علما.^۳

۱. عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران، ص ۳۳۰.

۲. همان، ص ۳۲۸.

۳. حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری، ص ۷۱-۶۳.

در زمان مشروطیت هم، شیخ فضل الله نوری، افزون بر اثبات منصب ولایت و حاکمیت برای فقها و نایبان امام زمان عج، تصدی این منصب برای دیگران را نفی کرده و معتقد بود:

طبق مذهب جعفری، در صورتی که تصدی حکومت در دست کسانی غیر از خدا، انبیا، اولیا و فقها باشد، واجب الاطاعة نخواهد بود. بنابراین قوانین جاریه مملکت اسلامی نسب به نوامیس الهیه از جان و مال و عرض مردم، [باید] مطابق فتوای مجتهدین عدول هر عصری که مرجع تقلید مردم اند، باشد تا تصرفات غاصبانه که موجب هزار گونه اشکالات مذهبی برای مقدسین است، مرفوع گردد؛ زیرا در زمان غیبت امام مرجع در حوادث، فقها از شیعه هستند؛ و مجاری امور به ید ایشان است.^۱

رهیافتی بر پارادایم‌های سیاسی شیعه در دوران معاصر

در این قسمت، به پارادایم‌های مختلف شیعه درباره ولایت فقیه اشاره می‌کنیم؛ و برآنیم که پارادایم میرزای شیرازی و شاگردش شیخ فضل الله نوری و پارادایم آخوند خراسانی و چند تن از مجتهدان نجف، و بالاخره پارادایم امام خمینی درباره بحث ولایت فقیه را که عاملی در انسجام و هم‌بستگی اجتماعی است، بیان کنیم. پارادایم امام خمینی عج از پارادایم‌های قبلی جامع‌تر و عمیق‌تر است. این سرمشق و الگوی ولایت فقیه، مخصوص نظریه امام خمینی عج است.

بر مبنای نظریه امامت، همان‌طور که در زمان رسول الله ص، هم اقتدار سیاسی و هم اقتدار دینی در وجود حضرت جمع شده بود، امامان شیعه هم، پس از حضرت، وارثان حقیقی این دو اقتدار هستند؛^۲ و در زمان غیبت، این دو اقتدار، مختص فقهای عادل است.

۱. احمد جهان‌بزرگی، در آمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام، ص ۱۹۲.

۲. علیرضا شجاعی زند، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، ص ۱۲۸.

بر این اساس، به واکاوی این سه پارادایم مختلف که در ایران معاصر اتفاق افتاد، می‌پردازیم. شایان ذکر است بیشترین اختلاف پارادایم‌ها در موضوع خارجی و امکان تحقق خارجی تعمیم ولایت است، نه در اصل تعمیم ولایت؛ به این معنا که همه فقهای معاصر، به جواز اصل تعمیم ولایت فقیه قایل‌اند؛ اما به لحاظ شرایط خارجی، بین آنها اختلاف نظر وجود دارد. پس پارادایم‌های سه‌گانه ما، مبتنی بر اختلاف در درک شرایط و امکان تحقق خارجی است؛ و در اصل جواز آن اختلافی ندارند.

۱. پارادایم میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری

میرزای شیرازی این الگوی نظری را در حوزه سامرا پایه‌گذاری، و سپس، شاگردش شیخ فضل‌الله نوری آن را دنبال کرد؛ و دیگر شاگردان میرزای شیرازی، یعنی آخوند خراسانی و میرزای نائینی و دیگران، پارادایم دیگری در حوزه نجف، تأسیس کردند. ستیزه‌جویی سیاسی، دشمن‌شناسی، انعطاف‌ناپذیری در اساس اندیشه مذهبی، شناخت خط تفرقه طولانی و فزاینده در تجدید حیات سیاسی شیعه و در نهایت، نهادینه کردن اساس اندیشه‌های سیاسی استاد، (میرزای شیرازی) در قالب یک نظریه سیاسی جامع،^۱ از اصول اساسی این پارادایم شمرده می‌شود.

اصول پارادایم میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری؛

به نظر ایشان، یکی از آثار و پیامدهای جدایی دین از سیاست در حیات بشری، ظهور دیکتاتوری و استبداد در زندگی و حیات اجتماعی است. ایشان معتقدند که سیاست از دین و شریعت جدا نبوده، اقتدار سیاسی غیر از اقتدار دینی، و جدای از همدیگر نیستند. میرزای شیرازی درباره ارتباط و پیوند ذاتی سیاست و دیانت می‌نویسد:

در اعصاری که دولت و ملت در یک محل مستقر بود، چون زمان حضرت

۱. مظفر نامدار، رهپایانی بر میانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، ص ۱۲۱.

ختمی مآب صلی الله علیه و آله، تکلیف سیاست در این قسم از امور عامه در عهده همان شخص معظم بود. و حال که به اقتضای حکمت‌های الهیه جل ذکره، هر یک در محلی است، در عهده هر دو است که بنا اعانت یکدیگر دین و دنیای عباد را حراست کرده، [از] بیضه اسلام در غیبت ولی عصر علیه السلام محافظت نمایند؛ و با تقاعد و کوتاهی از یکی، امر معوق، یعنی هم زوال دنیا باشد و هم نکال دین، و رعیت به بلا مبتلا می‌شود؛ و حال آنکه خود را از جانب ولی عصر علیه السلام منصوب بر این امر و حافظ دین و دنیای رعایای آن جناب و مسئول از حال ایشان می‌داند؛ و باید تمام جهود خود را در نگاهداری اینها مبذول دارد؛ و آنچه در این مقام مورد این تکلیف است، غیر از احکام کلیه است... و مورد مذکور باب سیاسات و مصالح عامه است؛ و تکلیف در این باب بر عهده ذوی الشوکه (فردی که قدرت حکومت اسلامی را دارد) است.^۱

شیخ فضل الله نوری هم در این باره می‌نویسد:

نبوت و سلطنت (حکومت) در انبیای سلف مختلف بود؛ گاهی مجتمع و گاهی متفرق و در وجود مبارک نبی اکرم و پیغمبر خاتم، علیه و علی آله الصلوٰة مادام العمر...، چنین بود... این دو امر، یعنی تحمل احکام دینیه و اعمال قدرت و شوکت و اعاده امنیت... فی الحقیقه این دو، هریک، مکمل و متمم دیگری هستند؛ یعنی بنای اسلام بر این دو امر است، سیاست در امور نبوتی و سلطنت، بدون این دو، احکام اسلامی معطل خواهد بود.^۲

۱. همان، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۲۸-۱۲۹.

بنا بر این دیدگاه، این پارادایم، پیوند و ارتباط بین دین و شریعت با سیاست است؛ اما اصول دیدگاه میرزای شیرازی و شیخ فضل الله نوری، به منزله ادامه دهنده راه او، چنین است:

۱. حکومت به منزله شعبه‌ای از ولایت مطلقه پیامبر ﷺ و جانشینان وی است. از این رو، حکومت و ولایت بر عهده نایبان امام زمان ﷺ به منزله جانشینان حضرت است. بر همین اساس، شیخ فضل الله نوری می‌گوید: «... ولایت در زمان غیبت امام زمان ﷺ با فقها و مجتهدین است، نه فلان بقال و بزاز»^۱

۲. حکومت، قوه اجرایی احکام اسلام است. طبق این مبنا، لازمه اجرا شدن دستورهای اسلام و شرع مقدس، تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا احکام حکومتی و دینی، مکمل و متمم یکدیگرند؛ و جدایی این دو مقوله از یکدیگر مستوجب تعطیلی احکام اسلام است. خود شیخ فضل الله نوری چنین می‌نویسد: «فی الحقیقه، سلطنت (حکومت) قوه اجراییه احکام اسلام است»^۲

۳. برقراری عدالت اجتماعی در پرتو تشکیل حکومت اسلامی است. تحصیل عدالت منوط به اجرای احکام اسلام است؛ و برای اجرایی کردن احکام اسلام، تصدی حکومت باید به دست حاملان اندیشه دینی، یعنی فقها و مجتهدین باشد یا بر اساس نظریه آنان اداره شود. در غیر این صورت، اطاعت مردم از حکومت، واجب نیست و جنبه تقدس نخواهد داشت.^۳

از این رو، شیخ فضل الله نوری در این باره می‌نویسد: «به مذهب جعفری ﷺ در صورتی که متصدی اش غیر از خدا و سه طایفه دیگر (رسول خدا، ائمه، نایبان امام) باشد، واجب‌الاطاعه نخواهد بود»^۴

۱. محمد ترکمان، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ فضل الله نوری، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر، ص ۱۲۹.

۳. همان، ص ۱۳۴.

۴. هما رضوانی، لوايح آقا شیخ فضل الله نوری، ص ۵۱.

۴. منشأ حکومت، شریعت است، نه خرد انسانی. اینان معتقدند که منشأ حکومت، باید در قوانین و احکام اسلامی باشد، نه قوانین غربی. طبق این پارادایم، «عدول انسان از شریعت و دنباله‌روی از تمایلات و خواسته‌های فردی و جمعی حول محور انسان‌مداری و انسان ولایی، رمز سقوط و انحطاط جوامع بشری است»^۱

۵. تعمیم ولایت در حوزه سیاست، نه بالعکس. یکی دیگر از اصول پارادایم میرزای شیرازی گسترش ولایت فقها بر حوزه سیاست و حکومت است. تجلی دیدگاه اطاعت محض عالم و عامی از فقیه، در خصوص احکام مربوط به باب سیاست و مصالح عامه یا امور عامه به صورت بارزی در اطاعت بی‌چون‌وچرای فقها و مجتهدین و مردم از فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی، حقیقت خود را نمایان می‌سازد.^۲

از این رو، میرزای شیرازی در رساله تحریم کالاهای خارجی، درباره این اصل می‌فرماید: «... تکلیف در این باب (سیاست و مصالح عامه) بر عهده ذوی‌الشوکه (حاکم اسلامی) از مسلمین است که با عزم مبرم، در صدد رفع احتیاج خلق باشد...»^۳

شیخ فضل‌الله نوری هم، درباره ولایت فقیه می‌فرماید:

باید گفته شود که قوانین جاریه در مملکت اسلامی نسبت به نوامیس الهیه از جان و مال و عرض مردم مطابق فتوای مجتهدین عدول هر عصری که مرجع تقلید مردم‌اند، باشند؛ و از این رو، باید تمام قوانین ملفوف و مطوی گردد؛ و نوامیس الهیه در تحت نظریات مجتهدین عدول باشد، تا تصرفات غاصبانه که موجب هزارگونه اشکالات مذهبی برای متدینین است، مرفوع گردد؛ و منصب دولت و اجزای آن از عدلیه و سایر حکام، فقط اجرای

۱. مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. موسی نجفی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، ص ۴۶.

احکام صادره از مجتهدین عدول می‌باشد؛ چنانچه تکلیف هر مکلفی انفاذ حکم مجتهد عادل است.^۱

بنابراین طبق پارادایم میرزای شیرازی، لزوم اطاعت عالم و عامی از ققیه در حکم حکومتی ضروری است؛ و دخالت دیگران در امور عامه و مصالح عمومی مردم، حرام و غضب کردن مسند پیامبر ﷺ است. از این رو، شیخ فضل الله نوری در این باره می‌فرماید: «... مگر نمی‌دانید که در امور عامه، و کالت صحیح نیست و این باب، باب ولایت شرعیه است؟ یعنی، تکلم در امور عامه و مصالح عمومی ناس، مخصوص است به امام ﷺ یا نواب عام او و ربطی به دیگران ندارد؛ و دخالت غیر آنها در این امور حرام و غضب نمودن مسند پیغمبر ﷺ و امام ﷺ است.»^۲

بازتاب این پارادایم را می‌توان از جنبش تنباکو گرفته تا نهضت مشروطیت و حرکت آغازین انقلاب اسلامی از پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ تا پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران دانست.^۳

۲. پارادایم آخوند خراسانی و دیگر مجتهدان

این پارادایم در جریان جنبش مشروطه به دست آخوند خراسانی در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در نجف اشرف پایه‌ریزی شد؛ و عده‌ای از مجتهدان، از جمله میرزای نایینی، ملا عبدالله مازندرانی و حاج آقا نورالله اصفهانی این حلقه را تکمیل کردند. تفاوت این دو مکتب، یعنی میرزای شیرازی و آخوند خراسانی را می‌توان در این دانست که مکتب سامرا (میرزای شیرازی) به دنبال تعمیم ولایت در حوزه سیاست و ایجاد یک نظام سیاسی

۱. هما رضوانی، لوایح آقا شیخ فضل الله نوری، ص ۶۹.

۲. محمد ترکمان، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ فضل الله نوری، ص ۶۷.

۳. مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر، ص ۱۴۳.

مبتنی بر بینش اجتهادی شیعه، در همه عرصه‌های قدرت بود؛ اما مکتب نجف (آخوند خراسانی) تعمیم سیاست در حوزه ولایت و ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر شریعت را با نظارت فقها در بخشی از عرصه‌های قدرت، در نظر داشت. این تفاوت در حوزه درک سیاسی، همان است که امروزه بحث ولایت فقیه و وکالت فقیه را در نظام سیاسی شیعه به ارمغان آورده است.^۱

اصول و مبانی پارادایم آخوند خراسانی و مجتهدان دیگر در حوزه سیاست:

۱. بازشناسی جایگاه شریعت در سیاست:

این اندیشه به دنبال اثبات توانایی اسلام برای حل چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ و تلاش می‌کند ثابت نماید، شریعت هیچ ضدیتی با سیاست ندارد.^۲

دغدغه اساسی پیروان مکتب نجف این بود که به هر نحو ممکن، نظام سیاسی اسلام را یک نظام ضد استبدادی، و در نتیجه، مبانی مشروطیت را که یک نظام ضد استبدادی بود، منطبق با شریعت ترسیم نمایند؛^۳

۲. تعمیم سیاست در حوزه ولایت، نه بالعکس:

مکتب نجف، در فهم سیاسی خود از جامعه، به دنبال تعمیم ولایت در حوزه سیاست نبود. بلکه معتقد بود که در آن شرایط ایران، چنین تعمیمی به صورت مطلق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اعاده حکومت عادلانه و بی‌عیب و نقص، فقط در ید قدرت امام زمان عج است؛ و تعمیم ولایت فقیه در حوزه سیاست، نه تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه باعث می‌شود در شرایط فعلی، حتی حکومت مشروطه که قدر مقدور علمای دین در جای‌گزینی حکومت استبدادی است، تحقق نپذیرد. بنابراین در آن شرایط، تعمیم

۱. همان، ص ۱۴۹.

۲. همان، ص ۱۵۳.

۳. همان، ص ۱۵۴.

ولایت فقیه را در حوزه سیاست نپذیرفت و تنها وکالت فقیه یا اذن فقیه در وکالت را قدر مقدور دانست.^۱

از این رو، اینها مشروطه را اصلح از استبداد می‌دانستند؛ ولی بنا بر نظریه میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری، مشروطه صرفاً، کارساز نیست.

بنا بر این مبنا، آخوند خراسانی با نوشتن رساله *اندر زنامه*، تأسیس حکومت را بر اساس قوانین شریعت، به محمد علی شاه توصیه می‌کند. در بند اول و آخر رساله، به روشنی، از شاه دعوت می‌کند که برای دوام حکومت و سیادت بر ملت و عظمت ایران و ترقی و رفاه مردم، همه توان خود را برای حفظ شریعت اسلام و قوانین مقدس آن و اجرای حدود الهی به کار گیرد؛ و در این راه از بذل جان و مال خود نیز، دریغ نورزد؛ و برای اینکه مملکت را از هلاکت و نیستی نجات دهد، در حفظ مقام شامخ و بزرگداشت علمای اسلام و فقهای مصلح بکوشد.^۲

در پارادایم میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری، تصدی حکومت باید به دست فقها و مجتهدان باشد؛ در غیر این صورت، اطاعت مردم از حکومت، فاقد مبنای شرعی و عقلی است. چنانچه شیخ فضل‌الله نوری در لوایح خود می‌نویسد: «وجوب اطاعت، ثابت است از برای خدا و رسول خدا و ائمه و کسانی که نیابت از امام علیه السلام داشته باشند؛ و... مذهب جعفری علیه السلام، در صورتی که متصدی اش غیر از خدا و سه طایفه دیگر باشند، واجب‌الاطاعه نخواهد بود».^۳

ولی در مکتب نجف (آخوند خراسانی) در سیاست، تا این حد قایل به تعمیم ولایت نیستند؛ و چنین حکومتی را از اختیارات امام زمان علیه السلام شمرده، در حد علمای شیعه نمی‌دیدند.

۱. همان، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۶۲.

۳. همان رضوانی، لوایح آقا شیخ فضل‌الله نوری، ص ۵۱.

میرزای نایینی در کتاب *تنبيه الامه و تنزيه المله* می‌نویسد:

در این عصر غیبت که دست امت از دامان عصمت کوتاه و مقام ولایت و نیابت نواب عام در اقامه وظایف مذکوره هم مغضوب و انتزاعش غیر مقدور است، آیا ارجاعش از نحوه اولی که ظلم زائد و غصب اندر غصب است، به نحوه ثانیه و تحدید استیلا جوری به قدر ممکن واجب است؛ و یا آنکه مغضوبیت، موجب سقوط این تکلیف است؟^۱

پس نظر میرزای نایینی هم، مثل آخوند خراسانی این است که چون در زمان غیبت، حکومت نایبان امام ممکن نیست، مشروطه را تأیید می‌نماید؛ و در حوزه سیاست، قایل به تعمیم ولایت نیست.

مرحوم آقا نورالله اصفهانی هم، اقامه حکومت شرعی، به رهبری فقها را دور از دسترس دانسته، در رساله *مکالمات مقیم و مسافر* می‌نویسد: «سلطنت حقّه که به تمام خصوصیات مشروع باشد، غیر از زمان ظهور حضرت امام عصر عج، امکان ندارد».^۲

از این رو، مکتبی که آخوند خراسانی و دیگران پایه‌گذاری کردند، قایل به یک نظام سیاسی مشروطه ضد استبدادی است که تعدادی از علما، بر قوانین مجلس، نظارت کنند. بر این اساس، آخوند خراسانی در یکی از اعلامیه‌های خود خطاب به مشیرالسلطنه می‌نویسد: «... حکومت مسلمین در عهد غیبت حضرت صاحب الزمان عج با جمهور از مسلمین است...».^۳

بنابراین اینان با تکیه بر برخی قواعد فقهی، مثل «المیسور لا یسقط بالمعسور» که دلالت دارد بر اینکه سختی یک کار باعث اسقاط آن کار و تکلیف نمی‌شود؛ و به هر اندازه که

۱. محمدحسین نایینی، *تنبيه الامه و تنزيه المله یا حکومت از نظر اسلام*، به قلم سید محمود طالقانی، ص ۴۱-۴۲.

۲. مظفر نامدار، *رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر*، ص ۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۸۸.

ممکن است باید آن را انجام داد، در شرایط غیبت امام زمان علیه السلام که توانایی برقراری حکومت اسلامی، در تمام جنبه‌ها وجود ندارد، دست کم آن اندازه که مقدور است، یعنی مشروطه، باید تحقق یابد. پس آنچه از این مباحث به دست می‌آید، این است که اختلاف پارادایم شیخ فضل الله نوری با آخوند خراسانی و دیگران، اختلاف در تحقق خارجی است، بدین معنا که آخوند خراسانی و دیگران، اصل ولایت فقها را قبول داشته، در تحقق خارجی آن اختلاف نظر دارند. چنانچه خود مرحوم نایینی در کتاب *تبییه الامه تصریح* می‌کند که ولایت فقها را مغضوب کرده و انتزاع و گرفتن آن از دشمنان غیرممکن است، پس مشکل، در عدم امکان انتزاع حق نیابت از غاصبان است. ایشان تصریح می‌کنند که حکومت، در عصر غیبت، بدون اجازه ولایت فقیه، غصبی است؛ و تن دادن به مشروطه از باب قدر مقدور است، نه نهایت مجاز.

پس اختلاف این دو پارادایم در مبانی معرفت سیاسی با اتکا بر قواعد فقهی (قاعده المیسور= قدر مقدور) و تحلیل شرایط سیاسی-اجتماعی آن زمان است؛ از این رو، اختلاف این دو گروه از علمای دینی، اختلافی ماهیتاً درونی نیست، بلکه اختلاف در تحقق خارجی آن است.

۳. پارادایم امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام بعد از رحلت آیت الله بروجردی، رسماً وارد مباحث سیاسی شد؛ و به مقابله با رژیم پهلوی پرداخت. ایشان با کوله‌باری از تجربه علمای گذشته، از میرزای شیرازی و تحریم تنباکو گرفته تا جنبش مشروطه و شیخ فضل الله نوری و مبارزات مرحوم مدرس، پا به عرصه مبارزه و تحقق حکومت اسلامی گذاشت.

امام خمینی با رهبران جنبش‌های معاصر شیعه تفاوت‌هایی داشتند، از جمله: دارا بودن بینش تاریخی پر قدرت، روحیه سازش‌ناپذیری و مصلحت‌گریزی، داشتن اصول و مبانی

برای مبارزه، قدرت رهبری فوق‌العاده و قدرت تصمیم‌گیری قاطع، پرداختن به نکته‌های اصلی مبارزه و پرهیز از مجادلات بیهوده، مردم‌باوری شدید و بالاخره درک کامل و صحیح از شریعت و توانایی انطباق با مقتضیات زمان.^۱

فرایند تکوین پارادایم امام خمینی علیه السلام

مرحله اول: همسازی عقلی

دستاوردهای هر دو پارادایم گذشته، یعنی پارادایم میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری و پارادایم آخوند خراسانی و دیگران در نجف، در اندیشه امام و تکوین پارادایم او نقش بسزایی داشت.

امام خمینی، بادقت، به مطالعه سیره عملی و مبانی فکری علمای شیعه، از عصر غیبت تا عصر حاضر پرداخت؛ و سیره عملی بعضی از علما را در سازگاری یا ناسازگاری با حکومت وقت، سیره‌ای مبتنی بر شریعت و مصلحت تفسیر کرد؛ و تمامی این اقدامات را نه تنها به منزله مخالفت با تأسیس نظام سیاسی و پذیرش عدم ارتباط سیاست و شریعت نپذیرفت، بلکه آن را به منزله یک ضرورت تاریخی و همسازی عقلی پذیرا شد.^۲

از همان ابتدا، یعنی بعد از غیبت کبرا، چگونگی همکاری با سلطان جائر و اخذ مال، اخذ هدایا و تکذیب یا سکوت و یا سازش با سلطان جائر یا عادل برای مردم مطرح بوده، با مراجعه به علمای دین خود، کسب تکلیف می‌کردند؛ این کسب تکلیف باعث شد که میراث باارزشی از چگونگی برخورد علما در همکاری یا عدم همکاری با سلاطین برجای بماند. امام خمینی علیه السلام این میراث ارزشمند را به منزله سند بسیار گویای عدم استحاله سیاسی علمای شیعه در قدرت نامشروع دوران، با تمام درک تاریخی خود پذیرفت؛ و عکس‌العمل

۱. همان، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۰۳.

منفی یا مثبت علمای شیعه در این دوران را جواز شرعی عمل سیاسی شیعیان و نوعی همسازی عقلی توصیف کرد.^۱

بنابراین امام خمینی هر دو روش - چه سازش و چه مبارزه و عدم سازش علمای گذشته با حکومت - را بازتاب شرایط زمان و موقعیت شیعیان می داند.

مرحله دوم: تصدی امور در حد مقدور

امام خمینی، در این مرحله، سطح همسازی عقلی را به مرحله تصدی امور، در حد مقدور بالا می برد؛ و قایل است همان طور که پیامبر ﷺ، در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی امور جامعه ولایت داشتند، فقیه هم، دارای چنین ولایتی است. از این رو، ایشان در کتاب ولایت فقیه خود، چنین استدلال می کنند:

همین ولایتی که برای رسول اکرم ﷺ و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... پس از ثبوت این مطلب، لازم است که فقها، اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور و نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر، اگر برای کسی امکان داشته باشد، واجب عینی است؛ و گرنه واجب کفایی است. در صورتی هم که ممکن نباشد، ولایت ساقط نمی شود؛ زیرا از جانب خدا منصوب اند... این طور نیست که حالا که نمی توانیم حکومت عمومی و سراسری تشکیل بدهیم، کنار بنشینیم. بلکه تمام امور که مسلمین محتاج اند؛ و از وظایفی است که حکومت اسلامی باید عهده دار شود، هر مقدار که می توانیم باید انجام دهیم.^۲

تفاوت مرحله همسازی عقلی و سکوت فقها با مرحله تصدی امور، در این است که در

۱. همان، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۲.

مرحله اول، جواز مشروعیت همسازی، تابع سلطه مشیت شمشیر است. فقیه، با اکراه کامل، برای حفظ شریعت و ناموس شیعیان و حفظ اجتماع شیعه راهی جز پذیرش قدرت حاکم ندارد؛ اما نحوه عملی فقیه، در مرحله تصدی امور در حد مقدور، نه به ضرورت شمشیر، بلکه بر اساس مشروعیت این تصدی، استوار است.^۱

در این مرحله، امام خمینی عج مشیت و مشروعیت را به هم نزدیک می‌کند؛ و مرحله سوم را شکل می‌دهد.

مرحله سوم، اتحاد عینی مشیت و مشروعیت

در این مرحله، امام خمینی عج همه پایه‌های رژیم سلطنتی را غیر مشروع اعلام کرده، تصدی فقها و علما را در تمام شئون حکومت و نهادها، یک تکلیف شرعی و واجب عینی می‌داند.^۲ ایشان درباره وجوب تصدی امور، به دست فقها می‌فرمایند: «عاهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است... موضوع ولایت فقیه، مأموریت و انجام وظیفه است».^۳

در این مرحله، امام خمینی عج بسیج نیروها را برای تشکیل حکومت اسلامی یک ضرورت دانسته، می‌فرماید: «باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم؛ و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود. مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است».^۴

از این رو، امام خمینی عج پس از دو دهه مبارزه و تلاش برای سرنگونی نظام نامشروع سلطنتی، نظام و حکومت اسلامی را پایه‌ریزی کردند.

۱. مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۲۰۸-۲۰۷.

۳. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۱۵.

دستاوردهای پارادایم امام خمینی علیه السلام

الف) بازشناسی جایگاه سیاست در شریعت

این دستاورد، همان بحث ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است. از آنجا که خود پیامبر حکومت تشکیل داد؛ و قوانین و احکام اسلام هم، برای یک محدوده زمانی خاصی نازل نشده‌اند؛ و تا قیامت استمرار دارند؛ و از آنجا که اجرای اغلب دستورهای اسلام به حکومت نیاز دارد، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی روشن می‌شود که در مبحث حکومت اسلامی، به‌طور کامل، بدان پرداخته شده است.

ب) تعمیم ولایت در حوزه سیاست

دومین دستاورد نظریه و پارادایم امام خمینی علیه السلام، بحث ولایت فقیه است. این اصل، همان اصلی است که در پارادایم میرزای شیرازی، آورده شد و از دستاوردهای میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری بود؛ با این تفاوت که پارادایم میرزای شیرازی به صورت اولیه و ابتدایی مطرح شد، متهمی کیفیت اعمال این اصل در ساختار یک نظام سیاسی به هیچ وجه، در آن مکتب بررسی نشد. امام خمینی علیه السلام با درایت بی نظیر و تسلط کامل بر احکام فقهی، نظریه ولایت فقیه در احکام حکومتی را به منزله یک نظریه سیاسی، برای نوعی از حکومت مبتنی بر شریعت طرح ریزی نمود؛ و در طول مبارزات سیاسی، با تمام توان خود، تلاش کرد تا این اصل با مقتضیات زمان و مکان انطباق داشته باشد؛ و در نهایت، بر اساس همین اصل، نظام جمهوری اسلامی ایران را پایه ریزی نمود.^۱

تفاوت پارادایم امام خمینی علیه السلام با دو پارادایم قبلی در این است که نظام پیشنهادی میرزای شیرازی و شاگردش، نظام و دولت شرع، و نظام یا دولت پیشنهادی علمای نجف، دولت عقل است؛ اما امام خمینی علیه السلام نظامی را پایه گذاری نمود که بر هر دو اصل

۱. مظفر نامدار، ره‌یافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر، ص ۲۱۳-۲۱۴.

عقل و شرع مبتنی است. اصل ولایت فقیه، در حقیقت، محوری است در تعادل بین عقل و شرع.^۱

پس، پارادایم امام خمینی، همان مردم‌سالاری دینی، مبتنی بر شریعت و ارزش‌های اسلامی (مشروعیت)، و ناظر به مقبولیت و مردم‌سالاری است. بنابراین امام خمینی علیه السلام هم مشروعیت، و هم مقبولیت را در حکومت ایران پیاده کرد. از این رو، پارادایم امام خمینی علیه السلام از دو پارادایم قبلی جامع‌تر و کامل‌تر است. امام خمینی، با بحث ولایت فقیه، عامل انسجام و هم‌بستگی، در ایران معاصر شدند. ولایت فقیه و رهبری، عاملی در انسجام و هم‌بستگی اجتماعی است که این از پیامدهای اجتماعی انتظار امام زمان علیه السلام شمرده می‌شود؛ زیرا همان‌طور که امام معصوم علیه السلام عامل انسجام جامعه است، نایب او هم، دارای همین کارکرد است.

ما در این قسمت، ولایت فقیه و رهبری امام خمینی علیه السلام را به‌منزله عامل هم‌بستگی اجتماعی در ایران، به چهار دوره تقسیم کرده، به اقدامات و شیوه‌های امام می‌پردازیم تا رهبری امام خمینی، بادقت بیشتری بررسی شود.

دوره اول

این دوره، دوره ظهور امام خمینی علیه السلام به‌منزله رهبر سیاسی-مذهبی و کسب مقبولیت سریع از طرف توده‌های مردم بود که با اعلامیه‌های ایشان مبنی بر مخالفت با قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و با سخنرانی معروف ایشان در روز عاشورا، دستگیری و قیام پانزده خرداد، به اوج شکوفایی رسید و با تبعید ایشان به ترکیه که به دنبال مخالفت شدید او با لایحه کاپیتولاسیون صورت گرفت، به پایان رسید.^۲

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. عصمت‌الله شریفی، آسیب‌شناسی نهضت‌های اسلامی معاصر از دیدگاه امام خمینی علیه السلام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد

علوم سیاسی)، ص ۸.

در این دوره امام خمینی علیه السلام اقداماتی را علیه سلطنت شاه انجام دادند که عبارت‌اند از:

۱. تقیه را تحریم، و کار مبارزه علیه شاه را علنی کردند؛
۲. مبارزه را به کانون اصلی فعالیت‌های مذهبی، یعنی حوزه علمیّه قم کشاندند و سیاست را عین دیانت دانستند؛
۳. حملات خود را متوجه کانون اصلی فساد، یعنی سلطنت و شخص شاه قرار داده، سلطنت را مخالف با اصول اسلامی دانستند؛
۴. با حمله مستقیم به امریکا، انگلیس و شوروی، هر نوع محافظه‌کاری سیاسی را که در دوران نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت رایج بود، مطرود دانستند.^۱

دوره دوم

نطق آتشین او علیه قانون کاپیتولاسیون که در حمایت از امریکایی‌های مقیم ایران تصویب شده بود، منجر به تبعید وی به ترکیه گردید. این دوره از مبارزه از همین نقطه آغاز شد و با عزیمت ایشان از نجف به پاریس پایان یافت.^۲ این دوره پانزده سال طول کشید.

دوره سوم

رهبری امام با اولین جرقه‌های انقلاب در دی ماه سال ۱۳۵۶ در قم شروع شد؛ اما شیوه‌های امام در این دوره که منجر به پیروزی انقلاب گردید، عبارت‌اند از:

۱. ضمن جلوگیری از نفوذ فرصت‌طلبانی که پیروزی را نزدیک می‌دانستند، در این باره فرمودند: «هر کس حرف ما را بزند، با ما و با مردم است»؛
۲. برخورد امام با سیاست‌های محافظه‌کارانه و معتدل‌تر و اعلام اینکه شاه باید برود؛

۱. همان، ص ۸۱۸۰

۲. همان، ص ۸۱

۳. امام، با توجه به در دسترس بودن رسانه‌های جمعی دنیا در پاریس و با استفاده از این فرصت، پیام انقلاب را به دنیا مخابره کردند.^۱

دوره چهارم

در این دوره امام هم رهبر اجتماعی بودند و هم رئیس حکومت. رژیم طاغوت سقوط کرده، میلیون‌ها انسان از هر نوع اسارتی آزاد شده بودند و امکان هر نوع هرج و مرجی وجود داشت.^۲

از این رو، امام، ضمن کنترل هیجانات و احساسات توده‌های مردم، به تثبیت پایه‌های نظام انقلاب اسلامی پرداختند و با به رفراندوم گذاشتن جمهوری اسلامی و برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و تصویب قانون اساسی، پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را مستحکم کردند. این چهار دوره، نمونه‌های رهبری امام برای ایجاد انسجام و هم‌بستگی اجتماعی به شمار می‌آیند. بنابراین پارادایم امام خمینی، یعنی ولایت فقیه، به ولایت و امامت در زمان غیبت امام زمان علیه السلام استمرار بخشید.

بعد مناسکی و هم‌بستگی اجتماعی

افزون بر جنبه اعتقادی ولایت فقها که موجب انسجام در جامعه می‌شود، وجود جنبه‌های مناسکی و عبادی، باعث تقویت انسجام و هم‌بستگی اجتماعی در جامعه است. در بحث انتظار امام زمان علیه السلام وجود جنبه‌های مناسکی و عبادی، عاملی در انسجام اجتماعی است که در ادامه، به چند نمونه از آنها به منزله نماد هم‌بستگی و انسجام جامعه منتظر، اشاره می‌کنیم.

۱. همان، ص ۸۲-۸۱

۲. همان، ص ۸۲

۱. شرکت انبوه مردم در مسجد مقدس جمکران

شرکت انبوه مشتاقان امام زمان علیه السلام و منتظران حضرت، در مکان‌هایی مثل مسجد مقدس جمکران که منسوب به آن حضرت است و انجام دادن مناسک و اعمال مربوط به آن مسجد، و راز و نیاز عده زیادی از منتظران با حضرت صاحب الزمان علیه السلام، جلوه‌ای از هم‌بستگی جامعه منتظران بوده، بیانگر روحیه انتظار در بین جامعه منتظر است. از این رو، جمع شدن مردم، در مسجد جمکران و انجام اعمال و مناسک مربوط به آن، همه، از یک انسجام و هم‌بستگی اجتماعی در بین منتظران امام زمان علیه السلام حکایت می‌کند. آماري که امور فرهنگی مسجد مقدس جمکران، واحد ارشاد، از تعداد مراجعه کنندگان به بخش پاسخ به سؤالات شرعی و اعتقادی و مشاوره برادران گرفته، به این قرار است:

الف) آمار مراجعه کنندگان به بخش پاسخ به سؤالات شرعی و اعتقادی برادران عبارت است از:

- در سال ۱۳۸۲، ۱۰۴۹۵۶ نفر؛

- در سال ۱۳۸۳، ۱۵۱۴۸۹ نفر؛

- در سال ۱۳۸۴، ۱۵۹۲۵۳ نفر؛

- در سال ۱۳۸۵، ۱۶۲۹۰۹ نفر.

این آمار نشانگر سیر صعودی مراجعه زائرین مسجد مقدس جمکران به این بخش و نشان از اوج اشتیاق مردم به مسجد مقدس جمکران است؛

ب) آمار مراجعین به بخش مشاوره برادران هم سیر صعودی را نشان می‌دهد که عبارت است از:

- در سال ۱۳۸۲، ۵۰۷۸ نفر؛

- در سال ۱۳۸۳، ۸۷۴۱ نفر؛

- در سال ۱۳۸۴، ۸۸۲۹ نفر؛

- در سال ۱۳۸۵، ۱۲۱۵۸ نفر.

دیگر اینکه تعداد زائران مسجد مقدس جمکران در شب‌های چهارشنبه ایام غیر تابستان یکصد تا دویست هزار نفر، و در ایام تابستان به سیصد تا چهارصد هزار نفر می‌رسد. در نیمه شعبان و شب و روز تولد امام زمان علیه السلام حدود دو الی سه میلیون نفر، و هر ساله حدود پانزده میلیون نفر نمازگزار و زائر، به این مسجد مقدس می‌آیند. این آمار، حاکی از شرکت انبوه مردم در این مکان مقدس^۱ و نماد و نشانه هم‌بستگی و انسجام اجتماعی جامعه منتظران است.

۲. برگزاری جلسات متعدد دعای ندبه در صبح‌های جمعه

تجمع مردم در صبح روز جمعه که متعلق به امام زمان علیه السلام است، و در فراق آن حضرت نجوای عاشقانه سر دادن و سوختن در انتظار ایشان، همه، افزایش انسجام و هم‌بستگی جامعه منتظران را نشان می‌دهد.

زمزمه عبارات: این بقیه الله، متی ترانسا و نراک و فقرات دیگر در دعای ندبه، همه، نشان‌دهنده اشتیاق به روز وصال است. همچنین برگزاری جلسات دعای آل یس، افتتاح و دعاهای منسوب به آن حضرت نیز، نشان از انسجام جامعه منتظر دارد.

۳. جشن‌های نیمه شعبان

برگزاری باشکوه جشن‌های نیمه شعبان در سراسر ایران، حاکی از وحدت و یک‌پارچگی جامعه منتظران برای آمدن مصلح جهانی است. انتظار انسان‌ها برای آمدن مهدی موعود علیه السلام و چشمداشت به آینده‌ای روشن که جهان را از عدالت اجتماعی و ارزش‌های اسلامی پر کند، نمادی از انسجام جامعه منتظر است. همچنین، شور و هیجان منتظران، در آستانه نیمه

۱. مصاحبه با آقای صدوقی، مسئول روابط عمومی مسجد مقدس جمکران در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۲.

شعبان و برپایی جشن‌ها و چراغانی خیابان‌ها، نمادی دیگر از انسجام جامعه منتظران امام زمان علیه السلام است.

۴. خواندن دعای امام زمان علیه السلام بعد از نمازهای جماعت در محافل عمومی (حرم‌های ائمه، مساجد و ...)

اینکه همه بعد از نمازهای جماعت برای امام زمان علیه السلام دعای اللهم کل لولیک... را می‌خوانند، حاکی از اعتقاد به غایتمندی تاریخ و انتظار امام زمان علیه السلام است. وجود این دعاها و خواندن آنها، انسجام جامعه شیعی را بیشتر می‌کند. همچنین، خواندن دعای عهد در مساجد و نمازهای جماعت در صبحگاهان، نشان از این دارد که مردم، هر روز صبح، ضمن عهد و پیمان با امام زمان، خود را از جمله یاران حضرت دانسته، در انتظار حضرت هستند؛ تاحدی که می‌خوانند: اگر مرگ ما قبل از ظهورت بود، ما را از قبرها بیرون بیاور تا از یارانت باشیم.

این جملات و جملات دیگر و نفس دعای عهد، همه، بیانگر انسجام و وفاق جامعه منتظر، برای آمدن امام زمان علیه السلام است.

۵. توجه دل‌های شیعه در ایام و روزهای خاص به حضرت

اینکه دل‌های شیعیان روزها و ساعات به‌خصوصی متوجه انسان کامل و امام زمان خویش می‌شوند، علی‌الخصوص، در شب‌های قدر که آن حضرت اعمال و وقایع یک سال آینده را امضا و تأیید می‌کند، نشان‌دهنده یک پارچگی جامعه شیعه در ظهور امام زمان علیه السلام است.

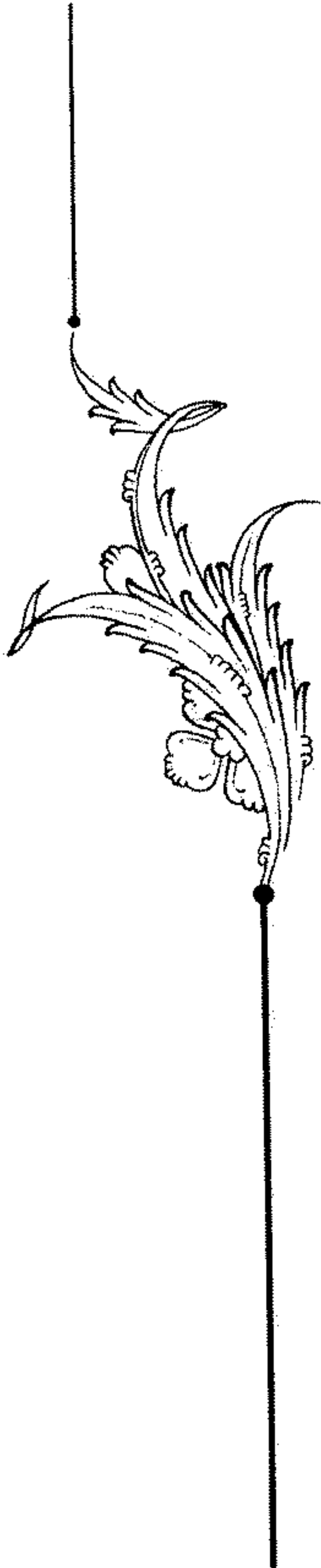
توجه به این روایت که اعمال ما شیعیان، دو بار در هفته، نزد حضرت برده می‌شود، یکی روز دوشنبه و دیگری روز پنجشنبه، می‌تواند ضمن دعوت همیشگی دل‌های میلیون‌ها انسان به یک مبدأ و به یک آینده روشن و غایتمندی تاریخ، همه را برای رسیدن آن روز

آماده سازد. اینها از موارد و نمادهایی است که باعث می شود جامعه شیعی، دور محور انتظار امام زمان علیه السلام منسجم شوند.

خلاصه اینکه، یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار امام زمان علیه السلام، انسجام و همبستگی جامعه شیعی است که در دو حوزه و در دو بُعد محقق می شود: یکی بُعد اعتقادی که همان بحث ولایت فقیه است؛ و دیگری بُعد مناسکی و عبادی که باعث انسجام جامعه شیعه و حرکت به سوی جامعه آرمانی شده است.

فصل چہارم

نظارت و کنٹرول اجتماعی



از کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت، آراستگی جامعه به هنجارها و خوبی‌ها و پیراستن از ناهنجاری‌ها و بدی‌هاست.

بر همین اساس، دیگر کارکرد اجتماعی انتظار، کنترل اجتماعی، یعنی دوری از انحرافات و ناهنجاری‌ها و گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: من سرّه ان یكون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق، وهو منتظر.^۱ در این کلام منتظر واقعی کسی است که خود را با ورع و پرهیزکاری و دوری از ناهنجاری‌ها و آراستن به هنجارها و خوبی‌ها وفق می‌دهد. پس یکی از وظایف منتظران امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، دوری جستن از انحرافات و ناهنجاری‌هاست.

با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور امام زمان علیه السلام، ایشان همه شیعیان و منتظران را به اعمال پسندیده و دوری از بدی‌ها و ناهنجاری‌ها فراخوانده، می‌فرمایند:

فیعمل کل امری منکم ما یقرب به من محبتنا ولیتجنب ما یدنیه من کراهتنا،
وسخطنا فان امرنا بغتة فجاءه حین لاتنفعه وتوبه ولاینجیه من عقابنا ندم
علی حوبه...؛^۲ «هریک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود،

۱. محمدبن ابراهیم نعمانی، الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۲۰۰، ج ۱۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

پیشه خود سازید و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری
گزینید؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه و
بازگشت برای کسی نفع و سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر
ما نجات نمی بخشد.

بنابراین از آثار و کارکردهای اجتماعی انتظار حقیقی امام زمان عج، کنترل اجتماعی و
دوری از انحرافات و ناهنجاری ها بوده، منتظر واقعی، هرگز خود را به گناه، بدی ها و
زشتی ها آلوده نمی کند.

بنا بر آنچه در توفیق مقدس از ناحیه امام زمان عج، به شیخ مفید صادر شده، علت
طولانی شدن غیبت را، اعمال ناپسند و زشت شیعیان دانسته و فرموده اند: ... فما یحبسنا
عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه ولا نؤثره منهم...^۱

حضرت می فرمایند: «تنها چیزی که ما را از شیعیان پوشیده می دارد (غیبت)، همانا
چیزهای ناخوشایندی است که از شیعیان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان
انتظار نمی رود».

پس انتظار صحیح و واقعی، فرد منتظر را به اصلاح خویشتن و جامعه و ادار کرده، یک
نوع سنخیت بین اعمال و رفتارمان با امام زمان عج ایجاد می کند.

اینکه در حدیث آمده، کسی که معرفت به امام زمان عج نداشته باشد، به مرگ جاهلی
مرده است، بیانگر این است که انسان، با شناسایی و معرفت به امام عصر عج خود و بهره مند
شدن از هدایت های آن حضرت و رعایت اوامر و نواهی او که همان فرمان ها و منهیات
اسلام است، می تواند از مرگ جاهلی بگریزد. بنابراین در سایه این معرفت و شناخت،
شخص منتظر، خود را ملزم به رعایت هنجارهای دینی (دستورهای دین اسلام) می داند و
این عامل کنترل اجتماعی است.

از این رو، انتظار در جامعه، کارکرد کنترل اجتماعی را ایفا و جامعه را برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه آماده و مهیا می‌کند.

انتظار حضرت مهدی عجل الله فرجه با دو مکانیزم، عامل کنترل و نظارت اجتماعی شمرده شده، باعث کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی می‌شود.

الف) مکانیزم درونی که با احساس حضور امام حاصل می‌شود؛

ب) مکانیزم بیرونی که به وسیله جامعه‌پذیر کردن انتظار حضرت مهدی عجل الله فرجه حاصل می‌شود؛ و مردم به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و مهدوی گرایش می‌یابند. همچنین به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، جامعه از بدی‌ها و ناهنجاری‌ها دوری می‌گزینند. از این رو، مکانیزم بیرونی، هم شامل جامعه‌پذیری و هم شامل نظارت و کنترل اجتماعی است.

با توجه به مطالب مزبور، در این فصل ما به سه بخش می‌پردازیم:

الف) احساس حضور امام در شخص منتظر، به منزله عاملی در کاهش ناهنجاری‌ها؛

ب) جامعه‌پذیر کردن انتظار حضرت مهدی عجل الله فرجه، به منزله عاملی برای گسترش مهدویت و نهادینه کردن فرهنگ انتظار؛

ج) دعوت به امر به معروف و نهی از منکر، به منزله عاملی برای کنترل و نظارت اجتماعی. از آنجا که برخی جامعه‌شناسان، فرایند نظارت اجتماعی را ادامه‌دهنده بحث جامعه‌پذیری، و هر دو را، مکمل یکدیگر می‌دانند، در این فصل به هر دو بحث اشاره می‌کنیم.

۱. احساس حضور

در عصر غیبت، شخص منتظر خود را در حضور و منظر امام خویش می‌داند و به درجه‌ای می‌رسد که امام عصر را شاهد و ناظر بر اعمال خویش می‌بیند. حاصل این احساس حضور که در سایه انتظار امام زمان عجل الله فرجه به دست می‌آید، کنترل اجتماعی جامعه و ممانعت از بروز انحرافات در فرد و جامعه است.

در زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه آمده: السلام عليك يا عين الله في خلقه؛^۱ «سلام بر تو، ای چشم خدا در میان آفریدگان». از این رو، یکی از القاب امام زمان علیه السلام «عین الله» یعنی چشم خداوند در میان بندگان است. با این وصف، منتظر واقعی همیشه احساس حضور می کند و این احساس، او را از ارتکاب به گناه و ناهنجاری‌ها بازداشته، پیوسته مراقب مجموعه گفتارها و رفتارهای خود خواهد بود تا موردی برخلاف رضای امام عصر علیه السلام از او صادر نگردد.

همچنین در توقیع شریفشان به شیخ مفید می فرمایند: فانا يحيط علمنا بانباتكم، لا يعزب عنا شي من اخباركم... انا غير مهملين لمراعاتكم ولاناسين لذكركم...^۲ حضرت می فرمایند: «ما به اخبار شما عالم و آگاهیم و هیچ چیزی از اوضاع شما بر ما پنهان نیست». و در ادامه می فرمایند: «ما هرگز از سرپرستی و رسیدگی به شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم».

این کلمات نورانی، نمونه‌ای از آگاهی و مراقبت دائمی امام زمان علیه السلام از شیعیان و دوستانشان و محبت به آنها است که نشان‌دهنده این است که شیعیان، همواره، در منظر و حضور امام عصر علیه السلام هستند. با این اوصاف، منتظر حقیقی، همواره احساس حضور می کند. بنابراین احساس حضور، عامل و مکانیزم درونی‌ای برای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی شمرده می شود.

همچنین روایاتی مبنی بر اینکه نامه اعمال و کردار شیعیان و انسان‌ها هفته‌ای دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) به محضر حضرت آورده می شود، حاکی از این است که همه اعمال و رفتار انسان‌ها مد نظر امام عصر علیه السلام است. بنابراین انتظار حقیقی، انسان‌های منتظر را به مراقبت از خویش و رعایت هنجارها دعوت می کند.

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت امام زمان در روز جمعه.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

اثر و کارکرد احساس حضور، کنترل و نظارت اجتماعی است؛ و به تعبیر دیگر، منجر به کاهش ناهنجاری‌ها می‌شود؛ زیرا میان انتظار و عمل مورد پذیرش منتظر، تلازم منطقی وجود داشته، در غیر این صورت، انتظار امری بی‌معنا خواهد بود.^۱

نمونه‌ای از اوج احساس حضور

ابوبصیر می‌گوید:

با امام باقر علیه السلام وارد مسجد شدم، مردم در حال رفت و آمد بودند. امام علیه السلام خود را از دیدگان مردم غایب نموده، به من فرمودند: از مردم بپرس، آیا مرا می‌بینند؟ من با هر کس ملاقات کردم و از او سؤال کردم که آیا امام باقر علیه السلام را دیدی؟ می‌گفت: نه. تا اینکه فردی نابینا به نام ابوهارون وارد شد. امام علیه السلام فرمودند: از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام را دیدی؟ ابوهارون در جواب گفت: مگر ایشان در اینجا نایستاده‌اند؟ ابوبصیر گفت: از او سؤال کردم، تو از کجا از این مطلب آگاه شدی؟ ابوهارون گفت: چگونه به آن، علم و آگاهی پیدا نکنم در حالی که امام نوری است آشکار. آن‌گاه ابوبصیر می‌گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام به مردی از اهل افریقا می‌فرمود: حال راشد چگونه است؟ او گفت: از افریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام رساند. امام فرمودند: خدا او را رحمت کند. مرد افریقایی گفت: او مرد؟! امام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟ امام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از افریقا مُرد... آن‌گاه، امام فرمودند آیا معتقدید برای ما نسبت به شما، چشمانی نظاره‌گر و گوش‌های شنوا وجود ندارد؟ چقدر

۱. محمدرضا شرفی، «مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار»، سخنرانی‌های گفتمان سوم مهدویت، ص ۱۳۸.

بد است آنچه به آن عقیده دارید... والله لا يخفى علينا شيء من اعمالكم فاحضرونا جميعاً وعودوا انفسكم الخير...^۱ به خدا قسم! بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست. پس همه ما را حاضر نزد خود بدانید و خودتان را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا این حقیقت را بشناسید.

بنابراین کارکرد احساس حضور امام زمان عج دوری از لغزش‌ها و ناهنجاری‌هاست و احساس حضور عامل درونی نظارت و کنترل اجتماع به‌شمار می‌آید. از این‌رو، منتظران واقعی، خود را به هنجارها و ارزش‌ها عادت می‌دهند.

پارسونز معتقد است چهار نوع کنترل و نظارت اجتماعی وجود دارد. نوع چهارم کنترل را «توسل به وجدان افراد، از طریق مطرح ساختن معیارهای درست و نادرست در یک سیستم اخلاقی»^۲ می‌داند. احساس حضور را می‌توان نوعی توسل به وجدان افراد منتظر دانست که از طریق تطبیق اعمال خود با معیارهای انتظار حقیقی، از اعمال انحرافی و ناهنجاری‌ها دوری می‌جویند.

۲. جامعه‌پذیر کردن انتظار امام زمان عج

قبل از پرداختن به مبحث مزبور، نخست باید به بررسی تفاوت جامعه‌پذیری با نظارت و کنترل اجتماعی پردازیم.

الف) تفاوت جامعه‌پذیری با کنترل اجتماعی

نظارت اجتماعی، مجموعه فراگردهای جامعه‌پذیری و به‌ویژه، فشاری است که افراد در

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲. چالمرز جانسون، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، ص ۴۳.

جامعه حس می‌کنند؛ و این فشار باعث می‌شود رفتار آنها به سوی هم‌رنگی و متابعت از جامعه سوق داده شود و انسجام جامعه حفظ گردد.^۱

طبق این تعریف، نظارت اجتماعی از مجموعه فراگردهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است. بنابراین برخی جامعه‌پذیری را جزئی از فرایند نظارت اجتماعی می‌دانند. کازینو و برخی دیگر، نظارت اجتماعی را «ادامه فرایند جامعه‌پذیری»^۲ پنداشته‌اند.

بنابراین فرایند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، هر دو، مکمل یکدیگرند. به گونه‌ای که جامعه‌پذیری به دنبال هم‌نوایی جامعه است؛ و کنترل اجتماعی به دنبال کاهش ناهنجاری‌ها. فرایند کنترل اجتماعی و فرایند اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) دو روی یک سکه و دو جنبه از یک واقعیت تام هستند.^۳

هر جامعه‌ای برای بقا و هم‌نوایی افراد جامعه، با ارزش‌ها و هنجارها به دو فرایند اکتفا می‌کند؛ یکی جامعه‌پذیری که در این باب به انتقال فرهنگ و ارزش‌ها می‌پردازد، و دیگری نظارت اجتماعی که از بروز تخلف جلوگیری می‌کند. بر این اساس، ما به دو بحث می‌پردازیم. یکی فرایند جامعه‌پذیری انتظار و دیگری نظارت و کنترل اجتماعی که هر دو در کاهش ناهنجاری‌ها مؤثرند.

در جامعه‌پذیری موفق، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، درونی می‌شود؛ به گونه‌ای که این هنجارها با فرد، یکی شده، فرد، خود را ملزم به انجام آن می‌بیند و بدون اینکه تحت فشار یا نظارت بیرونی باشد، به این هنجارها و ارزش‌ها عمل می‌کند. در این حالت، فرد، لحظه به لحظه، احساس نمی‌کند که به او فرمان داده می‌شود و عوامل بیرونی به او حکم می‌رانند؛ بلکه خود به خود، به هنجارهای اجتماعی عمل

۱. ژان کازینو، قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، ص ۷۱.

۲. عبدالحسین نیک‌گهر، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۳۲۹.

۳. غلامرضا صدیق‌آوردی، اندیشه اجتماعی در روایات امریه معروف و نهی از منکر، ص ۳۴.

می‌کند و سرچشمه هم‌نوایی او با هنجارهای اجتماعی، انتخاب آگاهانه خود اوست، نه عوامل بیرونی.^۱

از این رو، اگر فرایند جامعه‌پذیری در جامعه‌ای موفق عمل نکند، نوبت به نظارت و کنترل بیرونی می‌رسد تا در این فرایند، جلوی انحرافات و ناهنجاری‌ها گرفته شود. بنابراین جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، هر دو، مکمل یکدیگرند؛ یعنی هرچه عملکرد جامعه‌پذیری مؤثرتر و موفقیت‌آمیزتر باشد، میزان کج‌روی کمتر، و بالتبع، نیاز به نظارت اجتماعی کاهش خواهد یافت؛ و در مقابل، هرچه فرایند جامعه‌پذیری دارای نقصان باشد، جامعه باید به مراتب، هزینه‌های بیشتری را برای نظارت اجتماعی پردازد.^۲

بر این اساس، ما، هم به جامعه‌پذیری انتظار و هم به مبحث کنترل و نظارت اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) می‌پردازیم که از آثار اجتماعی انتظار مثبت به‌شمار می‌آید؛ چراکه انتظاری که انسان‌ها را دعوت به گناه و معصیت کند یا آنها را از گناه و معصیت دور نسازد، انتظار مثبت و سازنده‌ای نیست، بلکه انتظاری مخرب و ویرانگر است.

به اعتقاد برخی از محققین جامعه‌شناس، سه عامل اصلی در بروز انحرافات رفتاری وجود دارد که یکی از آن عوامل، آموزش ناکافی اعضای جدید جامعه در زمینه نظام اجتماعی^۳ است. از این رو، با فرایند جامعه‌پذیر کردن انتظار، می‌توان فرهنگ مهدویت و انتظار را در جامعه و نسل جدید، نهادینه، و از بروز برخی ناهنجاری‌ها جلوگیری کرد.

عامل دومی که در بروز انحرافات مؤثر است، ارزش‌های متعارضی هستند که از وجود معیارهای متنافر در بطن نظام ارزشی ناشی می‌شوند.^۴ از این رو، قایلین به انتظار ویرانگر، به گسترش گناه و اشاعه فحشا معتقدند؛ و انتظار را در رواج فساد و گناه دنبال می‌کنند تا با

۱. محمد رضا طالبان، مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. چالمرز جانسون، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، ص ۴۷.

۴. همان.

گسترش ظلم و جور، به خیال خودشان، زمینه ظهور امام زمان علیه السلام محقق شود. در حالی که انتظار صحیح، باید انسان‌ها را از گناه و معصیت بازدارد. از این رو، چنین تفکری در برخی از گروه‌ها سبب شده که برخی از افراد دچار تعارض در رفتار شوند. این همان عاملی است که در بروز انحرافات مؤثر است. بدین روی، با بیان انتظار صحیح و نقش امریه معروف و نهی از منکر که از وظایف منتظران حقیقی امام زمان علیه السلام است، می‌توان از گسترش این تفکر خطرناک و رواج فساد و معصیت در جامعه جلوگیری کرد. بر همین اساس، هم به بحث جامعه‌پذیری فرهنگ مهدویت و انتظار، و هم به بحث امریه معروف و نهی از منکر، به منزله عامل بیرونی نظارت و کنترل اجتماعی می‌پردازیم که هر دو مکانیزم، عامل کاهش ناهنجاری‌ها هستند.

ب) تعریف جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری (اجتماعی شدن) که از دوران طفولیت آغاز می‌شود، فرایندی است که طی آن، فرد با فراگیری گرایش‌ها، اندیشه‌ها و انگاره‌های رفتاری جامعه‌پسند - از طریق تماس با دیگران - نقش‌هایی را که تعیین‌کننده رفتار اجتماعی او است و با پایگاه وی در گروه‌های مختلف اجتماعی انطباق دارد، برعهده می‌گیرد. در جریان جامعه‌پذیری است که شخصیت تکوین می‌پذیرد.^۱

ج) عوامل جامعه‌پذیری

عوامل لازم برای تحقق جامعه‌پذیری عبارت‌اند از:

۱. خانواده؛ ۲. گروه همسالان؛ ۳. مدرسه، مسجد، نهادهای آموزشی و مذهبی؛
۴. وسایل ارتباط جمعی.

۱. جوزف روسک و رولند وارن، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، ص ۳۸.

۱. جامعه‌پذیری در خانواده ایرانی

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که شخص در آن پا به عرصه زندگی می‌گذارد و اولین پایه‌های تربیتی و تعلیمی در آن گذارده می‌شود. خانواده‌های ایرانی، دارای امتیازهایی، به شرح زیر هستند:

۱. خانواده ایرانی استحکام خوبی داشته، بسیاری از کارکردهای خود را حفظ کرده است^۱ و کارکرد تعلیم و تربیت که آموزش دینی به کودکان در رأس آن است، هنوز از مهم‌ترین کارکردهای خانواده در جامعه ایرانی به شمار می‌آید؛
۲. دومین خصوصیتی که در جامعه‌پذیری در خانواده ایرانی اهمیت فراوانی دارد، خانه‌دار بودن مادران در اکثر خانواده‌ها و تعامل همیشگی و مرتب آنان با فرزندان است.^۲ از این رو، خانواده پایگاه مهمی برای جامعه‌پذیری فرهنگ انتظار به شمار می‌آید.

۲. گروه همسالان

ارتباط چهره‌به‌چهره، عاطفی و غیر رسمی گروه همسالان با یکدیگر، بیشترین تأثیر را در جامعه‌پذیر کردن آنان به عهده دارد. از این رو، این گروه، به راحتی از یکدیگر متأثر شده، یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری افراد، به شمار می‌آیند. بیشترین تأثیر گروه همسالان را باید در دوران نوجوانی و جوانی دانست؛ و طبیعی است هرچه تعداد نوجوانان و جوانان یک جامعه بیشتر باشد، اهمیت گروه همسالان نیز، در آن جامعه بیشتر می‌شود.^۳

ایران هم یکی از کشورهایی است که جمعیت جوان زیادی دارد؛ و در سالنامه آماری کشور، در آبان ماه سال ۱۳۷۵، تعداد جمعیت نوجوان و جوان کشور چنین درج شده است.

۱. علی‌اکبر کمالی، بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۱۳۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۴۶.

| سن | جمعیت به نفر |
|-------|--------------|
| ۱۹-۱۵ | ۷۱۱۵۵۴۷ |
| ۲۴-۲۰ | ۵۲۲۱۹۸۲ |
| ۲۹-۲۵ | ۴۷۰۹۱۵۴ |
| ۳۴-۳۰ | ۳۹۸۰۰۶۶ |

بنابراین هرچه گروه همسالان ایران با عقاید دینی و مذهبی، از جمله فرهنگ انتظار و مهدویت، آشنایی و انس بیشتری داشته باشند، در همسالان خود، تأثیر گذارتر هستند.

۳. مساجد و نهادهای مذهبی و آموزشی

یکی از عوامل جامعه‌پذیری در ایران، مساجد و نهادهای مذهبی و آموزشی است. دین می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیر کردن افراد باشد؛ به خصوص که جامعه ایرانی، جامعه اسلامی و دینی است و مساجد و نهادهای مذهبی، پایگاه مهمی در جامعه‌پذیر کردن افراد به‌شمار می‌آیند. افراد در جریان آشنایی با نهادها و اماکن ویژه‌ای چون مسجد، حسینیه، هیئت‌های مذهبی و شرکت در مراسم نماز جماعت، عزاداری، مجالس و محافل دینی، مستقیماً با بخش مهمی از ارزش‌ها و هنجارهای خاص جامعه آشنا شده، خود را با آن هماهنگ می‌کنند. از این‌رو، پایگاه‌های مذهبی می‌توانند عامل مهم انتقال فرهنگ صحیح انتظار امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه و مهدویت باشند.

نهاد مدرسه و آموزش و پرورش هم، با طرح مباحث مهدویت و انتظار امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه در کتاب‌های بینش و اندیشه اسلامی و پرداختن به مسائل اصلی و ریشه‌ای انتظار صحیح، می‌تواند جوانان ایران را در جامعه‌پذیر کردن فرهنگ انتظار و مهدویت یاری نموده، در پرتو این جامعه‌پذیری، جوانان را از هر نوع آسیبی حفظ نماید.

۱. سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۰، ص ۴۹.

۲. علی‌اکبر کمالی، بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۱۵۴.

۴. وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات)

با توجه به اینکه یکی از کارکردهای وسایل ارتباط جمعی، کارکرد آموزشی است، این وسیله در جامعه پذیر کردن فرهنگ انتظار نقش بسزایی دارد.

وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با طرح مباحث و میزگردهایی درباره مهدویت، انتظار و آثار انتظار مثبت، به نقش نظارتی انتظار توجه، و جوانان را به دوری از ناهنجاری‌ها دعوت کنند.

راهکارهای جامعه‌پذیر کردن انتظار با به کارگیری وسایل ارتباط جمعی:

۱. طرح مباحثی پیرامون فرهنگ انتظار و مهدویت در قالب میزگردهای علمی؛

۲. پخش دعاهای منسوب به حضرت، مانند ندبه، عهد و آل یس؛

۳. تهیه فیلم‌هایی درباره مهدویت، انتظار و آثار سازنده آن؛

۴. نشر و انتشار مجله‌هایی درباره بحث انتظار و مهدویت، شامل ماهنامه و فصلنامه.

بنابراین عواملی از جمله نهاد خانواده، مدرسه و نهادهای مذهبی، گروه همسالان و وسایل ارتباط جمعی، هریک به نوبه خود، می‌توانند فرهنگ انتظار مثبت و سازنده را در جامعه رواج داده، نهادینه کنند تا بدین وسیله، افراد جامعه با جامعه‌پذیری مهدوی، خود را از فساد، گناه و معصیت دور کنند. در این بخش، به راهکارهای کلی برای جامعه‌پذیر کردن فرهنگ انتظار می‌پردازیم تا هر کدام از عوامل و کارگزاران جامعه‌پذیری، از این راهکارها و قالب‌ها در تبلیغ و ترویج بحث انتظار امام زمان عج استفاده کنند.

د) راهکارهای کلی جامعه‌پذیری انتظار

۱. گرامیداشت مراسم نیمه شعبان

نیمه شعبان، عید انتظار و عید به نمایش گذاشتن شادمانی‌ها است. مراسمی است که به واسطه آن، می‌توان انتظار را جامعه‌پذیر کرد. مراسم نیمه شعبان، یعنی اعلان وفاداری به

آن حضرت و آمادگی ظاهری و باطنی برای ظهور ایشان. همه این شادی‌ها و چراغانی‌ها، بیانگر انتظار مصلح جهانی است، و در این قالب می‌توان فرهنگ انتظار و کارکردهای آن را در افراد منتظر زنده کرد تا منتظران همان‌طور که ظاهراً آماده‌اند، باطن خویش را هم آراسته کرده، حقیقتاً منتظر امام زمان علیه السلام باشند.

۲. برگزاری مراسم ادعیه خاص آن حضرت

برگزاری و شرکت در مراسم دعا‌های منسوب به امام زمان علیه السلام راهی است برای انتقال مباحث انتظار. با تأمل و تدبر در این ادعیه، معرفت و شناخت ما نسبت به امام زمان علیه السلام کامل‌تر شده، بیشتر به آن حضرت، احساس نیاز می‌کنیم.

تدبر در مضامینی از جمله: *بِئْمَنَةِ رِزْقِ الْوَرَى وَبِوَجُودِهِ ثَبَّتِ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ*^۱ السلام علیک یا عین الله فی خلقه؛^۲ *أین قاصم شوکة المعتدین این هادم ابنیة الشکر والنفاق*، این مبیید اهل الفسوق والعصیان؛^۳ «کجاست درهم‌شکننده شوکت متجاوزان؟ کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و نفاق؟» و مضامین دیگری که در دعای عهد و آل یس آمده، فرهنگ انتظار را در افراد منتظر، جامعه‌پذیر و نهادینه، و زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را مهیا می‌کند. از این رو، با برپایی این مراسم و شرکت در آن، فرهنگ انتظار در وجود افراد جامعه نهادینه شده، زمینه اصلاح فرد و جامعه فراهم می‌شود.

۳. توجه به اماکن ویژه حضرت (مسجد جمکران و سهله)

مسجد جمکران، جایگاه میلیون‌ها انسان علاقه‌مندی است که به شوق دیدار و توسل به آن

۱. بخشی از دعای عدیله.

۲. بخشی از زیارت امام زمان در روز جمعه.

۳. بخشی از دعای ندبه.

بزرگوار در این مکان جمع می‌شوند و به دعا و نیایش می‌پردازند، تشریف و دعا در این اماکن مقدس، یکی از راهکارهای جامعه‌پذیر کردن فرهنگ انتظار شمرده می‌شود.

۴. فرستادن هدیه به نیابت از آن حضرت (از قبیل صدقه دادن، به‌جا آوردن طواف، خواندن نماز و اعمال مستحبی دیگر)

یکی دیگر از راهکارهای جامعه‌پذیر کردن انتظار در میان نسل جوان و افراد جامعه، این است که همواره به یاد آن حضرت باشیم و به نیابت از ایشان، اعمال مستحبی انجام دهیم؛ چراکه انتظار همیشگی، نشانه‌ی علاقه و محبت به آن حضرت است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ بنده‌ای ایمان نیاورد تا اینکه من نزد او از خودش محبوب‌تر باشم، و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوب‌تر باشند، و عترت من نزد او از عترت خودش محبوب‌تر باشد، و ذات من از ذات خودش نزد او محبوب‌تر باشد»^۱.
با ترویج این راهکارها در خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی و وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ انتظار در افراد به‌منزله‌ی عاملی در کاهش ناهنجاری‌ها نهادینه می‌شود.

۳. نظارت و کنترل اجتماعی

امر به معروف و نهی از منکر به‌منزله‌ی عامل کنترل اجتماعی مکانیزم سومی برای کاهش ناهنجاری‌ها در عصر غیبت به‌شمار می‌آید. کنترل اجتماعی، همه‌ی فرایندهای تأثیرگذار بر افراد جامعه است که جامعه و گروه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن را به‌هم‌نوایی با هنجارهای گروه، سوق می‌دهد.^۲

نظارت و کنترل اجتماعی که از کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام

۱. محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۳۰۹.

۲. جوزف روسک و رولند وارن، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، ص ۲۳۲.

شمرده می‌شود، به این معناست که منتظر امام زمان علیه السلام هرگز، خود را به گناه، فساد و رواج آن آلوده نمی‌کند، بلکه انتظار زمینه‌ای برای اصلاح فرد و جامعه می‌شود. بر این اساس، انتظار حقیقی مانع حل شدن آدمی در محیط فساد یا تسلیم شدن در برابر آن است... که پیوسته آنها را به مقاومت و خویشتن‌داری دعوت می‌کند؛ و در برابر امواج نیرومند فساد و تباهی مصونشان می‌دارد.^۱

برداشت انحرافی گروهی از انتظار

انتظار سازنده و صحیح، انتظاری است که انسان را به عمل، حرکت، پویایی، امریه معروف و نهی از منکر و دعوت به خدا و جهاد در راه او فرامی‌خواند.^۲ اما گروهی، با برداشت انحرافی از انتظار، معتقدند که یکی از زمینه‌های ظهور، رواج فساد و ظلم در جامعه است. هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی‌ای به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند، رواست؛ زیرا الغایات تبرر المبادی؛ «هدف‌ها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند»، پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.^۳ این برداشت از انتظار، برداشتی ویرانگر و قشری است.

این گروه که به انجمن حجّیه معروف‌اند، در ظاهر، با فساد مخالف‌اند؛ ولی در عمق ضمیرشان به اشاعه ظلم و فساد برای تسریع ظهور مهدی به منزله تقویت زمینه‌های منفی که لازمه قیام حضرت است، رضایت می‌دهند.^۴ این گروه معتقدند برای تحقق انقلاب مهدی علیه السلام باید زمینه‌های منفی، مثل تبهکاری و ستمگری‌ها در جامعه گسترش پیدا کند.^۵

۱. محسن کتابچی، مهدی منتظر ناموس اعظم حق در کلام امام هشتم علیه السلام، ص ۴۱.

۲. محمد مهدی آصفی، الانتظار الموجه درسه فی علاقة الانتظار بالحركة وعلاقة الحركة بالانتظار، ص ۶۸.

۳. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۲-۶۳.

۴. عمادالدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۱۳۹.

۵. سیدضیاءالدین علیانسیب و سلمان علوی نیک، جریان‌شناسی انجمن حجّیه، ص ۵۵.

همچنین قایل اند در اثر شیوع گناه و فحشا، مردم بدترین خلق خدا در روی زمین شده، خداوند آنها را به سه بلا دچار می کند: ۱. جور سلطان، قحطی زمان، ستم حکام؛ ۲. مردم از هم بیزار شده، همدیگر را لعن می کنند و روی هم آب دهان می اندازند و به کفر یکدیگر شهادت می دهند؛ ۳. گرانی، قحطی، زلزله های پیاپی، قتل و غارت، شیوع گناه و فساد و...^۱

بر این اساس معتقدند همان طور که در حدیث آمده، یملاء الله عزوجل به الارض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً، این گناهان ظهور حضرت را محقق می گرداند.^۲ از این رو، با حکام جور و سلاطین ستمگر به مبارزه برنمی خیزند تا ظلم و فساد گسترش پیدا کند.

حضرت امام خمینی علیه السلام هم، در واکنش به این جریان انحرافی به ایراد سخن پرداختند و فرمودند: «یک دسته ای می گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود».^۳

دیدگاه دیگری که افراطی تر از دیدگاه قبل است، معتقد است مانع تنها نباید جلوی معاصی و گناهان را بگیریم، بلکه باید با دامن زدن به آنها، زمینه ظهور حضرت را فراهم کنیم. امام خمینی علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «یک دسته ای از این بالاتر بودند، می گفتند: باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم شود و حضرت تشریف بیاورند. این هم یک دسته ای بودند که البته در بین این دسته منحرف هایی هم بودند».^۴

این دیدگاه ها، دیدگاهی انحرافی از انتظار امام زمان علیه السلام است که به نقد آن می پردازیم و معتقدیم که منتظر واقعی، نه خود را آلوده به گناه و معصیت می کند، نه به ترویج آن می پردازد.

۱. عمادالدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۱۳۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۴. همان، ص ۱۹۶-۱۹۷.

نقد تفکر انحرافی از انتظار

۱. لازمه این تفکر انحرافی، نفی دستوره‌های اسلام و به خصوص، نفی امر به معروف و نهی از منکر است. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید، نباید کرد، این را باید به دیوار زد، این گونه روایت قابل عمل نیست».^۱ شهید مطهری این نوع برداشت را نوعی اباحیگری می‌داند و لازمه آن را تعطیلی حدود و مقررات اسلامی شمرده، معتقد است که این نوع برداشت، موافق با موازین اسلامی و قرآنی نیست؛ و لازمه این نوع تفکر این است که به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نگاه عداوت گونه‌ای نگریسته شود.^۲ به قول حضرت امام، «لازمه این تفکر انحرافی این است که ما باید دعاگوی امریکا و صدام باشیم، به خاطر این همه ظلم و فساد که در جهان می‌کنند».^۳

۲. این تفکر، شبه‌دیالکتیکی و شبه‌مارکسیستی است؛ زیرا مارکسیست‌ها برای رسیدن به کمونیسم نهایی، ایجاد نارضایتی و توسعه فساد و سامان‌دهی به امور نامشروع را برای به اوج رساندن کشمکش‌ها، لازم می‌دانند. با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی، مخالفت با اصلاحات و تشدید نابسامانی‌ها از آن جهت است که شکاف، وسیع‌تر و مبارزه، پیگیرتر و داغ‌تر شود، ولی این تفکر عامیانه فاقد این مزیت است، فقط به فساد و تباهی فتوا می‌دهد که خود به خود، منجر به نتیجه مطلوب بشود.^۴

۳. حدیث یملاء الله به الارض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً، شاهد بر نفی تفکر گسترش ظلم و فساد است؛ زیرا این حدیث، از گروه ظالم سخن می‌گوید که مستلزم وجود گروه مظلوم است؛ و بر این دلالت دارد که قیام امام زمان علیه السلام، برای حمایت از

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۳-۶۴.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ص ۱۹۷.

۴. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۳-۶۴.

مظلومان است؛ ولی اگر متن روایت این طور بود که یملاء الله به الارض ایماناً وتوحیداً وصلاحاً بعد ما ملئت کفراً وشرکاً وفساداً؛ مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت، وجود دارند؛ در این صورت، استنباط می شد که قیام امام زمان علیه السلام، برای نجات حق از دست رفته و به صفر رسیده است، نه برای گروه حق، هر چند به صورت اقلیت.^۱

۴. روایت یملاء الله به الارض... بعد ما ملئت ظلماً وجوراً، به این معنا نیست که در آن زمان همه مردم فاسد و ستمگر بوده، هیچ فرد صالحی در آن زمان یافت نمی شود؛ چرا که آیه ۵۵ سوره نور و آیه پنج سوره قصص، حاکی از آن است که هنگام ظهور، افراد پاک و شایسته ای وجود دارند که به رهبری امام زمان علیه السلام، وارثان حکومت در زمین هستند.

از این رو، منظور، فراگیری مطلق ظلم و ستم نیست، به حدی که انسان وارسته ای یافت نشود، بلکه فراگیری ظلم و جور، در عالم نسبی است.^۲ به همین جهت، انسان های وارسته و صالح هم، وجود دارند؛ امام صادق علیه السلام، می فرمایند: ... والله لا یأتیکم حتی یشقی من شقی ویسعد من سعد؛^۳ «امر فرج تحقق نمی پذیرد تا اینکه هریک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند». بنابراین در کنار وجود ظلم و فساد، انسان های وارسته و صالح هم هستند. همچنین، وجود ۳۱۳ نفر از یاران حضرت که بر اساس روایات، به حضرت ملحق می شوند، حاکی از این است که در عین اشاعه ظلم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده ای را پرورش می دهد.^۴

۵. این دیدگاه که الغایات تبریر المبادی، یعنی هدف ها، وسیله های نامشروع را توجیه می کنند، از نظر دینی کاملاً اشتباه است؛ زیرا همان طور که حکومت حضرت مهدی علیه السلام، ریشه کن کننده ظلم و جور و برپاکننده عدل و خالی از قلدری و قساوت است، راه پیدایش

۱. همان، ص ۶۶.

۲. محمدصابر جعفری، «اندیشه مهدویت و آسیب ها»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۵، ص ۵۰.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، باب ۳۳، ص ۲۲، ح ۳۲.

۴. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۷.

این مقصود نیز، باید چنین باشد؛ یعنی به دور از ظلم و جور، قساوت و قلندری، و خالی از دروغ‌گویی و ریاکاری باشد. قداست، مجوز گناه نمی‌شود؛ چرا که گناه، جز گناه نمی‌زاید و با ظلم نمی‌شود عدل برپا کرد.^۱

۶. حرکت امام زمان علیه السلام، مانند امور دیگر روال طبیعی دارد و در زمان حضرت، کارها به‌طور طبیعی انجام می‌شود؛ نه معجزه‌آسا.^۲ بنابراین هرچه امور و کارها آماده‌تر باشد، کار امام در زمان کمتری انجام خواهد شد؛ ولی هرچه ناهنجاری‌ها و مفاصد در جامعه اسلامی بیشتر باشد، بالتبع، کار امام زمان علیه السلام در رفع این ناهنجاری‌ها و انحرافات بیشتر و سخت‌تر خواهد بود. بنابراین هرچه زمینه‌های اصلاح در جامعه بیشتر باشد، ظهور زودتر محقق می‌شود، و هرچه گناه و معصیت زیادتر شود، ظهور حضرت هم به تأخیر می‌افتد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: لو قد خرج قائمنا لم یکن الا العلق والعرق والنوم علی السروج...^۳ «زمانی امام زمان علیه السلام قیام می‌کند که جز عرق ریختن و خواب بر روی زین‌ها (از فرط خستگی و مبارزه) نیست». برای ظهور حضرت، شرایط باید مهیا گردد و جامعه به‌سوی ارزش‌ها و هنجارهای دینی سوق داده شود و از انحرافات به‌دور باشد. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «فراهم کردن اسباب به این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم، برای آمدن حضرت». ^۴ نه اینکه به گسترش فساد و ظلم دامن بزنیم. به همین جهت، هرچه جامعه سالم‌تر و پاک‌تر باشد، کار امام زمان علیه السلام کمتر و آسان‌تر خواهد بود و منتظران، با اعمال صالح و شایسته، خود را باید برای ظهور حضرت آماده کنند؛ چرا که منتظر مصلح، خود، باید صالح باشد. در جای دیگر ایشان می‌فرمایند: «این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، پس دیگر بنشینیم در

۱. محمدصابر جعفری، «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۵، ص ۴۹.

۲. همان.

۳. محمدبن ابراهیم نعمانی، الغیبه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، باب ۱۵، ص ۲۸۵، ح ۵.

۴. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۹.

خانه‌هایمان تسبیح را [در] دست بگیریم و بگوییم عجل علی فرجه، عجل با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او...»^۱

بنابراین لازمه انتظار صحیح این است که به اصلاح خود و جامعه همت گماشته، در جامعه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا هنجارها و ارزش‌های اسلامی و دینی همچنان زنده بماند و زمینه ظهور امام زمان علیه السلام فراهم شود. از آنجا که دلیل اصلی نفی تفکر حجتیه، بحث امر به معروف و نهی از منکر است، در این بخش به این مبحث می‌پردازیم.

امر به معروف و نهی از منکر، عاملی برای نظارت اجتماعی

یکی از سازوکارهای مهم برای کاهش ناهنجاری‌ها در عصر غیبت، امر به معروف و نهی از منکر است. منتظر واقعی امام زمان علیه السلام همواره به این فریضه مهم اهمیت داده، موجب احیای ارزش‌ها و هنجارهای دینی در جامعه می‌شود.

امیرالمؤمنین در حکمت ۳۷۴ نهج البلاغه می‌فرماید: ما اعمال البر کلها والجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، الا کففته فی بحر لجی؛^۲ «همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره‌ای در برابر دریاست». این عبارت ضمن بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، تعطیل بردار نبودن آن را نیز گوشزد می‌کند. از تکالیف منتظران در عصر غیبت، امر به معروف و نهی از منکر است؛ چرا که رضایت امام زمان علیه السلام در انجام معروف و احیای ارزش‌های دینی است. بزرگ‌ترین امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر، در روزگار ظهور، خود مهدی علیه السلام است. پس چگونه ممکن است جامعه منتظران خشنودی مهدی را نخواهد، و در این بعد، به مهدی اقتدا نکرده، به او تشبه نجوید؟^۳

۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۸۴، حکمت ۳۷۴.

۳. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی، یکی از وظایف منتظران را اقتدا به آن حضرت بیان کرده، فرموده‌اند: طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی وهو مقتد به قبل قیامه...؛^۱ «خوشا به حال کسی که زمان حضرت مهدی علیه السلام را درک کند، درحالی که از اقتداکنندگان به آن حضرت باشد قبل از قیام». شاخص مهم این اقتدا، امر به معروف و نهی از منکر است.^۲ بنابراین اقتداکنندگان حقیقی حضرت، آمران به معروف و ناهیان از منکرند که نه خود آلوده به گناه می‌شوند و نه اجازه می‌دهند در جامعه، گناه و معصیت انجام شود.

تعریف امر به معروف و نهی از منکر از نظر علمای شیعه

شیخ طوسی در نهاییه می‌فرماید: الامر بالمعروف والنهی عن المنکر قرضان من فرائض الاسلام وهما قرضان علی الاعیان، لایسع احداً ترکهما والاخلال بهما؛^۳ «امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه از فرایض اسلام هستند که بر انسان‌ها واجب است و ترک و اخلال در هیچ کدام از این دو بر کسی جایز نیست».

آقای خویی هم، در منهاج الصالحین آورده: من اعظم الواجبات الدینیة الامر بالمعروف والنهی عن المنکر؛^۴ «از بزرگ‌ترین واجبات دینی، امر به معروف و نهی از منکر است».

حضرت امام خمینی علیه السلام هم در تحریر الوسیله، چنین آورده‌اند که: هما من اسمی الفرائض واشرافهما، وبهما تقام الفرائض، ووجوبهما من ضروریات الدین، منکره مع الالتفات بلازمه والالتزام به من الکافرین؛^۵ «امر به معروف از اشرف فرایض است که به وسیله این دو فریضه،

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۲.

۳. شیخ طوسی، نهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۹۹.

۴. ابوالقاسم موسوی خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۵۰.

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۴.

سایر فرائض هم برپا می‌شود و وجوبش از ضروریات دین اسلام است و منکر این فریضه با توجه و التفات به آن کافر است.»

با توجه به اینکه در روایات شیعه در زمان غیبت، برخی فسادهای اعتقادی، مانند سستی مردم در دین، و فسادهای دینی، مثل فواحش و منکرات، و فسادهای اجتماعی، همچون: تعدی و ستم، و فسادهای تربیتی، از جمله: بی‌ادبی و بی‌حیایی، و فسادهای اخلاقی، مانند: نفاق و دورویی، در جامعه رواج پیدا می‌کند،^۱ ضرورت امر به معروف و نهی از منکر برای احیای ارزش‌ها و هنجارهای دینی در عصر غیبت، به وضوح نمایان است تا در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، جامعه از مظاهر فساد و زشتی‌ها پاک شده، جامعه‌ای سالم و صالح در پرتو فرهنگ انتظار به وجود آید و زمینه، برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام آماده شود.

پیش‌فرض‌های امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه اسلام این فریضه مهم، مبتنی بر چند پیش‌فرض است:

۱. انسان موجودی اجتماعی است که کمال پیشرفت او در پرتو زندگی جمعی و اجتماعی است؛
۲. اجتماعی زیستن انسان به این معنا نیست که در قبال خیر و شر جامعه بی‌مسئولیت باشد و سرنوشت خود را از دیگران جدا ببیند. از این رو، زندگی اجتماعی، همراه با مسئولیت‌پذیری است که مسلمانان، به یاری یکدیگر زمینه رشد و تعالی خود را فراهم، و نقایص خود را برطرف کنند؛
۳. اجتماعی بودن به معنای اسیر بودن در برابر خواسته‌های اجتماع نیست بلکه انسان

۱. محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، تحقیق سیدجواد میرشفیعی خوانساری، ص ۱۲۳-۱۶۰.

می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، راهی را که درست‌تر است، انتخاب کند.^۱ با این پیش‌فرض‌ها، امر به معروف معنا پیدا می‌کند.

در جامعه‌ای که سرنوشت اعضا به هم پیوسته و امکان حرکتی جدای از حرکت کلی نیست؛ و انسان‌ها با سلامت جامعه، می‌توانند به سعادت نایل شوند، امر به معروف و نهی از منکر، بزرگ‌ترین ضامن سلامتی و نظارت جامعه است.^۲

سطوح امر به معروف و نهی از منکر در عصر غیبت

۱. سطح فردی

هر انقلابی پس از پیروزی، نیازمند نیروی انسانی مجرب و قابل اعتماد است. جامعه منتظران در عصر غیبت باید در درون خود، به کادرسازی نیروهای مجرب و آراسته به فضایل پردازند.^۳ یکی از شاخص‌های اصلی کادر انقلابی حکومت مهدوی، پارسایی و تهذیب نفس و آراستگی به مکارم اخلاق و... است. یقیناً در جامعه‌ای که داعیان به خیر و نیکی، و بازدارندگان از شر و زشتی وجود نداشته باشند، نفوس مهذب، بستری مساعد برای رشد و تکثیر پیدا نمی‌کنند، به ویژه، اگر قرار باشد که شکوفایی استعدادها و معنوی در قالب تنگ استنها محصور گردد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به تک‌تک افراد، پیش‌نیازی اساسی برای پرورش کادر فرماندهان و کارگزاران حکومت مصلح جهانی است.^۴

۲. سطح حکومتی

منتظران مصلح جهانی موظف‌اند با منکرات کلان حکومتی برخورد فعال و جدی داشته

۱. محمدرضا طالبان، مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، ص ۱۴-۱۵.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. سیدنا مر هاشم العمیدی، در انتظار قنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، ص ۲۸۵.

۴. همان، ص ۲۸۶.

باشند. از آنجا که الناس علی دین ملوکهم... منکراتی که از سوی دستگاه‌های رسمی اشاعه می‌گردد، تأثیری به مراتب مخرب‌تر دربردارد.^۱

امربه معروف و نهی از منکر در سطح حکومت‌ها و دولت‌ها، یکی از ارزشمندترین اقدامات به‌شمار می‌رود و با اجرا شدن آن در سطح فردی و حکومتی زمینه مناسبی برای ظهور امام زمان علیه السلام پدید می‌آید.

امیرالمؤمنین در باب اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در سطح حکومت می‌فرماید: و ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر لایقربان من اجل ولا ینقصان من رزق، و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائز؛^۲ «امربه معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک و نه رزقی را کم می‌کند؛ اما برتر از همه آن، سخن عادلانه‌ای است که پیش روی حاکم ستمگری بر زبان جاری شود».

بنابراین ویژگی منتظران واقعی، پاک‌دامنی و وارستگی اخلاقی و اجتماعی، و علت غیبت، ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی است و رفع آن، در پاک‌دامنی، وارستگی و تقواست. از این رو، امام زمان علیه السلام در توقیعی به شیخ مفید می‌فرماید:

... ولو کان اشیاعنا، وفقهم الله لطاعته، علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم، لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا...؛^۳ «اگر شیعیان ما که خدایشان بر انجام طاعات موفق بدارد، در وفا کردن به عهد ما همدل و یک‌نوا بودند، در یمن لقای ما دچار تأخیر نمی‌شدند و سعادت دیدار توأم با معرفت ما، به سویشان می‌شتافت؛ چیزی جز آنچه از ایشان به ما می‌رسد و از آنان نمی‌پسندیم، ما را از ایشان جدا نکرده است».

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۸۴، حکمت ۳۷۴.

۳. ابی‌منصور احمد طبرسی، احتجاج، تعلیق سیدمحمدباقر الخراسان، ج ۲، ص ۳۲۵.

همین معاصی و گناهان، ما را از مولایمان دور نگه داشته و سبب غیبت حضرت شده است. از این رو، تقوا و پاک‌دامنی، راستی و عمل به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و دوری از ناهنجاری‌ها، از جمله وظایف منتظران است و انتظار امام زمان علیه السلام چنین کارکردی را باید در منتظران حضرت داشته باشد. اگر منتظران چنین خصوصیتی را در خود پرورش دهند، برادران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شمرده می‌شوند؛ زیرا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خطاب به صحابه فرمودند: «شما اصحاب من هستید؛ لیکن برادران من مردمی هستید که در آخر الزمان می‌آیند؛ آن‌گاه، در توصیف اینان فرمودند:

لا حدهم اشد بقیه علی دینه، من خرط القتاد فی اللیله الظلماء او کالقابض علی جمر الغضاء اولئک مصابیح الدجی...^۱ «هریک از ایشان بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگه‌داری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کف دست، در دین‌داری خود استقامت و پایداری می‌ورزد؛ به راستی که آنان چراغ‌های هدایت در شب‌های ظلمانی هستید».

منتظران واقعی در پاکی، تقوا و دین‌داری چنان صبورند که همانند نگه‌داشتن آتش در دست، استقامت می‌ورزند. پس یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار، کنترل اجتماعی و حفظ و صیانت خود و جامعه از معاصی و گرایش به هنجارها و ارزش‌های دینی است.

فرایند اعمال کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)

کمترین درجه اعمال کنترل اجتماعی ترش‌رویی است. چنانچه در روایت ۲۱۱۹۴ و سائل الشیعه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: امرنا رسول الله صلی الله علیه و آله ان نلقى اهل المعاصی بوجوه مکفهرة؛^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، (۳۰ جلدی)، ج ۱۶، ص ۱۴۳.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما امر می کرد که با هنجارشکنان با چهره‌های درهم کشیده ملاقات کنید».

اگر ارتباط و پیوند گروهی بین اشخاص به قدری باشد که مؤمن مورد نظر، جزئی از جهان اجتماعی شخص دیگر باشد، و میل به پیوند و مقبولیت در آن شخص، شامل مؤمن مورد نظر نیز بشود، آن گاه کمترین میزان اعمال کنترل اجتماعی مؤمن، بر شخص دیگر، اعمال فشار عاطفی و درهم کشیدن چهره و ترش رویی است.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در بیانی دیگر، پایین ترین درجه ایمان را همین کراهت قلبی و ترش رویی دانسته و فرموده‌اند:

من رای منکم فلینکر بیده ان استطاع...؛^۲ «هر کسی از شما که کار ناهنجاری را در جامعه مشاهده کرد، قطعاً با عمل خود به آن اعتراض کند و اگر قدرت آن را ندارد، با زبان خود، و اگر قدرت آن را ندارد، با قلب خود به آن اعتراض کند، و این کراهت قلبی و ترش رویی پایین ترین درجه ایمان است».

بنابراین کمترین درجه اعمال کنترل اجتماعی، ترش رویی است؛ چرا که اگر در جامعه‌ای فرایند اعمال کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) تعطیل شد، آن جامعه، جامعه مرده و ایستایی خواهد بود و جامعه پویایی به شمار نمی‌رود. من ترک انکار المنکر بقلبه و لسانه فهو میت بین الاحیاء؛^۳ «هر کسی که امر به خوبی‌ها و ارزش‌ها و نهی از ناهنجاری‌ها را در جامعه کنار گذاشت، مرده‌ای در میان زنده‌هاست».

مرتبه دیگر اعمال کنترل اجتماعی، طرد اجتماعی است. از ویژگی فطری انسان میل به عضویت و پیوند گروهی است و عدم برآوردن این نیاز فطری، برای او زجرآور

۱. غلامرضا صدیق اورعی، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، ص ۷۵.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷.

۳. همان، ص ۴۰۴.

خواهد بود اگر شخص کج‌رو با ترش‌رویی، دست از ناهنجاری خود برداشت و با تذکر لسانی هم، تحت تأثیر قرار نگرفت، تهدید به طرد اجتماعی و قطع پیوند گروهی که به‌طور زبانی ابراز می‌شود، مرتبه دیگری از کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید. اگر باز هم با تهدید به طرد اجتماعی، ترک رفتار ناهنجار میسر نشد، مرتبه بعدی اعمال کنترل اجتماعی، طرد اجتماعی است.^۱

روایت ۲۱۲۰۰ وسائل الشیعه، ناظر به این مطلب است که تهدید به طرد اجتماعی عاملی برای کنترل اجتماعی است: لو انکم اذا بلغکم عن الرجل شیء تمشیتم الیه فقلتم: یا هذا اما ان تعزلنا وتجتنبنا، و ایا ان تلف عن هذا، فان فعل والا فاجتنبوه؛^۲ «به فرد ناهنجار بگویید دست از رفتار ناهنجار خود بردارد، اگر دست برداشت که با او ارتباط داشته باشید، والا با او قطع رابطه کنید».

پس مراحل اعمال کنترل اجتماعی در مرحله اول، ترش‌رویی و در مرحله بعدی طرد اجتماعی است؛ اما نکته شایان دقت در طرد اجتماعی آن است که طرد اجتماعی در موردی است که آن شخص با شما چنان صمیمیتی داشته باشد که اگر شما با او قطع رابطه کردید، عمل شما، نسبت به او تنبیه تلقی شود؛ یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل، در جلوگیری از کار بد او تأثیرگذار باشد؛ در غیر این صورت، چه بسا او از قطع رابطه با شما استقبال کرده، با شما قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود. در اینجا قطع رابطه شما با او نه تنها اثر تنبیهی ندارد، بلکه اثر تشویقی نیز دارد. در چنین مواردی طرد اجتماعی و قطع رابطه درست نیست.^۳

اما آسیبی که متوجه فرایند امریه معروف و نهی از منکر می‌شود این است که ما معمولاً از

۱. غلامرضا صدیق اورعی، اندیشه اجتماعی در روایات امریه معروف و نهی از منکر، ص ۷۵-۷۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، (۳۰ جلدی)، ج ۱۶، ص ۱۴۶.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۴۶.

مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت‌های بیجا می‌فهمیم، و از مرحله زبان به جای آنکه بیان‌های روشن‌کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می‌فرماید: ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه،^۱ موعظه‌ها و پندهای تحکم‌آمیز می‌فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم، به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب را فهمیده‌ایم که باید اعمال زور کرد.^۲

کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر

۱. بقای جامعه

انجام این فریضه باعث استحکام و تعادل در نظام اجتماعی می‌شود؛ چرا که وجود انحرافات و ناهنجاری‌ها تعادل جامعه را به خطر می‌اندازد و موجب نابودی و اضمحلال جوامع می‌شود. چنانچه آیات ۱۶۳-۱۶۶ سوره اعراف، اشاره به این مطلب دارد که بعضی از مردم قوم بنی‌اسرائیل، آن روستای ساحلی را که از صید کردن در روز شنبه منع شده بودند، نهی از منکر نکرده، سکوت کردند و حتی به کسانی که نهی از منکر می‌کردند، اعتراض کردند، و این عدم اجرای امر به معروف و نهی از منکر سبب اضمحلال و نابودی آنان گردید.

۲. ضامن اجرای دستورها و هنجارهای دینی

بنیاد دستورهای دینی و هنجارها، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین برای حفظ دستورها و ارزش‌های دینی و حفظ جامعه از ناهنجاری‌ها، امر به معروف و نهی از منکر لازم است. اعمال به موقع امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی تأکید بر رعایت ارزش‌ها و

۱. نحل (۱۶)، ۱۲۵.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۰۰-۲۰۱.

هنجارهای اسلامی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها. بنابراین در پرتو امر به معروف و نهی از منکر سایر هنجارها و ارزش‌های دینی در جامعه محقق می‌شوند. در روایت ۲۱۱۳۲ وسائل الشیعه آمده است: ... بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب، وتحل المكاسب وترد المظالم، وتعمر الارض...^۱ «با امر به معروف و نهی از منکر، سایر دستورها زنده، راه‌ها ایمن و کسب‌ها حلال می‌شود و مظالم به صاحبان اصلی برگردانده و زمین‌ها آباد می‌گردد». بنابراین اجرای این اصل، ضامن اجرایی شدن سایر دستورها، هنجارها و ارزش‌های دینی است.

۳. حاکمیت درستکاران و عدم استیلاي بدان

اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، پیوسته افراد پاک بر جامعه حاکم می‌شوند؛ در غیر این صورت بدان مسلط شده، دعای خوبان هم، دیگر مستجاب نمی‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: ... لیستعملن علیکم شرارکم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم؛^۲ «ناگزیر هستید امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ والا بدان بر شما مسلط می‌گردند، پس خوبانتان می‌خوانند و اجابت نمی‌شود». زیرا وقتی ناهنجاری‌ها در جامعه تذکر داده نشود و امر به معروف و نهی از منکر نشود، کج‌روان با فشار اجتماعی روبه‌رو نشده، به تدریج، گناه و معصیت رو به افزایش رفته، قبح و زشتی آن در جامعه از بین می‌رود. آن وقت، به جای اینکه صالحان بر کج‌روان اعمال فشار کنند، کج‌روان بر افراد صالح و مؤمن اعمال فشار کرده، سعی در حذف افراد صالح دارند. در نتیجه بدها پست‌ها را اشغال می‌کنند و حاکم می‌شوند؛ و چون بدی‌ها کیفر داده نشده، افراد بیشتری به شیوه آنها می‌پیوندند و دیگر کسی به صدای خوبان پاسخ نمی‌دهند؛^۳ اما با وجود امر به معروف و نهی از منکر، دیگر بدها مسلط نمی‌گردند و همواره، حاکمیت از آن خوبان

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. غلامرضا صدیق‌اوردی، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، ص ۹۰-۹۲.

می‌شود. از این رو، از کارکردهای اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، بقای جامعه، ضمانت اجرای دستورها و هنجارهای دینی، حاکمیت خوبان و عدم استیلاي انسان‌های بد است.

انگیزه‌های ترک امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به تأکید اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر، سکوت و بی‌تفاوتی در این فریضه، نگره‌ش شده است. امام باقر ع در این باره می‌فرمایند: *بئس القوم قوم یعیبون الامر بالمعروف والنهی عن المنکر*^۱ «اجتماعی که اصرار بر رعایت ارزش‌ها و هنجارهای دینی و جلوگیری از نابهنجاری‌های دینی (امر به معروف و نهی از منکر) را عیب و نقص بدانند، اجتماع بدی هستند». ما در صدد بررسی انگیزه‌های ترک یا بی‌تفاوتی نسبت به این موضوع هستیم. معمولاً اگر عملی با تنبیه مکرر مواجه نشود یا تشویق نبیند، بیهوده و کم‌اثر جلوه کرده، ترک می‌شود. امر به معروف هم از این قاعده عمومی مستثنا نیست. اگر عضو معمولی گروه یا جامعه‌ای با عمل به منکر یا ترک معروف افراد بانفوذ و مقتدر گروه، روبه‌رو شود، آنگاه اعمال فشار و کنترل اجتماعی علیه شخص مقتدر و مافوق مشکل است. اگر بخواهد اعمال کنترل کرده، اخم کند و یا به او سلام نکند، در گروه، بی‌ادب تلقی شده، تحت فشار قرار می‌گیرد و اگر بخواهد قطع رابطه کند، چنین کاری، انزوای عضو معمولی است، نه طرد اجتماعی شخص کج‌رو و برجسته گروه.^۲ در این مواقع است که انگیزه‌های بی‌تفاوتی و سکوت نسبت به رعایت ارزش‌ها و هنجارها قابل طرح و بررسی است.

۱. ترس

در کتاب *مستدرک الوسائل* آمده که در قیامت، خداوند از شخصی که در دنیا

۱. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ص ۱۱۷.

۲. غلامرضا صدیق‌اورعی، *اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر*، ص ۹۶.

امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کرد، درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌پرسد و او جواب می‌دهد: خدایا! ترسیدم. خداوند می‌فرماید: انا كنت احق ان تخاف؛^۱ «من سزاوارتر بودم که بترسی». از این رو، یکی از عوامل ترک امر به معروف و نهی از منکر، ترس است.

۲. طمع

عامل دیگری که از انگیزه‌های ترک امر به معروف و نهی از منکر و عدم اعمال کنترل اجتماعی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای دینی است، تشویق‌ها و وعده‌های منحرفان به شخص است.

چنانچه در وسائل الشیعه آمده: خداوند، سکوت در برابر بدی‌ها را بر دانشمندان و مروجان دینی یهود و نصارا، عیب و ننگ شمرد؛ زیرا آنان با اینکه بدی‌ها و فساد را از ظالمان می‌دیدند، نسبت به آن بی‌تفاوت بودند؛ و این به خاطر میل و رغبت مریبان دینی به هدایایی بود که از ستمگران به آنان می‌رسید.^۲

۳. تعلق

انگیزه سوم در ترک این فریضه، تعلق و وابستگی فرد به گروه و اجتماع است که در سایه آن نسبت به ناهنجاری‌ها ساکت و بی‌تفاوت می‌شود؛ چرا که اگر اظهار تنفر و انزجار از منکر کند، اعضای دیگر او را طرد می‌نمایند. از این رو، افرادی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌کنند یا به انگیزه تعلق و وابستگی اجتماعی به گروه یا اجتماع است، یا به انگیزه ترس و بر اثر تهدید یا تطمیع و یا به انگیزه طمع.^۳

۱. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۵.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۳۰.

۳. غلامرضا صدیق اورعی، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، ص ۹۸.

برای مبارزه با این انگیزه‌ها، باید ارزش‌ها و هنجارهای محکمی علیه تارکان امریه معروف و نهی از منکر ایجاد شود؛ و پیشاپیش موضع‌گیری محکم و سریعی علیه دعوت‌کننده به بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌ها و هنجارها و سکوت در قبال نقض ارزش‌ها، انجام شود.^۱ چنانچه پیامبر اکرم ص برای تارک امریه معروف، موضع‌گیری تنیدی کرده، فرموده‌اند: خداوند به یقین، مؤمن ناتوان را که درشتی ندارد و فریاد نمی‌زند، دشمن می‌دارد؛ منظور، کسی است که امریه معروف و نهی از منکر نمی‌کند.^۲

ساختار اجتماعی - فرهنگی عصر غیبت

خروج دجال یکی از علائم ظهور امام زمان عج است. در متون دینی ما خروج دجال، به معنی به اوج رسیدن ویژگی‌های منفی و ضد ارزش در جامعه است.^۳ در حدیثی حضرت علی ع، علائم خروج دجال را همراه با ظهور و بروز برخی ویژگی‌ها و مفاسد در جامعه بیان می‌کنند که تحت چهار عنوان، شایان ذکر است.^۴

(الف) ارتباط و تعامل‌های ناسالم، مانند:

۱. ضایع کردن امانت؛
۲. پسندیده شمردن دروغ‌گویی؛
۳. رباخواری؛
۴. رشوه‌گیری؛
۵. قطع پیوندهای خویشاوندی؛
۶. پیمان‌شکنی؛

۱. همان.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۲۵، ح ۲۱۱۴۹.

۳. غلامرضا صدیق اورعی، اندیشه اجتماعی در روایات امریه معروف و نهی از منکر، ص ۱۰۴.

۴. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۶.

ب) جابه‌جایی اقتدار و احترام، همچون:

۱. پلیدترین مردم رهبر است؛

۲. فرمانروایان قانون شکن‌اند؛

۳. وزیران ستمکارند؛

۴. بدان گرامی‌اند؛

۵. قاریان قرآن بدکارند؛

۶. بی‌خردان به کار گمارده می‌شوند؛

ج) جابه‌جایی ارزش‌ها، مثل:

۱. ضعف تلقی شدن دانش؛

۲. فخر دانستن ظلم؛

۳. ترجیح امر دنیا بر دین؛

۴. شدت میل به دنیا؛

۵. بی‌ارزش شدن حیات انسان (خون)؛

۶. پراکندگی قلب‌ها در کنار انبوهی صف‌ها؛

۷. برافراشتن ساختمان‌ها.

د) شکسته شدن هنجارها، مانند:

۱. میراندن نمازها؛

۲. فروختن دین به دنیا؛

۳. پیروی از هوس‌ها؛

۴. آشکار شدن گواهی ناحق؛

۵. علنی شدن گناهان؛

۶. بلند شدن صدای بدکاران؛

۷. شراکت زنان در تجارت شوهران^۱

همه این ویژگی‌ها و ضد ارزش‌ها از علایم خروج دجال است که از علایم ظهور است. بنابراین در سایه کنترل اجتماعی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، می‌توان زمینه‌های فساد و تباهی را از جامعه زدود، تا زمینه‌های ظهور امام زمان علیه السلام هموار شود. از این رو، کارکرد اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام کنترل اجتماعی است که با سه مکانیزم احساس حضور، جامعه‌پذیر کردن انتظار و امر به معروف و نهی از منکر، قابل اجراست. بنابراین انسان منتظر، خود، محیط پیرامون و جامعه را با این سه مکانیزم از ناهنجاری‌ها دور نگه می‌دارد و زمینه را برای ظهور امام زمان علیه السلام فراهم و مهیا می‌سازد؛ والا، انتظار حقیقی و سازنده در او تجلی نکرده است.

۱. غلامرضا صدیق اورعی، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۰۴-۱۰۵.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در این کتاب کارکردهای اجتماعی انتظار، به منزله اعتقاد و استراتژی مهم شیعه و مورد سفارش اهل بیت علیهم‌السلام، بررسی شده است که ما به چهار کارکرد مهم آن پرداخته‌ایم:

۱. کارکرد امیدبخشی؛

۲. کارکرد پویایی اجتماعی و تحرک‌بخشی؛

۳. کارکرد انسجام و هم‌بستگی اجتماعی؛

۴. کارکرد نظارت و کنترل اجتماعی.

فصل اول مربوط به امیدبخشی است که یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار در جامعه شمرده می‌شود. در این فصل به مفهوم و پشتوانه امید پرداخته، عوامل امیدبخشی در جامعه مهدوی بررسی شده است.

فصل دوم مربوط به پویایی اجتماعی و تحرک‌بخشی است که پیامد و کارکرد اجتماعی انتظار امام زمان علیه‌السلام شمرده می‌شود. به این معنا که کارکرد اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه‌السلام، بیزاری از دشمنان و دشمن‌ستیزی است؛ و با استناد به چندین روایت بیان شد که برائت و بیزاری از دشمنان، از وظایف منتظران است. از این رو، در این فصل، به دو بخش ظلم‌ستیزی و حرکت برای تشکیل حکومت اسلامی، در عصر غیبت پرداخته‌ایم

که از پیامدهای پویایی اجتماعی به شمار می آیند؛ یعنی پویایی اجتماعی، هم در حوزه ظلم ستیزی و هم در حوزه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت تجلی کرده است. در قسمت اول که مربوط به ظلم ستیزی می شود، با بیان هر سه نهضت تنباکو، مشروطیت و انقلاب اسلامی، نشان داده ایم که در این سه عصر، یکی از عوامل ظلم ستیزی، انتظار امام زمان علیه السلام بوده، و اعتقاد به چنین ایده ای منجر به حرکت و پویایی شده است. قسمت دوم، حرکت برای تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت است که از نتایج انتظار امام زمان علیه السلام شمرده می شود. بنابراین منتظر امام زمان علیه السلام، هرگز دچار سکون نشده، خود به خود، در جهت تشکیل حکومت اسلامی حرکت می کند. در این بخش به نقد و بررسی دو برداشت انحرافی از انتظار پرداخته، سپس ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از منظر عقلی و نقلی را بررسی کرده ایم. پس کارکرد اجتماعی انتظار امام زمان علیه السلام، پویایی اجتماعی و تحریک بخشی است که منتظران واقعی را به ظلم ستیزی و تشکیل حکومت اسلامی سوق داده است.

فصل سوم مربوط به انسجام و هم بستگی اجتماعی است که از کارکردهای اجتماعی انتظار شمرده می شود؛ یعنی همان طور که دین، عامل هم بستگی اجتماعی است و از مجموعه ارزش ها و اعتقادات شکل گرفته، امامت نیز که جزئی از ارزش ها و اعتقادات دینی اسلام است، همین کارکرد انسجام بخشی را داراست. پس امام معصوم در جامعه عامل انسجام بخشی است و در دوران غیبت کبرا، نایبان امام زمان علیه السلام که همان فقها هستند، عامل انسجام بخش اجتماع اند. بنابراین ولایت آنان در عصر غیبت، عامل هم بستگی اجتماعی در جامعه منتظران است. در این فصل، عامل هم بستگی اجتماعی را در دو بعد دنبال کرده ایم؛ یکی بعد اعتقادی که همان بحث ولایت فقها است؛ و دیگری بعد مناسکی. سپس به ذکر چند عامل در تقویت انسجام جامعه منتظر امام زمان علیه السلام پرداخته ایم.

در بحث ولایت فقیهان، با مراجعه به تاریخ، از عصر صفوی به بعد، مشاهده شده که

پادشاهان صفوی، علی‌الخصوص، شاه‌طهماسب، معتقد بودند که علما و فقها نایب امام زمان علیه السلام هستند و حکومت در شأن آنان است. از این رو، ضمن بیان نمونه‌هایی از دوران صفویه و قاجاریه، به بررسی ولایت فقها به‌منزله عامل انسجام آن دوران پرداخته‌ایم. سپس با مقایسه پارادایم‌های مختلف درباره این بحث - پارادایم میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و امام خمینی - پارادایم امام خمینی علیه السلام را جامع‌تر، گسترده‌تر و عمیق‌تر از دیگران دانسته‌ایم. این پارادایم، همان نگاه جامع و عمیق به بحث ولایت فقیهان است که در جامعه عصر غیبت، عامل هم‌بستگی اجتماعی شده است.

در فصل چهارم، ضمن بررسی نظارت و کنترل اجتماعی، کارکرد چهارم انتظار امام زمان علیه السلام در ایران معاصر، بیان کردیم که منتظران دائمی، همواره به دنبال کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی در جامعه هستند. سپس با نقد و بررسی تفکر گروهی موسوم به انجمن حجتیه، بیان کردیم که انتظار امام زمان علیه السلام با سه مکانیزم، عامل نظارت و کنترل اجتماعی شده است که عبارت‌اند از:

۱. احساس حضور امام که منتظران، همواره با احساس حضور، بر این باورند که همه در محضر امام هستند و منتظر واقعی هیچ‌گاه، به دنبال گناه و معصیت نخواهد رفت؛
۲. جامعه‌پذیر کردن فرهنگ انتظار؛
۳. امر به معروف و نهی از منکر.

مکانیزم جامعه‌پذیری و امر به معروف و نهی از منکر، به‌منزله عاملی برای کنترل اجتماعی جامعه منتظر، ایفای نقش می‌کنند. این دو مکانیزم، برخلاف مکانیزم اول، مکانیزم‌های بیرونی شمرده می‌شوند. بنابراین انتظار امام زمان علیه السلام با این سه مکانیزم، منجر به کاهش ناهنجاری‌ها در جامعه می‌شود. از این رو، پیامدهای اجتماعی انتظار امام زمان علیه السلام در ایران معاصر عبارت‌اند از: امیدبخشی، پویایی، انسجام و کنترل اجتماعی.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.

۱. آصفی، محمد مهدی، الانتظار الموجّه دراسة فی علاقة الانتظار بالحركة وعلاقة الحركة بالانتظار، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۵ ش.
۲. گروه تاریخ و اندیشه معاصر، آموزه، شرق شناسی نوین و انقلاب اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ۱۳۸۴ ش.
۳. ابوالحسنی، علی، اندیشه سبز، زندگی سرخ، انتشارات امید انقلاب، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۴. اچ. لاور، رابرت، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۵. ادیب، محمدحسین، جامعه‌شناسی ایران، نشر هشت بهشت، اصفهان، ۱۳۷۴ ش.
۶. افروغ، عماد، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، مؤسسه فرهنگ و دانش، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۷. الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۹ ش.
۸. خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، قم، ۱۴۲۰ ق.
۹. _____، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب الیوم)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مراکز و روابط فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۱۰. _____، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. _____، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام)، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی با همکاری انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. _____، کتاب البیع، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. _____، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. امجدی، جلیل، تاریخ شفاهی سازمان مهدویون، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. باقی، ع.، در شناخت حزب قاعدین زمان، نشر دانش اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۱۶. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. تاجری، حسین، انتظار بذر انقلاب، نشر کوکب، ۱۳۵۸ ش.
۱۸. ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ فضل الله نوری، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۹. توسلی، غلام عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه، انتشارات میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۱. جانسون، چالمرز، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. جهان‌بزرگی، احمد، درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۱ ش.
۲۵. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۲۶. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، (۲۰ جلدی)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۸. _____، وسائل الشیعة، (۳۰ جلدی)، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۲ق.
۲۹. _____، جهاد با نفس، (ترجمه کتاب جهاد النفس و مسائل الشیعة)، ترجمه علی افراسیابی، نهاوندی، قم، ۱۳۸۰ش.
۳۰. حسینیان، روح الله، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۱-۱۳۴۳)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۳۱. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۳۲. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۳. خراسانی، محمدجواد، مهدی منتظر، تحقیق سیدجواد میرشفیعی خوانساری، بنیاد پژوهش های علمی - فرهنگی نور الاصفیا، قم، ۱۳۷۹ش.
۳۴. دوانی، علی، مفاخر اسلام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴ش.
۳۵. _____، نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۶. دیلمی، شهردار بن شیرویه، فردوس الاخبار بمأثور الخطاب المخرّج علی کتاب الشهاب، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۳۷. رضوانی، هما، لوایح آقا شیخ فضل الله نوری، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲ش.
۳۸. روسک، جوزف و رولند وارن، مقدمه ای بر جامعه شناسی، ترجمه بهروز نیوی و احمد کریمی، کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۶۹ش.
۳۹. روشه، گئی، مقدمه ای بر جامعه شناسی: سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۵ش.
۴۰. ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۱. زاهد، سعید، جنبش های اجتماعی معاصر ایران، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران، ۱۳۸۱ش.
۴۲. زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۴ش.

۴۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ ش.
۴۴. سلیمان، کامل، يوم الخلاص، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۴۵. سیدبن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی، ملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۴۶. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. شاردن، جان، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۴۸. شایان مهر، علیرضا، دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴۹. شجاعی زند، علیرضا، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، انتشارات تیان، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۵۰. شریفی، عصمت الله، آسیب شناسی نهضت های اسلامی معاصر از دیدگاه امام خمینی عج (پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی) مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عج، قم.
۵۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار؛ بایدها و نبایدها، موعود عصر عج، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۵۲. شولتز، دوآن، روان شناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۵۳. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۵۴. صدر، سیدرضا، راه مهدی عج، به اهتمام سیدباقر خسروشاهی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ش.
۵۵. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه منصور پهلوان، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴ ش.
۵۶. _____، ترجمه منصور پهلوان، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ ش.
۵۷. صدیق اورعی، غلامرضا، اندیشه اجتماعی در روایات امریه معروف و نهی از منکر، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.

۵۸. صلیبی، ژاسنت، فرهنگ توصیفی روان‌شناسی اجتماعی، پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۵۹. طالبان، محمدرضا، مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، معاونت آموزش و پژوهش دفتر پژوهش‌های اجتماعی، ۱۳۷۶ش.
۶۰. طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب، انتشارات زایر آستانه مقدسه قم، قم، ۱۳۸۵ش.
۶۱. طبرسی، ابومنصور احمد، احتجاج، تعلیق سیدمحمدباقر خراسان، نعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶ق.
۶۲. طبسی، نجم‌الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.
۶۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۴ش.
۶۴. علویان، مرتضی، روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ش.
۶۵. علیان‌سب، سیدضیاءالدین و سلمان علوی نیک، جریان‌شناسی انجمن حجیه، انتشارات زلال کوثر، قم، ۱۳۸۵ش.
۶۶. فارابی، ابونصر، فصول متزعه، دارالمشرق، بیروت.
۶۷. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷ش.
۶۸. فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۴ش.
۶۹. فوکو، میشل، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۷۷ش.
۷۰. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۷۱. کازینو، ژان، قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ش.
۷۲. کتابچی، محسن، مهدی منتظر (ناموس اعظم حق در کلام امام هشتم علیه السلام)، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.
۷۳. کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲ش.

۷۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق محمد جواد فقیه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۷۵. _____، اصول کافی، مؤسسه دارالکتب اسلامیة.
۷۶. _____، فروع کافی، دارالتعارف، بیروت.
۷۷. کمالی، علی اکبر، بررسی مفهوم جامعه پذیری سیاسی، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ش.
۷۸. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۷۹. گفتمان مهدویت (سخنرانی‌های گفتمان سوم)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
۸۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۸۱. فردرو، محسن و دیگران، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، با نظارت محمد عبداللهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، تهران، ۱۳۷۸ش.
۸۲. مدنی، جلال الدین، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۹ش.
۸۳. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن ۷ (اخلاق در قرآن)، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عج، قم، ۱۳۷۸ش.
۸۴. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ش.
۸۵. _____، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۷۸ش.
۸۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ش.
۸۷. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، نشر ایران نگین، قم، ۱۳۸۱ش.
۸۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، دار البلاغة، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۸۹. موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.
۹۰. نائینی، محمد حسین، تنبیه الامة و تنزیه الملة یا حکومت از نظر اسلام، به قلم سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشار، تهران.

۹۱. _____، تنبيه الامة و تنزيه الملة، تصحيح و تحقيق سيد جواد ورعی، بوستان كتاب، قم، ۱۳۸۲ ش.
۹۲. نامدار، مظفر، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صدساله اخیر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۹۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، [بی تا].
۹۴. نجفی، موسی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد مستضعفان و جانبازان، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۹۵. نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران.
۹۶. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۹۷. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، نشر رایزن، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۹۸. ابن ابی فراس، ورام، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه ورام)، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۷۶ ق.
۹۹. ورسلی، پیترا، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۰۰. هاشم العمیدی، سیدنا مر، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۰۱. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰۲. یعقوبی، عبدالرسول، عوامل هم‌بستگی و گسستگی ایرانیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ۱۳۸۳ ش.

مقالات

۱. ابوالحسنی، علی، «انقلاب اسلامی ایران، جلوه‌ای از الطاف امام عصر (ع)»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۸، ص ۷۴-۱۰۴.

۲. _____، «شیخ فضل الله نوری، انقلابی عصر استبداد، اصلاحگر عصر مشروطه»، قبسات، سال ششم، زمستان ۱۳۸۰، ش ۲۲، ص ۷۷-۵۹.
۳. جعفری، محمدصابر، «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها»، فصلنامه/انتظار موعود، سال چهارم، بهار ۱۳۸۴، ش ۱۵، ص ۷۴-۴۶.
۴. جمال‌زاده، ناصر، «علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب»، دوفصلنامه دانش سیاسی، دانشگاه امام صادق، سال اول، بهار و تابستان ۸۴، ش ۱، ص ۶۵-۴۳.
۵. احمدی، حمید، مسعود چلبی و دیگران، «میزگرد وفاق اجتماعی و هم‌بستگی ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، ش ۱، ص ۴۳-۱۷.
۶. شرفی، محمدرضا، «مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار»، ماهنامه موعود، سال هفتم، ش ۳۸، ص ۲۸-۲۲.
۷. قاسمی، محمدعلی، «غیبت انتظار و حکومت»، فصلنامه انتظار موعود، بهار و تابستان ۸۳، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۳۱۲-۲۹۴.
۸. کتابی، محمود و دیگران، «دین سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه اصفهان، ج ۱۷، سال ۱۳۸۳، ش ۲، ص ۱۹۲-۱۶۹.
۹. مزینانی، محمدصادق، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله حوزه، مهر، آبان، آذر و دی ۱۳۷۴، ش ۷۱-۷۰، ص ۲۱۸-۱۸۵.

منابع و مقالات فرعی

۱. آبراهامیان، پروانه، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲. بودون، ریمون، *منطق اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۳. تقوی مقدم، مصطفی، *فراز و فرود مشروطه*، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۴ ش.

۴. جعفر المصباح، کاظم، الامام المهدي و مفهوم الانتظار، دار البصائر.
۵. جعفر پيشه فرد، مصطفى، مفاهيم اساسی نظریه ولایت فقیه، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۶. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه و رهبری در اسلام، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۸. حکیمی، محمد، عصر زندگی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش.
۹. حیدری شاهرودی، عزیزالله، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. ذبیح زاده، ع. ن.، رهبران دینی در نهضت مشروطه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، آوای نور، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه شناسی کج روی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. سلیمان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیه السلام، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. _____، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر علیه السلام، مؤسسه السيدة المعصومة، قم، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. فقیه ایمانی، محمد باقر، شیوه های یاری قائم آل محمد علیه السلام، نشر عطر عترت، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۸. قاسمی، محمد علی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه های ولایت فقیه از قرن چهارم تا سیزدهم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۴ ش.

۱۹. کاووسی عراقی، محمدحسن و نصرالله صالحی، جهادیه: فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۰. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹ش.
۲۱. گفتمان مهدویت (سخنرانی‌های گفتمان اول و دوم)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
۲۲. متقی هندی، علاءالدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ خیام، قم، ۱۳۹۹ش.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، تدوین و نگارش قاسم شبان‌نیا، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عج، قم، ۱۳۸۴ش.
۲۴. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۵ش.
۲۵. نجفی، موسی و موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، قم، ۱۳۸۱ش.
۲۶. نجفی، موسی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، چاپ کلینی، بی‌جا، ۱۳۶۹ش.
۲۷. بزازعلی‌پور، مهدی، «فرایند شکل‌گیری و فروپاشی وفاق و هم‌بستگی اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، زمستان ۱۳۸۱، ش ۲۰، ص ۲۴۵-۲۶۳.
۲۸. چلبی، مسعود، «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی دوره جدید، ج ۲، بهار ۱۳۷۲، ش ۳، ص ۱۵-۲۶.
۲۹. عبدی‌پور، حسن، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی»، انتظار موعود، سال دوم، پاییز ۱۳۸۱، ش ۵، ص ۲۲۵-۲۴۹.
۳۰. فولادی، محمد، «هم‌بستگی ملی و مشارکت عمومی، آثار و پیامدها»، مجله معرفت، سال چهاردهم ش ۳، خرداد ۱۳۸۴، شماره ۹۰، ص ۹۵-۸۸.
۳۱. مهاجرنیا، محسن، «گفتمان‌های انتظار»، فصلنامه حصون، تابستان ۸۶، ش ۱۲، ص ۳۱-۵۷.